



شماره ۲۴۱ - ۲۷۱۷



# پژوهشنامه موعود

دو فصلنامه علمی - ترویجی

سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱

قرآن و واکاوی اصالت مهدویت در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی

عباسی عیسی زاده

تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار در شناخت خود، خدا و امام از نظر آیت الله صافی

طاهره حاجی رحیمی، محمدعلی محبی اردکان

کارکردهای اجتماعی بلوردانست انتظار در زمینه تحقق ظهور از دیدگاه آیت الله صافی گلپایگانی

فاطمه الباسری

نقش اعتقاد به مهدویت بر فرهنگ دینی خانواده در منابع اسلامی با تأکید بر اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی

حکیمه احسانی، فاطمه ابراهیم پور پانی

نقش زن منتظر در تربیت نسل منتظر با تأکید بر اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی

فاطمه هاشمی

وظایف زنان در زمینه سازی ظهور با تأکید بر اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی

فاطمه زهرا ستار

همایش بین المللی مهدویت و انتظار در اندیشه

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دو فصلنامه علمی-ترویجی  
پژوهشنامه موعود

با استناد به نامه شماره ۱۵۷۲۸ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه های علمیه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ دو فصلنامه پژوهشنامه موعود از شماره یک به رتبه علمی-ترویجی ارتقا یافت.  
بر اساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱

### صاحب امتیاز:

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

### مدیر مسئول:

حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی

### سردبیر:

حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان

### مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:

حجت الاسلام و المسلمین سید علی کاظمی

### ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

### مترجم انگلیسی:

حجت الاسلام و المسلمین حمید سعادت

### مترجم عربی:

ضیاء الذهاوی

### اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

الهی نژاد، حسین (استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

بهروزی لک، غلامرضا (استاد دانشگاه باقرالعلوم قم)

سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم (استاد حوزه علمیه قم)

شاکری زوردهی، روح الله (دانشیار دانشگاه تهران)

پردیس فارابی)

صفری فروشانی، نعمت الله (استاد جامعه المصطفی

العالمیه)

عرفان، امیرمحسن (استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم)

کلباسی، مجتبی (استاد حوزه علمیه قم)

مروجی طبسی، نجم الدین (استاد حوزه علمیه قم)

یوسفیان، مهدی (فاضل حوزوی، مدیر پژوهشکده

مهدویت موعودگرایی انتظار پویا)



پژوهشگاه معارف اسلامی قم



مرکز تحقیقاتی مهدویت

آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴، تلفن:

۰۲۵۳۷۸۴۱۴۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mouoodmag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mouoodmag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

شماره شابا: ۰۲۴۱-۲۷۱۷

قیمت: ۲,۱۰۰,۰۰۰ ریال

## راهنمای تدوین و نگارش مقالات

### راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

دو فصلنامه پژوهشنامه موعود زیر نظر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا می‌باشد و به منظور تبیین، بسط، ارتقای سطح دانش و آگاهی، نقد و نظر، آشنایی با مفاهیم جدید در حوزه مهدویت و موعودگرایی تأسیس شده است. این دو فصلنامه تلاش دارد آخرین دستاوردهای علمی متخصصان و اندیشمندان معارف مهدویت و موعودگرایی را به مخاطبان خود عرضه کند. مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر می‌شود و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعودگرایی قرار می‌گیرد.

#### الف) شرایط عمومی

۱. مقاله می‌باید با مباحث مهدویت و موعودگرایی ارتباط داشته باشد؛
۲. مقاله به تبیین و بسط مباحث مهدویت، ارتقای سطح آگاهی و دانش، نقد و نظر و آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی بپردازد؛
۳. حجم کل مقاله حداقل ۳۶۰۰ کلمه و حداکثر ۷۰۰۰ کلمه باشد؛
۴. فونت متن مقاله B Mitra با شماره ۱۴ و حاشیه ۱۰ باشد و فونت آیات و روایات B Mitra با شماره ۱۴ و پیرنگ و در محیط Word ارائه شود؛
۵. در صورت نیاز، ترجمه آیات و روایات و کلمات عربی و انگلیسی و توضیح مفاهیم در پاورقی آورده شود.
۶. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود؛

#### ب) نحوه تنظیم مقاله

نظم و ترتیب منطقی مباحث به صورت ذیل رعایت شود.

۱. چکیده: چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که حاوی بیان مسئله، هدف، روش، و یافته پژوهش باشد.
۲. واژگان کلیدی: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
۳. مقدمه: مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
۴. بدنه اصلی: بدنه اصلی، محتوای ترویجی بوده و می‌بایست موارد ذیل مورد نظر قرار گیرد:
  - تبیین و بسط مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
  - ارتقای سطح دانش و آگاهی مهدویت و موعودگرایی؛
  - نقد نظر در زمینه مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
  - آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی.
۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله گویای یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی،

مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود؛

۶. **ارجاعات:** ارجاع به صورت یاورقی و به صورت ذیل آورده شود:

- **قرآن:** بقره: ۵۰.
  - **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.
  - **مجله:** نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.
  - **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.
۷. **ارجاع پایانی (فهرست منابع):** کتاب شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

- **کتاب:** نام خانوادگی، نام، **عنوان کتاب** (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ؛
- **مجله:** نام خانوادگی، نام، **عنوان مقاله** (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر؛
- **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل؛
- **نرم افزار:** نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

#### ج) تذکرات

- مطالب مقاله مبین آرای نویسنده یا نویسندگان آن است و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست؛
- تمامی مسئولیت مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن می‌باشد؛
- مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد؛
- فصلنامه در ویرایش مقاله (به صورتی که به اصل مطلب صدمه نزند) آزاد است؛
- مقاله دریافتی در صورت تایید یا رد، بازگردانده نمی‌شود؛
- چاپ و نشر مقاله پس از گذراندن مراحل ارزیابی و پذیرش ضوابط فصلنامه امکان پذیر است؛
- نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

#### د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضوری:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی):

- از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹؛
- از طریق سایت به آدرس: [www.mouoodmag.ir](http://www.mouoodmag.ir)؛
- از طریق رایانامه به آدرس: [mouoodmag@gmail.com](mailto:mouoodmag@gmail.com)؛
- از طریق فضای مجازی به آدرس: [@mahdaviatmag](http://@mahdaviatmag).

## فهرست مقالات

- قرآن و واکاوی اصالت مهدویت در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی..... ۵  
عیسی عیسی زاده
- تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت خود، خدا و امام از دیدگاه آیت الله صافی..... ۳۱  
طاهره حاجی رحیمی - محمدعلی محیطی اردکان
- کارکردهای اجتماعی باورداشت انتظار در زمینه تحقق ظهور از دیدگاه آیت الله صافی گلپایگانی ..... ۵۱  
فاطمه الیاسری
- نقش اعتقاد به مهدویت بر فرهنگ دینی خانواده در منابع اسلامی، با تأکید بر اندیشه آیت الله  
صافی گلپایگانی رحمته الله علیه ..... ۷۳  
حکیمه احسانی - فاطمه ابراهیم پور یائی
- نقش زن منتظر در تربیت نسل منتظر با تأکید بر اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی..... ۹۷  
فاطمه هاشمی
- وظایف زنان در زمینه سازی ظهور با تأکید بر اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی..... ۱۲۱  
فاطمه زهرا ستار
- ترجمه چکیده مقالات عربی-انگلیسی ..... ۱۴۳

## قرآن و واکاوی اصالت مهدویت در اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی

عبسی عیسی زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

«اصالت مهدویت» از موضوعات اساسی مسئله امامت است که اثبات آن نقش تعیین کننده‌ای در امیدبخشی به منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. این موضوع به دلیل اهمیتش در میان اندیشمندان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از جمله دانشمندان و مفسران معاصر شیعه که این موضوع را از جهات گوناگون عقلی، قرآنی، روایی، فطری، توحیدی، کرامتی و اجماعی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند، مرحوم آیت الله صافی گلپایگانی می‌باشد. در پژوهش پیش رو تلاش شده است با استناد به آیات قرآن و بهره‌گیری از منابع مکتوب و نرم افزاری، اصالت مهدویت مبتنی بر قرآن با تأکید بر دیدگاه این مفسر و فقیه بزرگ شیعه، به شیوه توصیفی - تحلیلی مورد واکاوی قرار گیرد.

از پژوهش پیش رو می‌توان با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات تفسیری و همچنین با استعانت از دیدگاه مرحوم آیت الله صافی گلپایگانی به این نتیجه اشاره کرد که اصالت مهدویت را در جهات گوناگون همچون پیروزی حزب الله و غلبه سپاه خداوند، نصرت پیامبران و مؤمنان، پایداری حق و زوال پذیری کفر، پیشوایی و امامت مستضعفان، خلافت صالحان، گسترش دین اسلام در تمام عالم و غلبه بر تمام ادیان، آمدن حق و نابودی باطل و قدرت یافتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش به اثبات رساند.

**واژگان کلیدی:** اصالت مهدویت، قرآن، آیت الله صافی گلپایگانی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سطح چهار تخصصی

e.eisazadeh@isca.ac.ir

## مقدمه

ایمان و اعتقاد به مهدویت و امید به ظهور منجی موعود به عنوان یکی از ارکان اعتقادی شیعه و ایمان به نیابت عامه فقهای شیعه از آن امام به حق در غیبت آن حضرت، توانسته است ثمره‌ای شیرین و امیدبخش به نام انقلاب اسلامی با رهبری مرجع بزرگ شیعه امام خمینی، نایب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برای انسان معاصر به ارمغان آورد و بساط طاغوتیان را از کشور عزیز ایران جمع و روحیه ظلم ستیزی و مقاومت را در مستضعفان عالم احیا کند. از همین رو، دشمنان قسم خورده اسلام تمام تلاش خویش را به کار گرفته تا با تضعیف ایمان و اعتقاد جامعه شیعی به مهدویت و طرح شبهات، مانع فراهم شدن زمینه ظهور منجی موعود گردند و لذا ضرورت دارد برای دفاع از عقاید شیعه و پاسداری از فرهنگ مهدویت، پژوهش‌های عمیقی صورت گیرد. بر همین اساس، عده‌ای از اندیشمندان شیعه و مدافعان حریم ولایت و امامت همچون آیت‌الله صافی گلپایگانی تمام عمر خویش را در حراست از اعتقادات مهدوی صرف کرده و با تربیت شاگردان و عالمان و تولید آثار گرانسنگ در حوزه‌های گوناگون مکتب تشیع، به ویژه در بحث مهدویت توانسته‌اند زمینه ترویج معارف نجات بخش شیعه را فراهم کنند. از موضوعات مهمی که آن فقیه نامدار شیعه به شایستگی آن را از جهات گوناگون بررسی و تحلیل قرار داده است، مسئله اصالت مهدویت می‌باشد. با توجه به نقش کلیدی این موضوع در استحکام و نهادینه شدن ایمان و باور به مهدویت در جوامع اسلامی، در پژوهش پیش رو تلاش شده است که از زاویه قرآن کریم، اصالت مهدویت با تاکید بر آرای پژوهشگر برجسته شیعه، آیت‌الله صافی گلپایگانی به صورت توصیفی - تحلیلی مورد بحث و واکاوی قرار گیرد. از میان آثار باقی مانده از عالمان مهدوی پژوه در حوزه مباحث قرآنی مهدویت، آثاری از گذشتگان به یادگار مانده است؛ اما اثری که به موضوع اصالت مهدویت مبتنی بر قرآن با محوریت اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی پرداخته باشد، یافت نشد.

## مفهوم شناسی مهدویت

«مهدویت»، از نظر لغوی مصدر جعلی و به معنای «مهدی (امام منتظر) بودن» است.<sup>۱</sup> واژه «مهدی» نیز در لغت به معنای «کسی که خدا او را به سوی حق هدایت کرده»،<sup>۲</sup> «هدایت شده» و «ارشادشده» آمده است؛<sup>۳</sup> اما در اصطلاح، مهدویت به معنای مهدی باوری، مهدی گرایی و اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی موعود آخرالزمان به کار می‌رود. به بیان دیگر، مهدویت، گویای دیدگاه اسلام درباره جهان آینده و آینده جهان است و در تعریف دیگر آمده است: آموزه مهدویت، مجموعه معارف منسجم و نظام مند درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و به عبارت بهتر، اعتقاد به وجود امامی که وارث فرهنگ وحی است و جهانیان در انتظار او به سر می‌برند.<sup>۴</sup> مهدویت از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی عبارت است:

منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیا و ادیان و دوازدهمین اوصیا و خلفای پیغمبر آخرالزمان است.<sup>۵</sup> در سخنی دیگر فرمود: مهدویت چیزی جز حیات و پویایی امامت در عصر غیبت و حاکمیت جهانی یافتن توحید و عدالت در عصر ظهور نیست.<sup>۶</sup>

اما «مهدی» لقب منجی موعود مسلمانان است. منظور از منجی موعود، مهدی مشخص است؛ یعنی حضرت مهدی، محمد بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف که در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری، برابر با ۸۶۹ میلادی در سامرا به دنیا آمد. او نهمین نسل از سبط کوچک پیامبر -

۱. دهخدا، لغت نامه، ج ۱۳، لغت مهدویت.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵ ص ۳۳۴؛ زبیدی، ج ۲ ص ۳۳۲ و طریحی، ج ۱، ص ۴۷۵.

۳. معین، فرهنگ نامه فارسی، ج ۴، ص ۴۴۶۲.

۴. عرفان، نقش باور داشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۴۱.

۵. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۹.

۶. همان، گفتمان مهدویت، ص ۱۰.



حسین بن علی - بود. در پنج سالگی به امامت رسید و دارای دو غیبت کوتاه مدت و بلند مدت است. غیبت کوتاه او سال ۳۲۹ پایان یافت و غیبت بلند مدت او از آن سال آغاز شد و هنوز ادامه دارد.<sup>۱</sup>

بر اساس بررسی‌های برخی از صاحب‌نظران، در افزون بر ۲۷۰ روایت، لقب «مهدی» برای این منجی موعود به کار رفته است.<sup>۲</sup> در سخن امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله، این لقب آمده است:

المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ اسْمِي، وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ، حَتَّى تَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛<sup>۳</sup> مهدی از فرزندان من است. نام او، نام من و کنیه او کنیه من، و شبیه‌ترین مردم در خلق و خو به من است. غیبت و حیرتی دارد که در آن امت‌ها گمراه می‌شوند. سپس مانند شهاب فروزان می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، به همان سان که از جور و ستم پر شده بود.

قابل ذکر است که باور به ظهور شخصی که جهان را پر از عدل و داد کرده و ریشه‌های ظلم و ستم را می‌خشکاند، به اسلام اختصاص نداشته، بلکه شامل ادیان مختلف الهی و آسمانی می‌شود و در اسلام، مسیحیت،<sup>۴</sup> یهودیت<sup>۵</sup> و زرتشت<sup>۶</sup> به ظهور این شخص، یعنی کسی که جهان را پر از عدل و داد و ظلم را ریشه کن می‌کند، نوید داده شده است. بنابراین، می‌توان گفت تمامی ادیان به آمدن موعودی مصلح، باور دارند که این موعود در

۱. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۴۶؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴ و طوسی، الغیبه، ص ۱۴۳.  
 ۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۴۴۳ و ۴۴۴.  
 ۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.  
 ۴. سلیمانی، ترجمه کتاب مقدس، باب ۱۲، آیات ۳۵-۴۰.  
 ۵. همان، سفر مزامیر، مزمور ۳۷.  
 ۶. اوستا، بخش یناهات، ۴۶.

اندیشه زردتشت، «سوشیات»،<sup>۱</sup> در اندیشه مسیحیت، «حضرت مسیح عليه السلام» و در اسلام، «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» است که قرآن و سنت به آمدن آن بشارت داده‌اند.

## اصالت

بدیهی است آنچه در بررسی و شناخت هر فکر و اندیشه، اصل و آغاز کار است، معقول بودن و خردپسند بودن آن است؛ به این معنا که عقل، امکان آن را بپذیرد و نتواند آن را به طور جزم انکار کند و قبول امکان آن را غیر عقلایی بداند.<sup>۲</sup> بنابراین، مراد از اصالت، ممکن بودن، معقول بودن و قابل اثبات بودن می‌باشد.

## اصالت مهدویت

اصالت مهدویت، یعنی عقیده به مهدویت از جهت ممکن بودن، به هیچ بیانی محتاج نیست؛ زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق می‌کند و هیچ خردمندی آن را ردّ نمی‌کند و اظهار شك و تردید را در آن جایز نمی‌داند. هرچه بیندیشیم و هر اندیشمندی آنچه بیندیشد، نمی‌تواند در اصالت مهدویت از این منظر ایرادی بگیرد یا حرفی بزند. همیشه این اصالت برای مسئله مهدویت و ظهور مصلح آخرالزمان، در بین ملت‌ها و امت‌ها و مسلمین و حتی آنان که به آن معتقد نیستند، مسلّم و ثابت بوده است و حتی در بسیاری از عقاید دینی دیگر، امکان آن اگر به ذهن نزدیک‌تر نباشد، دورتر نیست و لذا از قرن دوم به بعد که بعضی مجادلات و بحث‌ها در بین مسلمانان رواج گرفت و در مورد بسیاری از مسائل اسلامی سخن گفته شد؛ این موضوع اصلاً مورد شبهه و ایرادی قرار نگرفت؛ چون به هیچ وجه شبهه یا آنچه شبهه شبهه باشد، در آن راه ندارد. پس اصالت مهدویت از این منظر صددرصد معتبر و عقلایی و منطقی است و بیش از این به توضیح نیاز ندارد.<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ص ۲۰ و ۲۱.

۳. همان.

بنا بر این، اصالت مهدویت، به معنای آموزه‌های مهدویت، همچون اعتقاد به مهدویت، زنده بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان امام دوازدهم و ظهور او برای استقرار حکومت عدل در سراسر عالم بر اساس دیدگاه شیعه با دلایل قطعی، امری ممکن و قابل اثبات و خدشه‌ناپذیر است. به دلیل اهمیت این مسئله آیت‌الله صافی گلپایگانی تلاش کرده است در اثری مستقل، اصالت مهدویت را از ده منظر ذیل مورد بررسی قرار دهد:

۱. معقول بودن امکان آن؛
  ۲. اتکا بر مبانی معقول و منطقی؛
  ۳. موافقت با فطرت و نوامیس عالم خلقت؛
  ۴. مبتنی بودن آن بر بشارت پیامبران و ادیان آسمانی؛
  ۵. ابتنای آن بر آیات قرآن کریم؛
  ۶. ابتنای آن بر احادیث معتبر و متواتر؛
  ۷. اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت؛
  ۸. معجزات و کرامات؛
  ۹. ابتنای آن بر توحید و یکتا پرستی؛
  ۱۰. نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلامی.<sup>۱</sup>
- با توجه به این‌که بررسی و تحلیل جهات دهگانه اصالت مهدویت از ظرفیت این مقاله خارج است، تلاش شده است تنها جهت پنجم (ابتنای اصالت مهدویت بر آیات قرآن) در این پژوهش مورد واکاوی قرار گیرد.

### قرآن و اصالت مهدویت

قرآن از مهم‌ترین منابعی است که هم اهل بیت علیهم‌السلام و هم عده‌ای از اندیشمندان اسلامی برای اثبات اصالت مهدویت به آن استناد کرده‌اند. مرحوم سید هاشم بحرانی در کتابی با عنوان

۱. همان، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۳۴.

«المحجة فيما نزل في القائم الحجة» بیش از یک صد آیه را ذکر کرده است؛<sup>۱</sup> اما آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب اصالت مهدویت به ذکر سیزده آیه در هفت محور ذیل بسنده کرده است.<sup>۲</sup>

### محور یکم: پیروزی حتمی حزب الله

۱. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛<sup>۳</sup> و هر که خدا و پیامبر او و مؤمنان را ولی خود گزیند، بدانند که پیروزمندان گروه خداوندند؛
۲. «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛<sup>۴</sup> هیچ قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آن ها باشند. آن ها کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه قلوبشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن ها را تقویت کرده است. آن ها را در باغ هایی از بهشت داخل می کند که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن می مانند. خدا از آن ها خوشنود و آن ها نیز از خدا خشنودند. آن ها حزب الله اند بدانید حزب الله پیروز است؛
۳. «إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»؛<sup>۵</sup> و لشکر ما، خود غالبند.

### تحلیل آیه

با توجه به وعده حتمی خداوند در آیات یاد شده به پیروزی لشکرش و همچنین لشکر حزب الله؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مصادیق بارز لشکر و حزب خدا می باشد که روزی خواهد آمد و با

۱. همان، اصالت مهدویت، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۵۱ - ۵۵.

۳. مائده: ۵۶.

۴. مجادله: ۲۲.

۵. صافات: ۱۳۷.

وعده حتمی الهی بر تمام دشمنان پیروز خواهد شد و حکومت عدل الهی را در سراسر جهان محقق خواهد کرد؛ همان‌گونه که رسول خدا ﷺ، امام زمان و یاران آن حضرت را از مصادیق حزب الله در آیه «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup> دانسته و در سخنی به جُنْدَب این‌گونه فرمودند:

يَا جُنْدَبُ! فِي زَمَنِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ سُلْطَانٌ يَعْتَرِيهِ وَيُؤْذِيهِ، فَإِذَا عَبَجَ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا. طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ! أُولَئِكَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، وَقَالَ: «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛<sup>۲</sup> ای جُنْدَب! در زمان هر یک از امامان، سلطانی هست که بدان امام، آزار و اذیت می‌رساند. وقتی خداوند، ظهور قائم ما را برساند، جهان را از قسط و عدل پُر خواهد کرد؛ چنان‌که از ظلم و ستم پُر شده است.

سپس فرمود: خوشا به حال کسانی که در دوران غیبت او شکیبایند! خوشا به حال کسانی که در مسیری که اهل بیت برای آنان ترسیم کرده‌اند، تقوا پیشه می‌کنند! اینان، کسانی هستند که خدا در کتاب خویش، آنان را توصیف کرده و فرموده است: «و کسانی که به غیب ایمان دارند» و نیز فرموده است: «اینان، همان حزب الله هستند و حزب الله، همان رستگاران‌اند».

### محور دوم: نصرت پیامبران و مؤمنان

۱. «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ»؛<sup>۳</sup> وعده قطعی ما برای بندگان مرسل ما از قبل مسلم شده که آن‌ها یاری می‌شوند؛
۲. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»؛<sup>۴</sup> ما به طور

۱. مجادله: ۲۲.

۲. خزار رازی، کفایة الاثر، ص ۶۰.

۳. صافات: ۱۷۱ و ۱۷۲.

۴. غافر: ۵۱.

مسلم رسولان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روز قیامت که گواهان بر پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم».

## تحلیل آیه

آیت الله صافی گلپایگانی، در تحلیل این آیات گفته است:

بدیهی است این یاری و پیروزی شامل موارد جزئی هم می‌شود؛ مثل موافق و مشاهد بسیاری که خدای تعالی پیغمبر اسلام ﷺ را نصرت عطا فرمود؛ چنان‌که شامل پیروزی به حجت و برهان و دلیل و بیان می‌گردد؛ اما معلوم است که مناسب کمال امتنان و لطف خدا، پیروزی و نصرت مطلق است که در صورت وجود شرایط، انجام خواهد شد. پیروزی‌های جزئی و محدود نیز در زمینه وجود شرایط حاصل می‌شود و بالاخره فرد اکمل و مصداق اتم پیروزی و نصرت، پیروزی و نصرت مطلق بر همه کفار و جنود ابلیسی است که نه حدّ زمانی آن را به پایانی محدود سازد و نه حدّ زمینی و جغرافیایی آن را مختص به یک منطقه نماید. بر طبق این آیات، در مقابله اهل حق با اهل باطل، غلبه نهایی باید با اهل حق باشد و به طور کامل مشمول نصرت الاهی شوند.<sup>۱</sup>

بنا بر این، تحقق نصرت کامل و حقیقی و فراگیر جهانی، به زمان ظهور حجت الاهی امام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط خواهد بود که در آیات مذکور از سوی خداوند وعده داده شده است. با این بیان و استدلال مشخص می‌شود که تنها زمان تحقق وعده الاهی در نصرت کامل و همه جانبه خداوند، زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد و به تعبیر دیگر، با این آیه قرآن می‌توان اصالت و حقانیت ظهور منجی عالم را اثبات کرد؛ زیرا بر اساس وعده الاهی در این آیه، نصرت کامل خداوند فقط در زمان آن حضرت واقع می‌شود.

۱. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۶۶.

## محور سوم: پایداری حق و زوال پذیری کفر

۱. «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ»<sup>۱</sup>؛ خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آن‌ها سیلابی جاری شد. سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه [در کوره‌ها] برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید؛ اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند؛ ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند. خداوند این چنین مثال می‌زند»؛
۲. «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»<sup>۲</sup>؛ خدای تعالی اراده کرده است که حق را به کلمات خود، محقق [= آن را اظهار و اعلام و اثبات کند] و دنباله کافران را قطع کند».

### تحلیل آیه

آیت‌الله صافی گلپایگانی در تبیین اصالت مهدویت، مبتنی بر قرآن با استناد به آیه ۱۷ سوره رعد و آیه ۷ سوره انفال فرموده است: «آیاتی نیز دلالت دارند که حق پایداری و باقی و باطل از میان رفتنی است».<sup>۳</sup>

عیاشی نیز در تفسیرش، به سند خود از جابر چنین آورده است:

از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام راجع به تفسیر این آیه (انفال: ۷) پرسیدم که خدای عز و جل می‌فرماید: «و خدا می‌خواهد که حق را به وسیله کلماتش ثابت گرداند و ریشه کافران را از بیخ و بن بر کند.» امام باقر علیه السلام فرمود: «تفسیرش آن است که

۱. رعد: ۱۷.

۲. انفال: ۷.

۳. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ص ۵۸.

خدا در باطن چنین می‌خواهد؛ زیرا این، چیزی است که آن را می‌خواهد؛ ولی هنوز به انجام نرسانده و اما قول خداوند: «حق را به وسیله کلماتش ثابت گرداند»؛ منظور احقاق حق آل محمد می‌باشد و این که فرموده است: «به وسیله کلماتش»؛ یعنی کلمات او در باطن و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ همان کلمه خداوند در باطن است؛ و اما قول خداوند: «و ریشه کافران را از بیخ و بن برکند»؛ این، کافران بنی‌امیه هستند؛ کافران آن‌ها نیستند. خداوند دنباله آن‌ها را قطع خواهد کرد و این که فرموده است: «تا حق را تحقق بخشد»؛ یعنی حق آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تحقق بخشد، هنگامی که حضرت قائم عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى قیام کند؛ و اما قول خداوند: «و باطل را محو و نابود کند»؛ یعنی حضرت قائم عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى باطل را نابود می‌کند که چون قیام کند باطل بنی‌امیه را از بین خواهد برد و این است معنای قول خداوند: «تا حق را پایدار و محقق و باطل را محو و نابود کند؛ هر چند که مجرمان را خویش نیاید.»<sup>۱</sup>

بنا بر این، با توجه به دو آیه مورد استناد آیت‌الله صافی گلپایگانی و همچنین تبیین امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در باره مفهوم آیه ۷ از سوره انفال، می‌توان گفت که وعده نابودی کامل باطل از سوی خداوند، در زمان امامت و ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى به وقوع می‌پیوندد.

### محور چهارم: پیشوایی و امامت مستضعفان

۱. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُكَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»؛<sup>۲</sup> اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفان نعمت بخشیم، و آن‌ها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را بر جا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آن‌ها، آنچه را بیم داشتند، نشان دهیم.

۱. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۰.

۲. قصص: ۵ و ۶.



## تحلیل آیه

بدیهی است این اراده خدا عام است و به قوم بنی اسرائیل که مستضعف شدند و فرعون و هامان که آنان را استضعاف کرده بودند؛ اختصاص ندارد، بلکه همه مستضعفان مشمول این عنایت الهی هستند و این سنت خدا است. لذا حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَظْفَ الصَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا<sup>۱</sup>؛ دنیا بعد از تمکین نداشتنش از ما، منقاد و مطیع ما خواهد شد؛ مانند ناقه سرکش که نسبت به بچه خود پذیرایی و عطوفت دارد. «سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۲</sup>.

بدیهی است این فرمایش حضرت به ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ السَّمَوَاتُ اشاره دارد.<sup>۳</sup> ابن ابی الحدید در شرح این خطبه امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام گفته است:

امامیه گمان می‌کنند که این آیه وعده‌ای است از جانب خدا در باره امام غایبی که در آخر زمان به زمین حکم می‌راند و اصحاب ما [= اهل تسنن] می‌گویند این وعده‌ای است به امامی که بر زمین حکم می‌کند و بر کشورها مستولی می‌شود و لزومی نخواهد داشت که آن امام در حال حاضر موجود باشد؛ گرچه غایب باشد تا زمانی که ظهور کند، بلکه در صحیح بودن این کلام همین کفایت می‌کند که در آخر وقت متولد شود.<sup>۴</sup>

در پاسخ به این کلام ابن ابی الحدید که گفته است: «لزومی نخواهد داشت که آن امام (حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ السَّمَوَاتُ) در حال حاضر زنده باشد گرچه غایب باشد تا زمانی که ظهور کند، بلکه در صحیح بودن این کلام همین کفایت می‌کند که در آخر وقت متولد شود؛» باید گفت، نبوت و امامت فیضی معنوی از جانب خداوند است که بر اساس «قاعده لطف» باید همیشه وجود داشته

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۰۰.

۲. قصص: ۵ و ۶.

۳. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۹.

باشد. «قاعده لطف» اقتضا می‌کند که در میان جامعه اسلامی امامی باشد که محور حق بوده و جامعه را از خطای مطلق باز دارد. این جمله امام صادق علیه السلام: «همانا خداوند عزوجل جلیل‌تر و عظیم‌تر از آن است که زمین را بدون امام رها کند»<sup>۱</sup> ممکن است به همین برهان اشاره باشد. از امیر مؤمنان علیه السلام سخنی دیگر در باره مصداق مستضعفان در آیه نقل شده است: «این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند. خداوند مهدی آن‌ها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود، برمی‌انگیزد و به آن‌ها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.»<sup>۲</sup>

مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل همین آیه، حدیثی را از امام زین العابدین، علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده است:

سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد که نیکان از ما اهل البیت و پیروان آن‌ها به منزله موسی و پیروان او هستند، و دشمنان ما و پیروان آن‌ها به منزله فرعون و پیروان او می‌باشند [= سرانجام ما پیروز می‌شویم] و آن‌ها نابود می‌شوند و حکومت حق و عدالت از آن‌ها خواهد بود.<sup>۳</sup>

بنا بر این، در اصل ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بین ما و اهل تسنن اختلافی نیست؛ اما عقیده شیعه آن است که باید حجت حق به طور حی و زنده در روی زمین باشد تا واسطهٔ برکات و فیض الاهی برای همه عالم باشد؛ همان‌گونه که در زیارت سید الشهداء به قول امام صادق علیه السلام به این نکته توجه داریم: «...إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدِرُ مِنْ بَيْتِكُمْ...»<sup>۴</sup> ارادهٔ خداوندی در جریان مقادیر امور به سوی شما فرود می‌آید و از منازل شما صادر می‌شود و یگانه واسطهٔ فیض به طور مطلق و فراگیر شما هستید».

شیخ ابوالفتوح رازی در ذیل این آیه (قصص: ۵) گفته است:

۱. صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۸۵.

۲. حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۵ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۷.

اصحاب ما روایت کرده‌اند که این آیت در شأن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آمد که خدای او را و اصحاب او را پس از آن که ضعیف و مستضعف بوده باشند، منت نهد بر ایشان و مراد به زمین، جمله زمین دنیا است و ایشان را امام کند در زمین و این قول اولی‌تر است از آن‌جا که موافق ظاهر است از چند وجه: یکی، ارض به لام تعریف جنس بر عموم حمل کردن اولی‌تر است؛ دگر، لفظ امام در حق او حقیقت باشد و در حق بنی‌اسرائیل مجاز؛ دگر آن که وارث به او لایق‌تر است از این‌جا که او باز پسین‌اُمه است و او وارث همه گذشتگان باشد و به دامن قیامت بود دولت او.<sup>۱</sup>

### محور پنجم: خلافت صالحان

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»<sup>۲</sup>؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند؛ چنان که مردمی را که پیش از آن‌ها بودند، جانشین دیگران کرد. و دینشان را - که خود برایشان پسندیده است - استوار و وحشتشان را به ایمنی بدل کند که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند.

### تحلیل آیه

آیه مذکور (نور: ۵۵)، از جمله آیاتی است که هم از سوی آیت‌الله صافی گلپایگانی و هم از سوی دیگر مفسران همچون طبرسی و علامه طباطبایی برای اصالت مهدویت و امکان تحقق حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به آن استناد شده است.

خداوند در این آیه به گروهی از مسلمانان که دارای دو ویژگی ایمان و عمل صالح هستند، سه وعده تخلف‌ناپذیر داده است که عبارتند از:

۱. رازی، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱۵، ص ۹۴ و ۹۵.

۲. نور: ۵۵.

۱. خلافت و حکومت روی زمین؛

۲. فراهم شدن امکانات نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه دار در همه عالم؛

۳. فراهم شدن امنیت و آرامش با از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی.

نتیجه تحقق این سه وعده الهی آن خواهد شد که در نهایت آزادی، خدا را بندگی و عبادت کنند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند.

در مورد مصداق گروهی که از این وعده الهی برخوردار خواهند شد و خلافت بر زمین را بر عهده خواهند گرفت؛ چند قول از مفسران نقل شده است که گروهی از آنان همچون آیت الله صافی گلپایگانی قائل هستند، مصداق کامل تحقق این وعده در آیه به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد که تمام جهان در زیر پرچم حکومت آن حضرت قرار می گیرد، و آیین حق در همه جا نفوذ می کند و ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می شود و عبادت خالی از شرک برای جهانیان تحقق می یابد.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی در بیان تبیین دلالت آیه مبنی بر اینکه مصداق تحقق وعده الهی در این

آیه بر حکومت صالحان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ فرموده است:

آنچه از همه مطالب بر آمد این شد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند، وعده می دهد که به زودی جامعه ای برایشان تکوین می کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان، و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰، طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۷، صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و

مهدویت، ج ۲، ص ۲۶۹ و مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۰.

چون اخبار متواتری که از رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد.<sup>۱</sup>

اما در دلالت روایات تفسیری آیه، در مجمع البیان آمده است که بر اساس روایتی از اهل بیت، این آیه درباره مهدی آل محمد ﷺ می‌باشد.<sup>۲</sup>  
از امام سجاد علیهما السلام نیز در تفسیر این آیه آمده است:

آن‌ها به خدا سوگند شیعیان ما هستند. خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که مهدی این امت است. زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد، و هم او است که پیامبر ﷺ در حق وی فرموده: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند...<sup>۳</sup>

۲. ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۴</sup>؛ و هر آینه ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین می‌گردند.

### تحلیل آیه

این آیه نیز از آیاتی است که آیت‌الله صافی گلپایگانی برای اثبات اصالت مهدویت و تحقق خلافت حتمی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه بر زمین، به آن استناد و بیان کرده است که این آیه از بشارت حتمی الهی خبر می‌دهد که شایستگان و صالحان، وارث زمین و صاحب آن می‌شوند و چون در آیات قبل از این آیه، از زمین خاصی سخنی به میان نیامده است؛ "الف و لام" الارض"، الف و لام عهد نخواهد بود، و ظاهر این است که مراد تمام زمین است. بنابراین، آیه از روزگاری خبر می‌دهد که زمین و اداره آن در همه قاره‌ها و همه مناطق و معادن آن، در اختیار بندگان شایسته خدا درمی‌آید؛ چنان‌که در آیات دیگر (نور: ۵۵ و قصص: ۵) همین وعده را فرموده

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۷.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰.

۳. کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۴۴۴.

۴. انبیاء: ۱۰۵.

است.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: «این‌ها اصحاب مهدی در آخر زمان هستند.» مرحوم طبرسی پس از نقل این حدیث گفته است:

مؤید آن روایتی است که خاص و عام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یبعث رجلاً صالحاً من اهل بیته میلاً الارض قسطاً و عدلاً كما قد ملئت ظلماً و جوراً»؛ اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی صالح از اهل بیت من را مبعوث گرداند و زمین را چنان که پر از ظلم و جور شده است، از عدل و داد پر کند.<sup>۲</sup>

آلوسی بغدادی پس از نقل اقوال مختلف در این آیه، گفته است که اگر بگوییم آیه به عصر مهدی و نزول عیسی مربوط است، به اقوال دیگر نیاز نخواهد بود.<sup>۳</sup> ایشان گرچه در نهایت این قول را نپذیرفته است؛ در ادامه این نکته را نیز افزوده که ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است: «خداوند برای من زمین را جمع کرد. پس من مشرق‌ها و مغرب‌های آن را مشاهده کردم و زود باشد که اتمم به آن برسد.»<sup>۴</sup>

با بررسی چهل آیه بشارت از مزامیر داوود علیه السلام، مشخص شده است که این بشارات کاملاً با آیه کریمه ﴿و لقد کتبنا فی الزبور...﴾ منطبق است؛ چنان‌که ظاهر این است که مراد از «صدیق» که در بشارت آیه ۳۱ زبور آمده است؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.<sup>۵</sup>

۱. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۴۶ و ۲۵۰.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶ و ۶۷.

۳. آلوسی، روح البیان، ج ۱۷، ص ۹۵.

۴. همان.

۵. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۴۳ و ۲۵۴.

## محور ششم: گسترش دین اسلام در تمام عالم و غلبه بر تمام ادیان

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۱</sup>؛ اوست خدایی که رسولش را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا آن [دین] را بر همه ادیان عالم برتری دهد؛ هر چند کافران و مشرکان ناراضی باشند.

### تحلیل آیه

این آیه از جهانی شدن اسلام و عالمگیر شدن آن خبر می‌دهد. مفهوم آیه، پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است و معنای این سخن آن است که سرانجام، اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد گشت. شکی نیست که در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته است؛ ولی می‌دانیم که این وعده حتمی خداوند تدریجاً در حال تحقق است و طبق روایات مختلفی که به ما رسیده است، تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند. و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده است:

وعده‌ای که در این آیه آمده است، هنگام ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم صورت می‌پذیرد. در آن روز هیچ کس در روی زمین باقی نخواهد بود، مگر این که به حقانیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اقرار می‌کند.<sup>۳</sup> نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایت شده است: «بر صفحه زمین هیچ خانه‌ای باقی نماند، نه خانه‌هایی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه‌هایی که از کرک و مو بافته شده باشند، مگر این که خداوند نام اسلام را در آن وارد می‌کند»<sup>۴</sup> و نیز از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه چنین نقل شده است: «به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند و هنگامی که او قیام کند، در هیچ

۱. توبه: ۳۳.

۲. مولوی نیا، سیمای مهدویت، ص ۱۴ و ۲۵.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.

۴. همان.

جای جهان، کسی که خدا را انکار کند، باقی نخواهد ماند».<sup>۱</sup>

بنا بر این، با توجه به دلایل یاد شده در تفسیر آیه، نمی‌توان قول کسانی را پذیرفت که معتقدند مراد از غلبه در آیه غلبه اسلام بر دیگر ادیان با منطق و استدلال می‌باشد، نه پیروزی حتمی و نهایی اسلام در زمان حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَةُ السَّمَوَاتِ.

۲. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا»؛<sup>۲</sup> او خدایی است که رسول خود را همراه با هدایت و دین حق فرستاد تا [دین] او را بر همه ادیان غالب گرداند و بر حقیقت این سخن، گواهی خدا کافی است.

بنا بر قول طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان، زمان تحقق این وعده الهی در آیه، هنگام ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَةُ السَّمَوَاتِ می‌باشد که دین اسلام سراسر عالم را در بر می‌گیرد؛ به طوری که غیر از دین اسلام دین دیگری باقی نخواهد ماند.<sup>۳</sup>

۳. «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛<sup>۴</sup> کافران می‌خواهند نور خدا را [با گفتار باطل و طعن و مسخره] خاموش کند؛ اما خدا نور خود را تمام و [کامل] خواهد کرد؛ هر چند کافران خوش ندارند.

محمد بن فضیل در تفسیر این آیه می‌گوید:

از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد این آیه سؤال کردم. امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را با دهان خود خاموش کنند.» عرض کردم: و خداوند تمام‌کننده نور خود است، [به چه معناست؟] امام در توضیح آن فرمود: «خداوند تمام‌کننده امامت است. به دلیل فرموده خود: «آنان که به خداوند و رسول او و نوری که نازل ساختیم ایمان آوردند. پس نور همان امام است.» عرضه داشتیم:

۱. حویزی، نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲. فتح: ۲۸.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۹.

۴. صف: ۸.



اوست خدایی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد: [به چه معناست؟] امام فرمود: «یعنی اوست خدایی که رسول خویش را به ولایت وصی خود امر فرمود: و ولایت همان دین حق است.» گفتیم: تا بر همه دین غالب گرداند. [به چه معناست؟] امام در توضیح آن فرمود: «یعنی آن را بر تمامی ادیان هنگام قیام حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام غالب سازد و این که خداوند فرمود: و خداوند تمام‌کننده نور خداست؛ یعنی ولایت قائم عَلَيْهِ السَّلَام را به مرحله تمام و کمال می‌رساند و این که می‌گوید: و هر چند کافران را خوش نیاید؛ یعنی هر چند کافران به ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَام اکراه دارند.»<sup>۱</sup>

سه آیه یاد شده (توبه: ۳۳ و ۳۲؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸) از آیاتی‌اند که آیت‌الله صافی گلپایگانی برای اثبات اصالت مهدویت در باره اجرایی‌شدن تمام احکام اسلام در زمان ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به آن‌ها استناد کرده و فرموده است:

این آیات بشارت دهنده هستند که اسلام بر سایر ادیان از جهت مایه و دستور و اصول و فروع و احکام و نظامات، به حکم «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛ کامل است. از جهت اجرا و عمل و گسترش یافتن در تمام جهان نیز کامل خواهد گشت و خدا آن را اتمام خواهد فرمود.<sup>۲</sup> این آیات و آیات متعدد دیگر علاوه بر آن که بر استقرار دین خدا در سراسر زمین و آینده درخشان عالم دلالت دارند، بر حسب معتبرترین مدارک و تفاسیر و احادیث، به تحول بی‌سابقه و بی‌نظیر و انقلابی که به رهبری و قیام حضرت مهدی اهل بیت و امام منتظر و موعود انجام خواهد گرفت؛ تفسیر شده است. بنابراین، اصالت قرآنی عقیده به مهدویت نیز با توجه به این آیات و دقت در مضامین آن‌ها و کتاب‌های تفسیر و احادیثی که در تفسیر این آیات وارد شده، ثابت و غیرقابل انکار است.<sup>۳</sup>

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۲.

۲. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۶۹.

۳. همان، ص ۲۷۰.

## محور هفتم: آمدن حق و نابودی باطل

﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾؛<sup>۱</sup> بگو حق آمد و باطل نابود شد، که همانا باطل نابود شدنی است.

### تحلیل آیه

باید حق بیاید و جهان را سراسر بگیرد و باطل از بین برود و معنای آیه ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ در همه جا و همه رشته‌ها آشکار شود.

از آیات مورد استناد برای اثبات اصالت مهدویت در باره نابودی کامل باطل در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح که آیت‌الله صافی گلپایگانی از آن بهره بردند؛ آیه ۸۱ سوره اسراء می‌باشد، ایشان در تبیین این آیه فرمودند:

در قرآن مجید، در آیات متعدد به این قانون خلل‌ناپذیر تصریح شده است و آخرین سخنی که در این جا متذکر می‌شویم، این است که جهان و جوامع بشری در تحولات مختلف، مراحل را پشت سر می‌گذارد و از تخلیص‌ها و تصفیه‌های گوناگون عبور می‌کند تا به تصفیه نهایی که به وسیله مهدی آل محمد علیهم‌السلام انجام می‌شود، برسد. در این تصفیه‌ها و تخلیص‌ها به تدریج آنچه باید ساقط شود، شناخته می‌شود و نظام‌هایی که باید منحل گردد و روش‌هایی که باید ترک شود، همه شناسایی می‌شوند. آنچه مضر است، همه مانند کف‌ها و علف‌های خشک و هرزه‌ای که روی آب‌های سیل آسا که در اثر باریدن باران جاری می‌شود، ظاهر می‌گردند؛ از میان می‌روند و سودبخش نمی‌شود. جوامع بشری همه برای پذیرفتن یک تصفیه دامننه دار آماده می‌گردند و همین که منادی عدل و مبشر، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح را شروع آن تحول بزرگ اعلام می‌کند، جز معاندین و آنان که در این تحوّل باید تصفیه شوند، همه خود را برای انجام آن آماده

۱. اسراء: ۸۱.

می سازند و از آن استقبال می نمایند.<sup>۱</sup>

از امام باقر ع در تفسیر آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ» چنین روایت شده است: «وقتی که قائم ع قیام کند، دولت باطل را از میان می برد»<sup>۲</sup>

مرحوم مجلسی دعایی را در بحارالانوار از قول امام مهدی ع نقل کرده است که آن حضرت در آخر این دعا به مفاد آیه اشاره دارد؛ آن جا که به پیشگاه خداوند عرضه می دارد: «خداوندا! ... حق را یاری و باطل را نابود گردان!»<sup>۳</sup> «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»<sup>۴</sup>.

با توجه به تفسیر امام باقر ع از آیه و تبیین آیت الله صافی گلپایگانی، این اصل در مورد مهدویت به اثبات می رسد که تنها زمان نابودی کامل باطل، زمان ظهور حضرت مهدی ع می باشد.

### محور هشتم: قدرت یافتن حضرت مهدی ع و یارانش

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>۴</sup>؛ [یاران خدا] کسانی هستند که هر گاه در زمین به آن ها قدرت بخشیدیم، نماز بر پا می دارند و زکات ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خدا است.

### تحلیل آیه

این آیه (حج: ۴۱) از آیاتی است که آیت الله صافی گلپایگانی برای اثبات اصالت مهدویت در باره قدرت یافتن حضرت مهدی ع و یارانش در آخر الزمان به آن استناد کرده و در توضیحش فرموده است:

۱. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.
۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷.
۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۳۷۸.
۴. حج: ۴۱.

حاکم حسکانی که از علمای بزرگ اهل سنت است، در کتاب شواهد التنزیل در رابطه با فضایل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر این آیه سه حدیث روایت کرده است. در یکی از این سه حدیث که حدیث ۵۵۵ کتاب می باشد، از «فرات»، مفسر معروف مسنداً از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که ابی عبیده حدّاء پرسش کرد: چگونه صاحب الامر را بشناسیم؟ حضرت در پاسخ این آیه شریفه را قرائت فرمود، و فرمود: «إِذَا رَأَيْتَ هَذَا الرَّجُلَ مِنَّا فَاتَّبِعْهُ فَإِنَّهُ هُوَ صَاحِبُهُ؛ وقتی مردی از ما را دیدی که برنامه‌ای را که این آیه اعلام می کند، اجرا می نماید، او را پیروی کن که همان صاحب الامر است» و در حدیث ۵۵۶ از همان فرات مسنداً از جانب زید بن علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که گفت: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ مُحَمَّدٌ الَّذِي وَعَدَكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ...»؛ وقتی قائم آل محمد وَرَجُلُهُ الشَّرِيفُ قیام می نماید می فرماید: ای مردم! ماییم آنان که خدا شما را در کتابش وعده داده است: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>۱</sup>.

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ...»<sup>۲</sup> آمده است: این آیه تا آخر آن به آل محمد و مهدی و یاران او مربوط است. خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره حکومت آن‌ها قرار می دهد؛ آیینش را آشکار و به وسیله مهدی وَرَجُلُهُ الشَّرِيفُ و یارانش، بدعت و باطل را نابود می کند؛ آن چنان که تبهکاران، حق را نابود کرده بودند، و آن چنان می شود که بر صفحه زمین، اثری از ظلم دیده نمی شود؛ [چرا که] آن‌ها امر به معروف و نهی از منکر می کنند.<sup>۳</sup>

با توجه به روایات مذکور، این امر به اثبات می رسد که بر اساس آیه پیش گفته، حضرت مهدی وَرَجُلُهُ الشَّرِيفُ و یارانش در آخر الزمان از قدرت لازم برای اجرای تمام احکام اسلام برخوردار خواهند شد.

۱. صافی گلپایگانی، وابستگی جهان به امام زمان، ص ۵۶.

۲. حج: ۴۱.

۳. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.

## نتیجه گیری

با توجه به تحلیل های ارائه شده از دیدگاه های آیت الله صافی گلپایگانی در باره آیات مورد استناد، این نتیجه ملاحظه می شود که اصالت مهدویت را می توان در جهات و محورهای ذیل به اثبات رساند:

۱. تحقق پیروزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش به عنوان لشکر و حزب الاهی بر تمام عالم بر اساس وعده تخلف ناپذیر خداوند در قرآن: ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾؛

۲. تحقق وعده حتمی خداوند بر نصرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش به عنوان مصداق کامل و حقیقی نصرت پیامبران و مؤمنان، بر اساس آیه ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمُنصُورُونَ﴾؛

۳. پایداری حق و زوال پذیری کفر در تمام عالم در زمان ظهور حجت خدا، بر اساس آیه ﴿وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾؛

۴. تحقق وعده حتمی خداوند در پیشوایی و امامت مستضعفان بر جهان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس آیه ﴿وَيُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ\* وَتَمَكَّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمَ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾؛

۵. گسترش دین اسلام در تمام عالم و غلبه بر تمام ادیان در زمان ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛

۶. تحقق وعده حتمی خداوند در خلافت حتمی صالحان در تمام عالم در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛

۷. ظهور کامل حق و نابودی باطل در زمان ظهور بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس وعده تخلف ناپذیر خداوند در آیه ﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾.

۸. قدرت یافتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش پس از ظهور در تمام عالم؛ بر اساس آیه ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی سید محمود، *روح المعانی*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۲. ابن ابی الحدید عبد الحمید، *شرح نهج البلاغه*، نیستان، تهران، ۱۳۹۳ق.
۳. ابن بابویه محمد بن علی (شیخ صدوق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، بی تا.
۴. ابن منظور محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵. پور داوود ابراهیم، (گردآوری کننده) ا، *اوستا*، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۵.
۶. حسینی زبیدی محمد مرتضی، *تاج العروس*، محقق: علی شیری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۷. حویزی عبد علی، *تفسیر نورالثقلین*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۸. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی*، انتشارات جمکران، قم، ۱۳۹۲ق.
۹. دهخدا علی اکبر، *لغت نامه*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. رازی ابوالفتوح، *روض الجنان و روح الجنان*، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ق.
۱۱. سلیمانی اردستانی عبدالرحیم، *ترجمه کتاب مقدس*، آیت عشق، تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، صبحی صالح، دارالاسوه، تهران، ۱۴۱۵ق.
۱۳. \_\_\_\_\_، مترجم: علی نقی فیض الاسلام، سازمان چاپ و انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۶۸.
۱۴. \_\_\_\_\_، *اصالت مهدویت*، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت العظمی صافی گلپایگانی. قم، ۱۳۹۳.
۱۵. \_\_\_\_\_، *منتخب الاثر فی الإمام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف*، مکتب المؤلف، قم، ۱۴۲۲ق.
۱۶. \_\_\_\_\_، *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت العظمی صافی گلپایگانی. قم، ۱۳۹۱.

۱۷. \_\_\_\_\_، **وابستگی جهان به امام زمان**، مؤسسه الامام المهدي، قم، ۱۳۶۲.
۱۸. \_\_\_\_\_، **گفتمان مهدویت**، مؤسسه تنظیم نسر آثار آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۷۸.
۱۹. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات**، المكتبة الحیدریه، قم، ۱۳۸۱.
۲۰. طباطبایی محمد حسین، **تفسیر المیزان**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۷ق،
۲۱. طبرسی حسن بن فضل، **مجمع البیان**، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۲۲. طوسی محمد بن حسن، **الغیبه**، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۲۵ق.
۲۳. عرفان امیر محسن، **نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی**، نشر معارف، قم، ۱۳۹۳.
۲۴. عیاشی محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، اعلمی. بیروت، ۱۴۱۱ق.
۲۵. فخرالدین بن محمد الطریحی، **مجمع البحرین**، محقق: احمد حسینی اشکوری، مرتضوی. تهران، ۱۳۷۵.
۲۶. فیض کاشانی ملامحسن، **تفسیر الصافی**، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۲ق.
۲۷. کلینی محمد بن یعقوب کلینی، **الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۲۸. مجلسی محمد باقر، **بحار الانوار**، مؤسسه الوفا. بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲۹. معین محمد، **فرهنگ فارسی**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.
۳۱. مهدی پور، اسماعیلی و دیگران، **گفتمان مهدویت شباب الجنه**، قم، ۱۳۸۶.
۳۲. مولوی نیا، محمد جواد، **سیمای مهدویت**، بی نا، قم، ۱۳۸۹.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **کتاب الغیبه**، محقق: علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۳۴. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید)، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، مترجم و شارح: سیدهاشم رسولی محلاتی، **المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید**، قم، ۱۴۱۳ق.

## تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت خود، خدا و امام از دیدگاه آیت‌الله صافی

طاهره حاجی رحیمی<sup>۱</sup>

محمدعلی محیطی اردکان<sup>۲</sup>

### چکیده

باورداشت مهدویت و انتظار، عقیده‌ای اسلامی با پشتوانه محکم برهان‌های عقلی و دلایل نقلی است. با توجه به اهمیت این موضوع و تأثیر آن بر بینش انسان، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، چگونگی تأثیر این اعتقاد بر معرفت‌الذات، معرفت‌الذات و معرفت‌الذات را مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله صافی بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعتقاد به مهدویت و انتظار موجب شناخت انسان به خداوند و با نگاهی عام‌تر، معرفت به دین می‌شود. این اعتقاد در حوزه امام‌شناسی نیز به نوبه خود، باعث افزایش معرفت و بالتبع موجب محبت بیشتر به امام می‌شود. با شناخت امام، معرفت نسبت به هدف غایی، معرفت به حکومت حق و اصیل و پذیرش ولایت فقیه حاصل می‌شود. این اعتقاد باعث افزایش معرفت به خویشتن و وظایف فردی و اجتماعی خود در حوزه مهدویت و انتظار خواهد شد. بنابراین، بین خداشناسی، امام‌شناسی و خودشناسی روابطی متقابل وجود دارد و هر کدام به گونه‌ای بر دیگری تأثیرگذار است.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، انتظار، وظیفه، خداشناسی، انسان‌شناسی، خودشناسی، آیت‌الله صافی.



## مقدمه

عقیده به مهدویت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم به عنوان منجی عالم، باوری اسلامی و اعتقادی عمومی و اجتماعی است و به شیعه اختصاص ندارد، بلکه همگی مسلمانان، بر آن اتفاق نظر دارند؛ اگرچه شیعه، شخص او را از نظر حسب و نسب معرفی می‌کند.

این اعتقاد، به عنوان اندیشه‌ای اسلامی، بر قوی‌ترین دلایل نقلی و عقلی استوار است. آیاتی از قرآن مجید و بسیاری از احادیث، چنان این اعتقاد را محکم و استوار کرده است که انکار آن، مانند انکار اصل رسالت و نبوت، در بعضی از روایات، کفر شمرده شده است. برحسب اصول مذهب شیعه دوازده امامی، ایمان بدون آن کامل نمی‌شود و قبولی اعمال به پذیرش آن مشروط است.<sup>۱</sup>

شواهد تاریخی بهترین مؤید برای صحت این موضوع است تا جایی که هیچ یک از مسلمانان شیعه و سنی آن را انکار و حتی در آن شک نکرده است. در این بین، برخی افراد که تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفتند، در موضوع مهدویت اشکالات و شبههاتی را طرح کردند؛ زیرا این افراد در زمینه مقاصد مادی گرایان به تعریف و تأویل روایات قطعی دست می‌زنند و طبق اهداف آن‌ها تفسیر و تحلیل می‌کنند.<sup>۲</sup>

عقاید، در تعیین سیر انسان و مشخص کردن هدف و مقصود او، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. پس هر چه اعتقادات دقیق‌تر و با واقعیات موافق‌تر و از خرافات منزّه‌تر باشد؛ هدف و مقصد شخص، انسانی‌تر و اعمال و حرکاتش پاک‌تر خواهد بود. همان‌گونه که بین شناخت، گرایش و رفتار انسان رابطه طولی و سیر خطی وجود دارد؛ دسته‌ای از اعتقادات انسان نیز بر برخی شناخت‌های او مؤثرند. باورداشت مهدویت و انتظار از این مقوله مستثنا نیست و تأثیرات معرفتی مختلفی دارد. معرفت انسان به خداوند، امام و خویشتن از شناخت‌های انسان است که تحت تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار قرار می‌گیرد. آیت‌الله صافی رحمته الله علیه، از جمله اندیشمندانی

۱. صافی گلپایگانی، عقیده نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم، ص ۶.

۲. همان، باورداشت مهدویت، ص ۷.

است که در دوران معاصر در آثار مهدوی خویش، به اوصاف، ویژگی‌ها و تأثیرات اعتقاد به مهدویت در حوزه فردی و اجتماعی اشاره و آن‌ها را تبیین کرده است. در این نوشتار به تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر بینش و معرفت انسان به خداوند، به امام و به خویشتن از منظر آیت‌الله صافی رحمته‌الله خواهیم پرداخت. انسان‌شناسی و خداشناسی از جمله مبانی فلسفی مهدویت به شمار می‌روند و معرفت درست و کامل فرد به انسان و خداوند، مقدمه‌ای برای اعتقاد به مهدویت است؛ در عین حال همان‌گونه که توضیح داده خواهد شد انسان‌شناسی و خداشناسی با اعتقاد به مهدویت رابطه متقابل دارند و هریک بر دیگر تأثیرگذار است.

گفتنی است در حوزه کارکردها و تأثیرهای «مهدویت و انتظار»، مقالاتی نوشته شده‌اند؛ از قبیل «کارکرد رفتاری و کنشی فرهنگ انتظار در تعمیق راهبرد مقاومت» (محمود ملکی راد، جامعه مهدوی، ۱۴۰۰)؛ «کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی» (همان، مشرق موعود، ۱۳۹۷)؛ «نقش مهدویت در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت» (همان، حکومت اسلامی، ۱۳۹۷)؛ «کارکردهای مهدویت در اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در دوران غیبت» (محمدصابر جعفری، پژوهش‌های مهدوی، ۱۳۹۷)؛ «مهدویت و معنویت؛ جستاری در کارکردهای معنابخشی انتظار در جهان معاصر» (حبیب‌الله بابایی، همایش دکترین مهدویت، ۱۳۸۵)؛ «کارکردهای فردی و اجتماعی مهدویت» (سیده فاطمه موسوی، موعود پژوهی، ۱۳۹۸) و «کارکرد آموزه انتظار در کنترل اجتماعی» (محمدصادق ربّانی، انتظار موعود، ۱۳۸۷). با وجود تدوین این مقالات، در عین حال مقالات مذکور یا به تأثیرات اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت انسان به خداوند به امام و به خویشتن نپرداخته و یا تنها اشاره‌ای گذرا به این حوزه معرفتی داشته‌اند. بحث را با مفهوم‌شناسی آغاز می‌کنیم.

## ۱. مفهوم‌شناسی

شناخت درست و تفسیر دقیق و واقعی اصطلاحات اسلامی برای هر فردی که بخواهد با روح آموزه‌های اسلام و حقیقت این مکتب آشنا شود، لازم است؛ زیرا درک جوانب ایجابی و سلبی این تعالیم و ارتباط آن با شناخت، گرایش و عمل درست به حوزه تصویری دقیق منوط است. در ادامه

به معنا و مفهوم واژگان اصلی تحقیق می‌پردازیم:

## الف) مهدویت

«مهدویت» به لحاظ لغوی به معنای هدایت شده به سوی خدا<sup>۱</sup>، مصدر جعلی یا ساختگی از مهدوی است. مهدوی، از اضافه یای نسبت به مهدی - که می‌تواند اسم فاعل یا مفعول باشد - ساخته شده است. معنای اصطلاحی مهدویت، باور به منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه‌ای واحد با حکومت حق و رهبری ابرمردی الاهی، یعنی همان موعود ادیان و دوازدهمین وصی پیغمبر آخرالزمان است.<sup>۲</sup>

## ب) انتظار

«انتظار»، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، و شوق و علاقه به ظهور و حکومت و زیست و همراهی با اهل بیت علیهم السلام، عدم رضایت از وضع موجود و توجه به نقص و فساد و تباهی آن سرچشمه می‌گیرد.<sup>۳</sup>

## ۲. تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت انسان نسبت به خدا

معرفت به خداوند و شناخت دین را می‌توان از جمله تأثیرات معرفتی مهدویت و انتظار بر حوزه‌خداشناسی دانست که این رویکرد از آثار آیت‌الله صافی، قابل استنباط است.

### ۱-۲. معرفت به خداوند

معرفت به خداوند با معرفت به حجت خداوند و ثبات و افزایش آن ارتباط دارد و بدون شناخت امام، معرفت به خداوند میسر نمی‌شود؛<sup>۴</sup> همان‌گونه که در بعضی از روایات، معرفت صحیح و کامل خداوند، در گرو معرفت امام دانسته شده است: از حضرت سیدالشهدا سؤال شد:

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۷۵ و حسینی زبیدی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۳۲.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۶۴۸.

۳. همان، انتظار عامل مقاومت، ص ۷.

۴. همان، معرفت حجت خدا، ص ۱۰۴.

فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ حضرت فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَحِبُّ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُ»<sup>۱</sup>.

شیخ صدوق در شرح و تفسیر این عبارت می‌فرماید:

«اهل هر زمانی بدانند که خدا آن کسی است که آن‌ها را در هر زمان بدون امام معصوم نخواهد گذارد، پس کسی که خدایی را پرستش کند که بر خلق به وسیلهٔ نصب امام معصوم اقامه حجت نکند، پس غیر خدای عزوجل را عبادت و پرستش کرده است.»<sup>۲</sup> علامه مجلسی نیز می‌فرماید: «شاید تفسیر «معرفت خدا» به «معرفت امام» برای بیان این نکته باشد که معرفت خدا حاصل نمی‌شود، مگر از جهت امام، و یا برای بیان این نکته باشد که انتفاع از معرفت خدا مشروط است به معرفت امام.»<sup>۳</sup>

یعنی اول باید خدا را شناخت تا بتوان او را عبادت کرد و هدف از خلقت محقق شود و در واقع معرفت امام، همان معرفت خدا و مقدمه عبادت است؛ عبادتی که هدف از خلقت انسان است. پس می‌توان نتیجه گرفت که معرفت و شناخت امام، یکی از اهداف خلقت انسان و از مقدمات آن به حساب می‌آید.

فرد منتظر و مهدی باور، به طور قطع به ولایت و حکومت امام معتقد است و در انتظار روزی است که این حکومت و ولایت محقق شود. از سوی دیگر، این ولایت و حکومت از طرف خداوند است؛ زیرا مهدویت تجلی توحید است؛ چنان‌که این نکته از آیهٔ «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»<sup>۴</sup> و نیز آیهٔ «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»<sup>۵</sup> استنباط می‌شود. پس فردی که امام را حاکم و ولی خود و جامعه بدانند، قطعاً خداوند را دارای ولایت حقیقی دانسته است و اطاعت از خداوند را

۱. راوی پرسید: معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمود: «معرفت اهل هر زمان، معرفت امام ایشان است که اطاعت او بر ایشان واجب است» (ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۹).

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۹.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۳.

۴. بقره: ۱۲۴.

۵. ص: ۲۶.

واجب می‌شمارد.<sup>۱</sup> از آن‌جا که اطاعت و عبادت خدا و چگونگی آن بدون دریافت برنامه و دستورالعمل آن از امام و اطاعت از او حاصل نمی‌شود؛ این مرتبه از معرفت کامل که در کمال هم مراتب دارد، بدون معرفت امام محقق نخواهد شد.

فرد منتظر، کسب رضای امام را مقدمه کسب رضای خداوند می‌داند؛ زیرا این فرد، عاشق امام است و در صدد اجرای کاری است که مورد رضایت معشوق باشد که همان اطاعت از خداوند است و اطاعت از خداوند برخاسته از معرفت به خداوند است؛ زیرا رفتارها نشأت گرفته از بینش‌ها هستند و تا شناخت به خداوند وجود نداشته باشد، اطاعت از خداوند حاصل نخواهد شد. بنابراین، هرچه با تمسک به گفتار و رفتار اهل بیت علیهم‌السلام در مسیر معرفت و عبودیت خداوند متعالی پیش برویم، به اهداف حضرت نزدیک‌تر شده و قلب مطهر او را شادتر کرده‌ایم؛ چرا که حضرت، بالاترین عاشق خدا است که بیش‌تر از هر چیز رضایت خدا را می‌خواهد و رضایت خدا نیز در این است که بندگانش هرچه بیش‌تر با او آشنا تر و به او نزدیک‌تر شوند.<sup>۲</sup>

از منظر آیت‌الله صافی، اهل بیت علیهم‌السلام جمال و جلال بی‌نهایت الهی را در حد درک و شناخت ما مجسم کرده‌اند و مظهر تمام اسما و اوصاف الهی، بهترین جایگاه معرفت خدا و کارگزار و عامل خداوند هستند؛ مجرایی که خداجویان از کوتاه‌ترین راه و در کوتاه‌ترین زمان به خداوند برسند: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ»<sup>۳</sup>؛ زیرا ائمه علیهم‌السلام انسان‌های کامل هستند و انسان کامل، کامل‌ترین مظهر خدا است. از سوی دیگر، شناخت خدا فقط از راه شناخت مظاهر و تجلیات ممکن است؛ در نتیجه کامل‌ترین راه شناخت خدا، شناخت کامل‌ترین مظهر خدا، یعنی شناخت ائمه علیهم‌السلام است. با شناخت ائمه علیهم‌السلام شناخت احکام و دستورهای خداوند ممکن خواهد بود؛ زیرا در روایات، ولایت بالاتر از احکام بیان شده، بلکه کلید آن‌ها توصیف شده است.

۱. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ص ۹۶-۹۷.

۲. مصباح یزدی، آفتاب ولایت، ص ۲۵.

۳. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۸ و ر.ک: صافی گلپایگانی، تجلی توحید در نظام امامت، ص ۵۶: «هر که خداشناسی و خداپرستی را اراده کند، از شما آغاز می‌کند».

## ۲-۲. معرفت دین

با معرفت به خداوند، معرفت به دین نیز حاصل می‌شود؛ زیرا خداوندی که انسان را برای عبادت و رسیدن به قرب خودش خلق کرده است، قطعاً راه وصول به هدف را نیز در اختیار انسان قرار می‌دهد؛ در غیر این صورت، نقض غرض حاصل می‌شود که بر خداوند محال است. پس انسانی که تقرب به خداوند را هدف نهایی خود می‌داند، یقیناً به دینی تمسک می‌کند که در جهت رسیدن به هدف نهایی خود باشد و لذا به دنبال شناخت بیش‌تر دین حق و اصیل و شناخت امام و حجت‌الاهی می‌رود.

مهدی باوری، نشأت گرفته از دین باوری است. منظور از دین موجب مهدی باوری، اصول دین است. فردی که امامت را از اصول دین بداند، به طور قطع به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان می‌آورد. مهدی باوری نیز بر اصل دین‌مداری مؤثر است، هم بر آموزه‌های دینی و هم بر اصل دین‌مداری؛ زیرا باور و اعتقاد به مهدویت و انتظار با معرفت به خداوند رابطه دو سویه دارد؛ از طرفی نیز معرفت و اعتقاد به نبوت برخاسته از معرفت خداوند است. بنابراین، مهدی باوری بر شناخت و معرفت و اعتقاد به توحید و نبوت مؤثر است. از آن جا که ائمه ع مظهر صفات الاهی و جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند؛ شناخت امام، معرفت نسبت به خداوند و صفات او و معرفت به نبوت و امامت خاصه را به دنبال دارد؛ زیرا امامت عامه در امتداد امامت خاصه است. افزون بر این، بر معرفت آموزه‌های دینی نیز مؤثر است؛ زیرا شرح و بیان ابعاد مختلف دین، آن هم دینی مثل دین اسلام و تفسیر مجمل و مفصل و محکم و متشابه و خاص و عام و ناسخ و منسوخ کتاب و سنت و دقایق مسائل عقاید و احکام، اموری نیست که هر کسی قابلیت تبیین آن را داشته باشد. پس باید بین امت در هر عصر، شخصی باشد که مرجع در تمام امور باشد و قولش حجت و قاطع هرگونه اختلاف و امان از گمراهی و ضلال تلقی گردد.

آیت‌الله صافی ضمن اشاره به رابطه معرفت امام و معرفت دین، ضلالت از دین را با نشناختن حجت و امام مرتبط دانسته و یکی از فواید بزرگ نصب حجت و امام را منحرف نشدن مؤمنان از راه راست بیان کرده است. با وجود چنین امام و مرجعی الاهی و علامت یقینی، هر کس او را مقتدا قرار دهد و از او تخلف نکند و از وی پیشی نگیرد و از ارشادات و هدایت‌های او تخطی نکند، از

دینش گمراه نخواهد شد و اگر در ایمان به امامت و معرفت حجت لغزشی پیدا کند و ثابت نماند، از دین گمراه می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳. تأثیر اعتقاد به مهدویت و انتظار بر شناخت انسان نسبت به امام

همان‌گونه که معرفت به امام، اعتقاد و باور به مهدویت و انتظار را به دنبال دارد؛ اعتقاد به مهدویت و انتظار موجب معرفت بیش‌تر به امام، شناخت هدف نهایی، معرفت به حکومت حق و اسیل و بالتبع مشروع دانستن «ولی فقیه» را موجب می‌شود.

#### ۱-۳. امام شناسی

بر اساس آموزه‌های اسلامی، معرفت امام، امان از ضلالت و گمراهی و موجب تقرب به خداوند متعال و ترقی و کمال نفس است، و بدون معرفت امام و ولی‌امر هیچ طاعت و عبادتی مقبول نیست. به فرموده آیت‌الله صافی:

با توجه به نقشی که امامت در حفظ نظام، کمال بشر و سیر او به سوی خدا و اجرای احکام خدا دارد، و باتوجه به این‌که اطاعت امر امام شرعاً و عقلاً واجب است؛ در وجوب معرفت امام نیز برحسب حکم عقل جای هیچ‌گونه تردید و شبهه‌ای نیست؛ زیرا مقدمه اطاعت است که واجب است، و بدون وجوب آن، اطاعت و نصب امام بیهوده خواهد شد.<sup>۲</sup>

همچنین برحسب شرع و آنچه از بعضی روایات استفاده می‌شود، اطاعت امام نیز واجب است؛ چنان‌که در این روایات، ورود به بهشت و ورود به آتش دایرمدار شناخت امامان و انکار آن‌هاست: «وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ».<sup>۳</sup>

معرفت به امام درجاتی دارد: درجه اول معرفت به شخص امام است و درجه بعدی معرفت به

۱. صافی گلپایگانی، معرفت حجت خدا، ص ۱۲۵.

۲. همان، پیرامون معرفت امام، ص ۹۱.

۳. شریف الرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۲: «داخل بهشت نمی‌شود کسی مگر این‌که آن‌ها [ائمه علیهم‌السلام] را بشناسد و آن‌ها نیز او را بشناسند و داخل آتش نمی‌شود، مگر کسی که منکر آن‌ها باشد و آن‌ها نیز او را از آن خویش ندانند».

هدف و شخصیت اوست. شناخت شخص امام به معنای دانستن این نکته است که امام موعود، فرزند امام حسن عسکری از نسل امام حسین و سلاله حضرت رسول اکرم است. این شناخت مانع از بسیاری از انحرافات و گمراهی‌هاست؛ زیرا موعود و حجت الاهی در رویکرد شیعی، موعود و حجت شخصی است، نه موعود نوعی.<sup>۱</sup> شناخت شخصیت امام؛ یعنی شناخت منزلت و جایگاه امام در هستی و درک وابستگی هستی به وجود امام و نیز شناخت اهداف و آرمان‌های ایشان. پس معرفت به شخص و شخصیت امام، معرفت به آرمان‌ها و اهداف او موجب می‌شود که فرد در انتظار چنین شخصی و اهداف او باشد.

معرفت به شخص، شخصیت، مقام و هدف امام، موجب دوستی به امام می‌شود؛ زیرا انسان کمال‌گرا است و کمال خود را در دوستی به امام و کسب رضایت امام می‌داند. محبت به امام، باعث معرفت و شناخت بیش‌تر امام می‌شود؛ زیرا محب همیشه در پی شناخت محبوب است تا از طریق شناخت محبوب به خواسته‌های وی جامه عمل بپوشاند. در حقیقت بین معرفت و حب، رابطه دوسویه افزایشی برقرار است؛ یعنی هر چه شناخت به امام بیش‌تر شود، دوستی به امام افزایش می‌یابد و در مقابل حب به امام موجب شناخت بیش‌تر امام می‌شود و این رابطه تا بی‌نهایت ادامه دارد؛ زیرا انسان کمال‌گرای بی‌نهایت است.<sup>۲</sup>

با شناخت صحیح امام و علم به ولایت داشتن وی بر مردم، معرفت به هدف نهایی حاصل و حکومت حق و اصیل از حکومت ظلم و غاصب باز شناخته می‌شود.

### ۲-۳. شناخت هدف نهایی

به طور قطع هر مجموعه، دارای کانونی مرکزی است که وجودشان به آن کانون وابسته است و همان کانون علت غایی آن مجموعه است. عوالم موجود در جهان نیز این چنین هستند. این عوالم به سوی موجودی اکمل در حرکتند و به بیان دیگر، موجود اکمل و اشرف، علت غایی اجزای عالم امکان است. هر عالم مقدمه عالم بعد از خود و نتیجه عالم قبل از خود است تا به

۱. صافی گلپایگانی، ولایت تکوینی و تشریحی، ص ۱۱۷-۱۱۹.

۲. ر.ک: صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام، ص ۹۷ و همان، معرفت حجت خدا، ص ۹۲.



غایة الغایات برسد. به طور کلی هر ناقصی، مقدمه‌ای برای مافوق خود و کاملی بعد از خود است. بنابراین، مافوق، علت غایی مادون است و این حرکت تا جایی ادامه خواهد داشت که موجود ممکن اکمل، وجود یابد تا در ضمن به دست آوردن کمال خود، کمال موجود کامل‌تر فراهم شود. بنابراین، این جهان اولاً و بالذات برای کامل‌ترین موجود آفریده شده است.

در تحلیلی فلسفی می‌توان این‌گونه گفت که خداوند، کامل مطلق است و کمال را دوست دارد. بنابراین، موجوداتی هم که خلق می‌کند، خلقشان طبق کمالات است؛ هر چه مخلوق کامل‌تر باشد، خداوند او را بیش‌تر دوست دارد و اگر لازم است برای وجود موجود اکمل و کامل موجود دیگری خلق شود، این کار را انجام می‌دهد. اگر امام زمان انسان کامل است و خداوند کامل را خلق می‌کند؛ باید همه امکانات لازم برای زندگی انسان کامل را خلق کند و چون موجود کامل، بشر باید باشد، بشر هم باید روی زمین زندگی کند و لذا زمین و دیگر امکانات را خلق می‌کند. پس همه چیز برای او آفریده شده است و همین امر نشان از این است که امام علت غایی آفرینش جهان است. به عبارت دیگر، امام محور خلق است و بقیه مخلوقات طفیلی او هستند. اگر موجود اکمل نباشد، جهان از هدف خود محروم می‌شود و علت غایی نخواهد داشت و حرکت جهان بی‌ثمر و حداقل بدون فایده اکمل خواهد بود. لذا همیشه و تا حرکت در عالم امکان هست، باید برای موجود اکمل و به سوی آن باشد که آن «امام و حجت خدا» خواهد بود که یا در کسوت و منصب نبوت ظهور دارد و یا در کسوت امامت و منصوب وصایت. بدیهی است با حب به ذات و فیاض بودن خداوند، جهان هیچ‌گاه از موجود اکمل خالی نخواهد بود و به وجود غیر اشرف بسنده نخواهد شد.<sup>۱</sup>

امام را علت غایی آفرینش دانستن، باعث تغییر نگرش و شناخت فرد نسبت به هدف غایی خودش می‌شود. چنین شخصی هدف غایی خود را قرب خداوند می‌داند؛ زیرا مطابق نص آیات قرآن، موجودات، اشیا و پدیده‌ها باطل خلق نشده‌اند، بلکه محور آفرینش بر مبنای حق استوار گشته است که در این نظام احسن، حتی کوچک‌ترین اجزای آن اهداف ارزش‌مندی را تعقیب

۱. همان، وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ص ۲۴ و ۲۵.

می‌کنند و هیچ‌یک از آن‌ها معطل و بی‌کار نیست. و همه این خطوط، به یک مقصد منتهی می‌شود و آن پرورش و هدایت و تکامل انسان‌ها است. از این‌جا معلوم می‌شود که هدف نهایی آفرینش انسان، رسیدن به کمال و سعادت و ارزش‌های انسانی است که این همه در پرتو معرفت و عبودیت و بندگی آگاهانه به پیشگاه خداوند ممکن خواهد بود:

عالی‌ترین مرتبه عبادت که کمال اعلاّی موجودات است. عبادتی است که امام آن را انجام می‌دهد و با توجه به این‌که عبادات دیگران نیز باید طبق عبادت امام باشد، بنابراین امام، مقصد اصلی و علت غایی خواهد بود.<sup>۱</sup>

بنابراین، انسان با شناخت هدف نهایی خود، معرفت نسبت به حکومت حق و اسیل به دست می‌آورد؛ زیرا در سایه حکومت حق و اسیل، انسان راحت‌تر و بهتر به هدف نهایی خود نایل می‌شود.

#### الف) معرفت حکومت حق و اسیل

برای توضیح این مطلب ابتدا باید انواع ولایت را بازشناسی کرد. ولایت دو گونه است: «ولایت تشریحی» و «ولایت تکوینی». ولایت تکوینی ولایت و استقلال، اختیار رتق و فتق، تدبیر کاینات، روزی دادن، میراندن، زنده کردن، حفظ آسمان و زمین و اداره شئون وجودی عالم امکان، مخصوص ذات خداوند سبحان است و شریکی برای او نیست و ادّعیای شرکت و اعتقاد به شرکت کسی با خدا، در هر یک از این امور کفر و شرک است و فقط خدا است که بر کاینات سلطنت دارد و غیر از او کسی حاکم مطلق و سلطان نیست و ملائکه و انبیا و اوصیا همه تحت سیطره قدرت و ولایت او قرار دارند.<sup>۲</sup> آیاتی از قرآن کریم نیز بیانگر این حقیقت هستند.<sup>۳</sup> با این حال، عقلاً و شرعاً امکان دارد که خداوند متعال به منظور اظهار برتری شأن و تأیید پیامبران و امامان و یا اتمام حجت بر دیگران به بندگان خاص خود، ولایت و قدرت در تصرف در کائنات یا تدبیر امور را عطا

۱. همان، ص ۸۲.

۲. همان، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۹۱.

۳. فرقان: ۳ و رعد: ۱۵.

کند تا در مواردی بر حسب مصالح یا جهات ثانوی تصرفاتی بکنند. این نوع اعطا از جانب خداوند با ولایت ذاتی خداوند هیچ گونه منافاتی ندارد و به معنای کناره‌گیری خداوند از تدبیر امور نیست؛ بلکه می‌توان با استناد به قاعده لطف، این اعطا را لازم دانست<sup>۱</sup>؛ زیرا بعضی مواقع ممکن است افرادی با مشاهده قدرت پیامبران و امامان بر اداره و تصرف در کائنات و زنده کردن و میراندن، به آن‌ها ایمان بیاورند. این خود، دلیلی بر لزوم اعطای ولایت تکوینی به امامان و پیامبران است.

«ولایت تشریحی» به معنای ولایت بر تشریح احکام و جعل قوانین و نظامات عبادی، معاملاتی، مالی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، کیفری، اجتماعی و احوال شخصی و تعلیم و تربیت و امور دیگر که مختص ذات بی‌زوال خداوند است و در این مورد نیز کسی با خداوند شریک نیست و هیچ کس، نه به عنوان فردی و نه به عنوان عموم، حق قانونگذاری و انشای قوانین و مقررات را ندارد. این نوع ولایت نیز به تشریح و حکم خداوند به اشخاصی عطا می‌شود تا بر چیزی یا شخصی یا اشخاصی ولایت داشته باشند که به «ولایت شرعی» تعبیر می‌شود.<sup>۲</sup>

رسمیت یافتن حکومت شرعی و نظام اسلامی به تعهد و قبول پذیرش مردم از نظام امامت و اعتقاد به ولایت تشریحی امام ارتباط دارد؛ لذا نشناختن امامت و امام زمان و نبودن در این نظام الهی مساوی است با بودن در نظام جاهلیت و رژیم‌های غیراسلامی؛ چنانکه در حدیث شریف نبوی معروف است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».<sup>۳</sup>

اعتقاد به امام و حجت بودن او، با اعتقاد به ولایت داشتن امام ملازم است؛ هر چند در مورد اوصاف و نحوه تعیین امام بین اهل سنت و شیعه اختلاف دیدگاه وجود دارد. شیعه نصب امام را از طرف خداوند و توسط پیامبر می‌داند. این ولایت تشریحیه یا شرعیه را که از شعب ولایت الهی است، مستمر و غیرمنقطع معرفی می‌کند و هم‌اکنون نیز خود را تحت این ولایت تشریحی و مطیع

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۱۲۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۶ - ۳۷۷ و ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۰۹: «هرکس بمیرد، در حالی که امام زمان خویش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است».

آن می‌داند؛ زیرا اطاعت از امام را بهترین وسیلهٔ تقرب به خداوند می‌شناسد و خروج از این ولایت و ورود به ولایت و حکومت دیگران را، خروج از ولایت و حکومت خدا و ورود به ولایت غیرخدا دانسته و هر نظامی غیر از این نظام را فاسد و باطل می‌داند و آن را طرد می‌کند: «لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهُ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَلَا عُثْبَ عَلَى مَنْ دَانَ اللَّهُ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ»<sup>۱</sup>.

درک ابعاد مختلف امامت که یک بُعد آن، ولایت بر امور خلق از جانب خداست، مردم را از خضوع در برابر مستبدان و قدرتمندان باز می‌دارد. از نظر معتقدان به ظهور حضرت مهدی، جوامع استعمارگر، بدترین جوامع هستند که باید با فکر، هدف، سازمان و رفتارشان مبارزه کرد. این جوامع در تقابل با جامعه مورد انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است:

«این‌ها جهان را برای همه می‌خواهند و آن‌ها جهان و همه را برای خود. این‌ها برای همه خوشبختی و سعادت می‌خواهند و آن‌ها برای دیگران بدبختی و فقر و جهل. این‌ها بیداری و رشد فکری بشر را دوست دارند و آن‌ها از بیداری و رشد فکری بشر بیمناکند و تا بتوانند از آن جلوگیری می‌نمایند»<sup>۲</sup>.

درک معنای امامت در این بُعد در سطح‌های پایین‌تر نیز، پیروی از اصلاح و عدل را ایجاب می‌کند و حکومت متکبرانه و با تشریفات و چاپلوس را مبعوض می‌کند. به همین دلیل شخص منتظر، نیابت ولی فقیه را شرعی و قانونی می‌داند.

### ب) مشروع دانستن ولی فقیه

متفق بودن شیعه در اعتقاد به امام دوازدهم، سبب اتحاد آن‌ها در پذیرش و پیروی از نواب امام بوده است؛ چنان‌که امروزه اعتقاد به امامت آن حضرت سبب نفوذ معنوی علما و فقها به عنوان نایب عام آن حضرت در دل‌های مؤمنان است.

براساس این نظام عالی الهی مقدّس است که شیعه در عصر حاضر، اطاعت از اوامر حاکمان

۱. هاشمی خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۲۳: «هرکس خدا را با پیروی از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دین داری کند، دین ندارد و سرزنش نیست بر کسی که با پیروی از امام عادل از جانب خدا دین داری کند».

۲. صافی گلپایگانی، عقیدهٔ نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ص ۳۳.

شرع و فقه‌های عادل و علمای عامل را واجب دانسته و مطیع فرمان و فرمانبر آن‌هاست، و اطاعت آنان را رمز تشیع و نشانه ولایت و ایمان خود به نظام امامت و بیزاری از نظامات دیگر می‌داند و تخطی از این نظام و مخالفت احکام فقها را استخفاف حکم خدا می‌شمارد.<sup>۱</sup>

آیت‌الله صافی رحمته‌الله ضمن مطرح کردن آیه **﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾**<sup>۲</sup>؛ به منظور اثبات ولایت برای امام، دو برداشت متفاوت از آیه را نیز بیان کرده‌اند که طبق یک تفسیر، اطاعت و پذیرش فقها را می‌توان از آیه استنباط کرد:

یکی از نکاتی که در امر به اطاعت «رسول خدا» و «اولی الامر»، کلمه «اطیعوا» مکرر شده و در امر به اطاعت اولی الامر، «واو» عاطفه آورده شده و کلمه «اطیعوا» تکرار نشده است؛ این است که امر به اطاعت در «اطیعوا الله» ارشادی است و در **﴿وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾**؛ مولوی و تعبّدی است. بنابراین، اگر کسی بگوید اطاعت فقها - به طور عموم یا بالخصوص - به حکم این آیه واجب شده و غرضش این باشد که «اولی الامر» مذکور در آیه شامل آن‌ها هم می‌شود، به صواب و درستی سخن نگفته و تفسیر به رأی نموده است؛ ولی اگر غرضش این باشد که چون به حکم آیه شریفه، اطاعت امام در عصر غیبت نیز چون عصر حضور واجب است و فقه‌های عادل نواب عام آن حضرت و از جانب او مأذون و برای رتق وفتق امور معین شده و مرجع مردم می‌باشند و اگر کسی مخالفت حکم آن‌ها را بنماید؛ چون امام حکم به اطاعت از آن‌ها فرموده است؛ مخالفت حکم آن‌ها در حکم مخالفت حکم امام می‌باشد که در این آیه اطاعت از آن واجب شده است؛ سخن صحیح و مطابق با صواب و واقع گفته است.<sup>۳</sup>

با توجه به مطالب پیش‌گفته، روشن شد که اعتقاد به ولایت تشریحی امام، وظیفه انسان را در عصر غیبت نیز روشن می‌کند.

۱. همان، ولایت تکوینی و تشریحی، ص ۱۴۴.

۲. نساء: ۵۹.

۳. صافی گلپایگانی، ولایت تکوینی و تشریحی، ص ۱۴۷.

#### ۴. خودشناسی

«خودشناسی» از یک نظر بر همهٔ معرفت‌های دیگر مقدم است؛ زیرا تا خودشناسی نباشد، دیگرشناسی معنا ندارد و فهم «دیگر»، یعنی فهم «غیر خود»؛ اما معرفت به هدف غایی، به معنایی دیگر یا در سطحی دیگر، مقدمهٔ خودشناسی است؛ زیرا بینش‌ها و شناخت‌ها نیز بر یکدیگر مؤثر و با یکدیگر مرتبط هستند. بنابراین، انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان انتظار هدف غایی خلقت است، موجب می‌شود که شخص منتظر از خودمحوری رها شود و امام را محور جهان بداند و خواست و رضایت امام را بر خواست و رضایت خود ترجیح دهد.<sup>۱</sup>

این سطح از خودشناسی، به تبع موجب ترجیح خواست و رضایت خداوند نیز می‌شود؛ زیرا امام عاشق حقیقی خداوند است و بیش‌تر از هر چیز رضایت خداوند را می‌خواهد. این شناخت، خودشناسی فرد منتظر را به دنبال دارد؛ با این بیان که معرفت به هدف غایی خلقت موجب تغییر نگرش فرد به کمال و هدف خویش می‌شود و هدف خود را آشنایی با خداوند و قرب الاهی می‌داند. بنابراین، شخص منتظر منصب‌ها و مقام‌های دنیوی را ارزش اصلی نمی‌داند، بلکه آن‌ها را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف اصلی و نهایی خود، یعنی رضایت امام و قرب الاهی می‌داند و همین امر زمینهٔ انقیاد و تسلیم فرد در برابر اوامر الاهی و امام فراهم می‌کند.

پس انتظار و به تبع آن، دقت در حکمت‌های امر غیبت، انسان را به نقش و جایگاه خودش در زمینه‌سازی ظهور متوجه می‌کند. آیت‌الله صافی اعتقاد به مهدویت را موجب تغییر نگرش انسان به کرامت حقیقی خود و باور به تعلق فرجام کار به صالحان می‌داند و همین تغییر نگرش و باور را سبب دوستی حقیقت و عدالت و نیکوکاری در دل‌های انسان می‌داند و به تبع انسان را برای برتری بخشیدن به کلمهٔ توحید، بر پا داشتن حدود الاهی و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام وامی‌دارد و پیوند انسان را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می‌کند.<sup>۲</sup> این بدان سبب است که شخص منتظر هدف نهایی خود را رضایت امام و در واقع رضایت خداوند می‌داند.

۱. همان، عقیدهٔ نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۶.

۲. همان، باورداشت مهدویت، ص ۱۹.

## الف) معرفت به وظایف حقیقی یا احکام الاهی

زمانی که انسان منتظر نسبت به هدف نهایی خود، معرفت به دست آورد، برای دستیابی به این هدف، در پی شناخت وظایف خود برمی آید؛ زیرا شناخت وظایف، مقدمه رسیدن به هدف است و برای رسیدن به نتیجه باید مقدمات آن فراهم شود.

عقیده به ظهور مصلح آخرالزمان و معرفت به هدف نهایی، نه تنها اثر سلبی و منفی ندارد، و مردم را از اقدام و قیام باز نمی‌دارد و سستی، گوشه‌گیری و بی‌مسئولیتی را شعار مؤمنان قرار نمی‌دهد، بلکه باعث امیدواری و تلاش مضاعف افراد برای دستیابی به حکومت حق و عدل می‌شود؛ زیرا احکام اسلام در هیچ عصر و زمان تعطیل نمی‌شوند و کسانی که موضوع آن باشند، از آن معاف نخواهند بود.<sup>۱</sup>

از آن جا که یکی از ویژگی‌ها و اهداف جامعه ظهور، تحقق عدالت است؛ فرد منتظر یکی از وظایف خود را زمینه‌سازی برای تحقق عدالت می‌داند؛ زیرا در جهت هدف نهایی خودش است. اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی آن حضرت، موجب نوع دوستی فرد منتظر می‌شود و فکر و اندیشه را وسیع و جهان‌اندیش می‌کند، که به دورترین نقاط جهان بنگرد و خیر و رفاه مردم تمام مناطق گیتی را بخواهد.<sup>۲</sup> او امام را غایت جهان و تمام جهانیان می‌داند و به همین دلیل، برای ساختن جهانی سرشار از عدل و حق، ساختن خود و دیگران را وظیفه خود می‌داند.

همچنین عقیده به امامت و اکمل دانستن امام، انسان را شیفته پیروی از افراد کامل از جانب حق و به حکومت خدا و تبعیت از شایسته‌ترین و صالح‌ترین افراد بشر ملزم می‌کند و او را از نظام‌های مستبد و استبدادگر و حکومت‌هایی که براین اساس تأسیس شده‌اند، متنفر می‌کند. بنابراین، پیروی و دفاع از حکومت حق و بی‌زاری از حکومت استبدادی را جزئی از وظایف خود می‌داند.

۱. همان، عقیده نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۸ و ۳۱.

نتیجه آن که این انتظار، ضعف، سستی، مسامحه در اجرای تکالیف و عذر برای کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نیست، و همچنین نمی‌توان سکوت، بی‌حرکتی، بی‌تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و ناامیدی را با آن توجیه کرد.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

هر حوزه اعتقادی انسان، بر برخی دیگر از حوزه‌های شناختی و نیز بر گرایش‌ها و اعمال او مؤثر است. اعتقاد به «مهدویت و انتظار» از این قاعده مستثنا نیست. معرفت خداوند و شناخت دین، از جمله تأثیرات اعتقاد به مهدویت و انتظار در حوزه خدانشناسی است؛ زیرا معرفت امام، مقدمه معرفت خداوند است و بدون شناخت امام، شناخت خداوند و در پی آن، عبادت که هدف خلقت انسان است، میسر نمی‌شود؛ همان‌گونه که در برخی روایات به این موضوع اشاره شده است.

ائمه علیهم‌السلام مظهر تمام اسما و اوصاف الاهی هستند. از آن‌جا که شناخت خداوند با شناخت مظاهر و تجلیات او میسر است؛ شناخت ائمه علیهم‌السلام یکی از بهترین راه‌های شناخت خداست. همچنین، همان‌طور که با شناخت امام، معرفت به نبوت و امامت خاصه حاصل می‌شود؛ معرفت امام، شناخت آموزه‌های دینی را نیز به دنبال دارد؛ زیرا شرح و بیان ابعاد مختلف دین، تفسیر آیات و تبیین احکام توسط ایشان صورت می‌پذیرد.

امام‌شناسی نیز از تأثیرات معرفتی اعتقاد به مهدویت و انتظار است. از لحاظ عقلی و نقلی شناخت امام واجب است؛ زیرا شناخت امام مقدمه رسیدن انسان به کمال و قرب خداوند است. معرفت انسان به شخص، شخصیت، اهداف و آرمان‌های امام موجب می‌شود انسان در انتظار امام باشد. معرفت به امام، حب به امام و به تبع شناخت بیش‌تر امام را به دنبال دارد؛ زیرا بین معرفت و حب رابطه دو سویه افزایشی وجود دارد. با شناخت امام، شناخت به هدف نهایی حاصل می‌شود؛ زیرا امام موجود اکمل است و خداوند برای موجود شدن موجود اکمل، همه چیز

۱. همان، انتظار عامل مقاومت، ص ۵۵.



را خلق می‌کند. فردی که امام را هدف نهایی آفرینش بداند، علت غایی خویش را قرب خداوند خواهد دانست. انسان با شناخت هدف نهایی خود، معرفت به حکومت حق و اصیل به دست می‌آورد؛ زیرا فقط در سایه حکومت حق، هدف نهایی او میسر می‌شود. در این حالت انسان از خودمحوری رها می‌شود و امام را محور جهان می‌داند و خواست و رضایت امام را بر خواست خود ترجیح می‌دهد. در این صورت فرد منتظر در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم است و تلاش می‌کند برای محقق شدن هدف نهایی‌اش، وظایفش را به بهترین وجه انجام دهد؛ زیرا اجرای وظایف مقدمه رسیدن به هدف نهایی است.

## منابع

قرآن کریم.

۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، مترجم: انصاریان، دارالعرفان، قم، بی تا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، مترجم: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.
۳. \_\_\_\_\_، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، مترجم: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
۴. \_\_\_\_\_، **علل الشرایع**، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵.
۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، **تاج العروس**، مصحح: علی هلالی و علی سیری، علی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴.
۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، **منتخب الأثر**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۱.
۷. \_\_\_\_\_، **انتظار عامل مقاومت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۸. \_\_\_\_\_، **باورداشت مهدویت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۹. \_\_\_\_\_، **تجلی توحید در نظام امامت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۱۰. \_\_\_\_\_، **عقیده نجات بخش پیرامون عقیده به ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۱۱. \_\_\_\_\_، **معرفت حجت خدا**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۱۲. \_\_\_\_\_، **ولایت تکوینی و تشریحی**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.

۱۳. \_\_\_\_\_، **اصالت مهدویت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۴. \_\_\_\_\_، **پیرامون معرفت امام**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۵. \_\_\_\_\_، **گفتمان مهدویت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۶. \_\_\_\_\_، **وابستگی جهان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۷. \_\_\_\_\_، **امامت و مهدویت**، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۷.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرين**، احمد حسینی اشکوری، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحارالانوار**، جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، **آفتاب ولایت**، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، قم، ۱۳۸۴.
۲۲. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، **منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه**، مترجم: حسن حسن زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای، مصحح: ابراهیم میانجی، مکتبه الاسلامیه، تهران، بی‌تا.

## کارکردهای اجتماعی باورداشت انتظار در زمینه تحقق ظهور از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی

فاطمه الیاسری<sup>۱</sup>

### چکیده

«انتظار» پدیده‌ای است که دارای نقش کارکردی و کنشگری در حیات انسان است. بر خلاف دیدگاه رایج که انتظار را امری مذموم و غیرمطلوب می‌داند، منتظر با استمرار غیبت، از نعمت انتظار برای تکامل نفس خویش و به تبع آن زمینه‌سازی اجتماعی ظهور تا تحقق حکومت جهانی کمک می‌طلبد. تبیین دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی، به عنوان یکی از مراجع تقلید شیعه و از صاحب‌نظران برتر حوزه مهدویت در خصوص کارکردهای اجتماعی انتظار اهمیت دو چندانی می‌یابد. به عقیده ایشان، انتظار، ضامن بقای جامعه شیعی و ممهّد تحقق حکومت عدل جهانی است. این نوشته با تحلیل کارکردهای اجتماعی انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی نگاشته شده است. برخی از کارکردهای اجتماعی انتظار، مانند تحقق عدالت اجتماعی در جامعه، منع از هرگونه عقبگرد به سوی فرهنگ جاهلیت، مقاومت و پایداری در برابر رهبری فاسد و مبارزه با انواع انحراف‌ها؛ از جمله نتایج مهم این پژوهش است. این نوشتار به روش کتابخانه‌ای گردآوری و در حوزه اندیشه‌ورزی به شیوه توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است.

**واژگان کلیدی:** کارکردهای اجتماعی، انتظار، ظهور، آیت‌الله صافی گلپایگانی.

---

۱. فاطمه الیاسری، فارغ‌التحصیل سطح سه جامعه الزهراء (ع)، عضو شورای انجمن کلام جامعه الزهراء (ع)، فارغ‌التحصیل دوره تربیت مدرس جامعه الزهراء (ع).  
fatemeh\_ysr@yahoo

«اعتقادات» و «باورها» از جمله اموری هستند که بر زندگی فردی و اجتماعی بشر اثر گذار هستند و از آن‌ها به عنوان «پدیده‌های کارکردی» تعبیر می‌شود. باورداشت انتظار، از جمله مؤلفه‌هایی است که دارای کارکرد و کنش فردی و اجتماعی است که متناسب با میزان تحقق و به کارگیری آن در جامعه آثار عینی و ملموسی بر جای می‌گذارد. جامعه در علوم جامعه شناختی از این حیث که حیات آن متأثر از حیات آحاد افراد و بر مبنای عقاید و باورهای آن‌ها است؛ علاوه بر این که متضمن باورهای فردی است، به باورهایی با کارکردهای اجتماعی نیازمند است تا به عنوان یک عنصر مستقل به حیات خویش ادامه دهد. پنهان زیستی یا غیبت آخرین امام و حجت الهی، پدیده‌ای است که ذهن هر انسان جست‌وجوگری را به این نکته معطوف می‌دارد که چرا چنین امری رخ داده است. به عبارتی دیگر، فلسفه و علل غیبت انسانی والا مقام که حضورش مایه نجات انسان‌ها از ضلالت و گمراهی می‌باشد، چیست؟ در کتاب‌های روایی، ادله‌ای مبنی بر حفظ جان حضرت از گزند دشمنان را به عنوان مهم‌ترین دلیل غیبت حضرت ذکر کرده‌اند؛ اما بی‌شک این امر برای پیروان ایشان نیز ثمراتی خواهد داشت. گزینش انسان‌های موفق و استوار که از امتحانات سخت الهی سربلند بیرون آمده‌اند، یکی از سنت‌های خداوند است، تا آن‌ها نیز با تحمل صبر و شکیبایی در عمل و باور به کمال برسند. آموزه انتظار، همان‌گونه که به لحاظ فردی کارکردهای متفاوتی دارد، به لحاظ اجتماعی نیز دارای کارکردهایی است.

بی‌تردید در این زمینه، دیدگاه‌های شخصیت علمی و دینی مانند آیت‌الله صافی گلپایگانی که ایشان در عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صاحب نظر است و به عنوان یکی از مراجع تقلید عصر خود به تبیین وظایف اجتماعی شیعیان پرداخته، حائز اهمیت است. ایشان به عنصر مهم "انتظار" و "کارکردهای اجتماعی" این باورداشت در حوزه مهدویت، توجهی ویژه مبذول داشته و دیدگاه وی با توجه به این که ایشان یکی از متفکران و نویسندگان شیعی است که در حوزه مباحث امامت و مهدویت در زمره پژوهشگران پرکار شیعی و از پیشکسوتان مهدوی پژوهی به شمار می‌آید، توجهی دو چندان می‌طلبد. این نوشتار درصدد است دیدگاه این عالم بزرگ را در

حیطه کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار تبیین کند.

## ضرورت و اهمیت

آموزه‌های اسلام و روشنگری‌های آن که بر مبنای فلسفه‌های صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد؛ اصل انتظار را همراه با نگاه به سوی آینده، پشتوانه‌ای برای بقا جامعهٔ مسلمان و محرک احساسات و روح فعالیت به سوی جهانی برتر می‌داند. از این روست که در احادیث، انتظار آینده بهتر، گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده‌اند؛ چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین کارهای امتم انتظار فرج است.»<sup>۱</sup> در واقع، انسان‌ها با اعتقاد به پیروزی نهایی حق، استقرار صلح و عدالت، فراگیری ایمان اسلامی و در نهایت حکومت دینی بر جهان؛ در صدد افزایش ظرفیت‌های اجتماعی بر می‌آیند و نه تنها خودسازی، بلکه تقویت جامعه را در زمره اهداف خویش قرار خواهند داد. نگاه جهانی داشتن به حکومت مهدوی به تمام منتظران این پیام را خواهد داد که خود را برای تبدیل به قدرت سیاسی و نظامی و فرهنگی آماده کنند. در نتیجه نپذیرفتن حاکمیت‌های نامشروع تنها بخشی از کارکردهای اجتماعی انتظار است که با دانستن و به کار بستن آن‌ها جامعه را به سوی رشد و شکوفایی سوق می‌دهد.<sup>۲</sup>

## پیشینه بحث

کارکردهای فردی و اجتماعی آموزه انتظار، از جمله عناوینی است که محققان توجه ویژه‌ای به آن دارند. در این زمینه کتاب "بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف" در ایران معاصر"، نوشته محمد صادق خوراسگانی در سال ۱۳۸۸ و کتاب "کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت"، نوشته محمود ملکی راد در سال ۱۳۹۷ منتشر شده‌اند. مقالاتی با عناوین "کارکرد اجتماعی اعتقاد به مهدویت"، نوشته محمود ملکی راد و "تأثیر اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه‌شناسی"؛ نوشتهٔ حسن عبدی‌پور، از جمله مقالات مرتبط با موضوع این نوشتار

۱. ابن بابویه، محمدبن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. صافی گلپایگانی، انتظار عامل مقاومت، ص ۸۷.

هستند. وجه تمایز مقاله حاضر با نوشته‌های سابق، بررسی اختصاصی دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی در باب کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار و تحلیل نقش آن در ظهور است. البته با جست‌وجو در پایگاه‌های علمی منتشر کننده مقالات مانند نور مگز، مقاله علمی با این عنوان، یعنی "کارکردهای اجتماعی انتظار" از دید آیت‌الله صافی گلپایگانی یافت نشد. آیت‌الله صافی گلپایگانی به عنوان عالمی ربانی و یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعیان در باب مهدویت و امامت کتاب‌های فراوانی نوشته‌اند. در کتاب منتخب الاثر ایشان که کتاب برتر سال مهدوی انتخاب شده است، در جلد سوم تنها به بیان روایات در باب فضیلت انتظار پرداخته شده است. ایشان در کتاب‌های دیگرشان به طور پراکنده به کارکردهای فردی و اجتماعی انتظار اشاره کرده‌اند. در کتاب "انتظار عامل مقاومت"، به طور ویژه بر عامل انتظار، به عنوان عنصر اصلی نجات و پیروزی ملت‌ها در برابر مستکبران تأکید شده و چندین فصل را به این مبحث اختصاص داده‌اند. نوشتار حاضر به لحاظ موضوع و محتوا، از این جهت که تأثیر و کارکردهای اجتماعی این آموزه را در تحقق ظهور از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی به طور خاص بررسی کرده است، نوآوری دارد.

## مفهوم‌شناسی

### ۱. کارکرد اجتماعی

"کارکرد" به معنای اثر، بازده و عملکرد<sup>۱</sup>، معادل واژه "function" در انگلیسی است. به لحاظ جامعه‌شناسی، "کارکرد"، به معنای اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقا و انسجام نظام اجتماعی دارد. به عبارت دیگر، «کارکردگرایی» هر پدیده از نظر تأثیر آن پدیده با سایر ساختار جامعه مورد شناخت قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup> رویکرد "کارکرد گرایی" که ترجمان "functionalist"

۱. دهخدا، لغتنامه.

۲. محسنی، مقدمات جامعه‌شناسی، ص ۵۳.

است، بیان می‌دارد که بخش‌های یک جامعه برای حفظ ثبات آن ساختار یافته‌اند.<sup>۱</sup> دیدگاه کارکردگرایی بر این اصل استوار است که جامعه به مثابه بدن است که هر یک از ارگان‌ها مانند اعضا و جوارح آن می‌باشند و هر یک کار معینی را برای حفظ آن کل انجام می‌دهد.<sup>۲</sup> در شناخت اجتماعی کارکرد یک آموزه، به آن گزاره به صورت کلی، صرف‌نظر از دینی یا غیردینی بودن آن نگاه می‌شود؛ سپس تأثیرات مثبت و منفی آن در اجتماع مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هنگامی که سخن از کارکرد اجتماعی به میان می‌آید، منظور این است که تأثیرات گزاره انتظار در جامعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و از آثاری که بر آحاد جامعه می‌گذارد، سخن به میان نمی‌آید.<sup>۳</sup>

## انتظار

«انتظار» در لغت به معنای امید داشتن و چشم به راه بودن است.<sup>۴</sup> در برخی کتاب‌ها واژه "آینده‌نگری"، هم معنای انتظار ذکر شده است. بر این اساس، درون شخص منتظر، دو عنصر "نفی" و "اثبات" (ناراضی بودن از وضع موجود و تلاش برای ایجاد وضع بهتر) موج می‌زند.<sup>۵</sup> زندگی اجتماعی و فردی بشر بدون انتظار به رخوت و سستی دچار خواهد شد، در واقع، انتظار علت حرکت و تحرک بخش است و هر چه منتظر مقدس‌تر باشد، انتظار به تبع آن از تقدس بهره خواهد جست: ﴿قُلْ كُلُّ مَتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا﴾<sup>۶</sup>؛ بگو: همه منتظرند، پس منتظر باشید.

"انتظار" در فرهنگ مهدویت به معنای چشم به راه مصلح جهانی بودن و به معنای آماده‌باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی است که نتیجه آن اصلاح جهان است. انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون دیگر انقلاب‌هاست که بدون مقدمه و زمینه‌سازی به وجود نخواهد آمد،

۱. شفر، ریچارد، فرهنگ فشرده جامعه‌شناسی، ص ۶۶.

۲. توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص ۲۱۲.

۳. چراغی کوتیانی، «کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، ص ۸۲.

۴. همان.

۵. مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ج ۱، ص ۸۵.

۶. طه: ۱۳۵.



برای تحقّق چنین انقلابی به انسان‌هایی مخلص خداشناس، امام شناس، شکست‌ناپذیر و وفادار نیازمند هستیم که با بینش عمیق زمینه خودسازی برای خود و دیگران را فراهم می‌آورند. اگر چه آزمایش‌های دینی برای همه ایمان‌آوردگان در همه زمان‌ها وجود دارد؛ در عصر غیبت سختی این آزمایش‌ها به اوج خود می‌رسد تا تنها افراد خالص و با درجه ایمان بالا بتوانند از این آزمایش‌ها سربلند بیرون بیایند. علت این سختی‌ها به دلیل دقت هدفی است که در انتها انتظار آن را داریم و آن، تشکیل حکومتی عاری از هرگونه شکست و سرنگونی، به علاوه ستاندن حق مظلومان عالم و تحقّق وعده الهی در به ارث رسیدن زمین به صالحان است. چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی، فکری و اجتماعی است.<sup>۱</sup>

### ظهور

«ظهور»، از اصطلاحات رایج در فرهنگ مهدویت است که به معنای آشکار بودن چیزی است که سابقاً آشکار نبوده<sup>۲</sup> و در اصطلاح، ظاهر شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بعد از پنهان زیستی طولانی، برای قیام و برقراری عدل جهانی است.<sup>۳</sup> درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف معنای دیگری از ظهور هم به کار رفته است و آن، اعلام انقلاب و قیام با شمشیر است؛ چون آن حضرت علیه ستم قیام می‌کند و انقلاب بزرگی را به راه می‌اندازد.<sup>۴</sup>

دوران ظهور را می‌توان به چند مرحله تقسیم کرد: ابتدا آشکار شدن حضرت می‌باشد که علم آن زمان در اختیار خداوند است. پس از آشکار شدن قیام و نهضت به امر الهی بر ستمگران و مبارزه با آنان می‌باشد و مرحله پایانی مرحله تثبیت حکومت جهانی است. در روایات به هر یک از این سه مرحله ظهور اطلاق شده است.<sup>۵</sup>

۱. صافی گلپایگانی، انتظار عامل مقاومت، ص ۸۵.  
 ۲. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۳۷.  
 ۳. سلیمیان، درسنامه مهدویت، ج ۳، ص ۱۵۵.  
 ۴. صدر، تاریخ الغیبه، ج ۲، ص ۳۹۷.  
 ۵. سلیمیان، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۲۶۷.

## کارکردهای اجتماعی انتظار در اندیشه آیت‌الله صافی

از دیدگاه آیت‌الله صافی، کارکرد هر عقیده آن است که مسیر انسان و هدف و مقصود او را مشخص می‌کند. چنانچه آن عقیده با واقع و حقیقت مطابق باشد، نه تنها هدف و مقصد، بلکه اعمال و رفتار انسان نیز از انسانیت و شرافت حقیقی و بر اساس معیارهای الهی برخوردار خواهد بود.<sup>۱</sup> آموزه انتظار مانند تمام پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌ای است که دارای کارکردهای فردی و اجتماعی است. کارکردهای این آموزه بر طرز فکر و اندیشه، چگونگی برداشت ما از مطالب و مسائل حیاتی و نیز بر روابط اجتماعی، سلیقه‌ها، روش‌های اخلاقی و سیاسی مؤثر است. آموزه انتظار از فروغ ایمان به نبوت نشأت می‌گیرد و تثبیت کننده هر چیزی است که از نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ما رسیده است. به عبارت دیگر، این اعتقاد علاوه بر این که تاریخ ساز است، ضامن حیات دینی و اجتماعی آینده می‌باشد.

چنانچه بخواهیم اندیشه آیت‌الله صافی را در زمینه تأثیرات اجتماعی باورداشت انتظار واکاوی کنیم، می‌توان به شماری از کارکردهای اجتماعی آن دست یافت که عبارتند از:

### ۱. وحدت و تمهید جامعه برای حکومت جهانی

آموزه‌های اسلام، انسان و جوامع بشری را به سوی وحدانیت و توحید سوق می‌دهد. بر این اساس، تعدد جوامع برحسب تعدد مرزهای جغرافیایی امری اعتباری و غیرواقعی است و خداوند متعال امت اسلام را با تعبیر "امت واحده" مورد خطاب قرار می‌دهد و تعدد جوامع و پرستش افراد و یا خدایانی غیر خداوند متعال و اتخاذ معبودهای متعدد یا توکل و توسل به آن‌ها در دین اسلام شرک و باطل است.

قرآن مجید می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾<sup>۲</sup>؛ این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما. پس مرا بپرستید».

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۳۴۷.

۲. انبیاء: ۹۲.

آیت‌الله صافی گلپایگانی در کتاب «امامت و مهدویت» با تأکید بر این مطلب که اسلام دین جامعه جهانی است، چنین عنوان می‌کند:

اسلام قبل از آن که دین یک خانواده باشد، جامعه‌های کوچک را به سوی جامعه بزرگ حرکت می‌دهد. این امتیازات و اعتباراتی که از آن، جامعه‌های گوناگون به وجود آمده است، در اسلام رسمیت ندارد. اسلام افراد بشر را معارض یکدیگر و در برابر یکدیگر قرار نمی‌دهد، و تضادها و برخوردها و مزاحمت‌هایی که از اسم و رسم این جامعه‌ها به وجود آمده است، همه باید در جامعه جهانی اسلام که فقط به خدا تعلق دارد، و هیچ رنگ و نژاد و خصوصیات وطنی در آن وارد نیست و همه در آن مشترک می‌باشند، ادغام گردد؛ تا آن جا که غیر از مملکت خدا، که منزله از هرگونه ستمی بر اهل مملکت خود می‌باشد، کشور دیگری وجود نداشته باشد.<sup>۱</sup>

امروزه جوامع بشری در سرتاسر دنیا به این حقیقت اذعان کرده‌اند که تنها مسیر رشد و ترقی انسان‌ها اتحاد و تشکیل جامعه واحد بشری است؛ جامعه‌ای که از آن به "دهکده جهانی" تعبیر می‌کنند و قوانین خود را بر این اساس وضع و حاکمیت مطلوب و مطلق خویش را دموکراسی می‌نامند. این، در حالی است که دموکراسی حقیقی در هیچ نظامی قابلیت اجرایی ندارد و دموکراسی حقیقی تنها در مکتب اسلام با رعایت تمام حقوق و مساوات بین انسان‌ها قابل اجراست.<sup>۲</sup>

انتظار و عقیده به ظهور مهدی موعود این اندیشه را در وجود انسان بنا می‌نهد که روزی یک منجی جهانی خواهد آمد و بر کل مردم جهان حکومت خواهد کرد. به عبارت دیگر، اعتقاد به ظهور به معنای اعتقاد به محقق شدن حکومت جهانی و یک مجتمع واحد انسانی است. در حدیث چنین آمده است:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْمُهْدِيُّ، لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲. همان، ص ۳۵۵.

رَسُولُ اللَّهِ»<sup>۱</sup>.

به طور قطع، منتظران راستین با علم به این حقیقت که حکومت حضرت مهدی حکومتی جهانی است در انتظار ایشان هستند.

لازمه معنای صحیح انتظار وجود پیوند ناگسستنی با پویایی، حرکت و زندگی است. پدیده انتظار، انسان را به حرکت در جهت مناسب با آن برمی‌انگیزد و از هر حرکت و گرایش با جهت‌های نامتناسب یا ناسازگار و متضاد با انتظار باز می‌دارد. این جاست که این انتظار انسان را وا می‌دارد تا راه‌ها و شیوه‌هایی را برگزیند که او را به خواسته‌ها و هدف‌هایش نزدیک کند و در راستای آمادگی خویش و محیط خود قدم بردارد.<sup>۲</sup>

جامعه‌ای که مهدی موعود در آن ظهور می‌کند، جامعه‌ای است که قومیت و ملیت و سایر جایگاه‌های اجتماعی در آن ارزشی نخواهد داشت و این بالاترین و والاترین اجتماع انسانی است که بشر فطرتاً به دنبال آن است. چنانچه انسان منتظر با این نگرش زندگی کند، فکر و مقصدی وسیع خواهد داشت و در پی ساختن چنین جامعه‌ای بر خواهد آمد؛ جامعه‌ای که در آن گروهی، گروه دیگر را استثمار نخواهند کرد و به بردگی نخواهند کشید. در این جامعه حقوق تمام انسان‌ها محترم است.<sup>۳</sup>

آیت‌الله صافی بر این باور صحه گذاشته و می‌گوید:

مردمی که منتظر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و تشکیل جامعه واحد جهانی هستند، باید فکرشان نسبت به سازمان جهان، روشن باشد و ملتفت باشند که این عقیده، آن‌ها را به سوی چه هدفی می‌برد. این پراکندگی‌هایی که در جهان کنونی اسلام است، مخالف روح اسلام و دعوت قرآن است و نمی‌توان آن‌ها را شرعی و اسلامی شمرد؛ چون برنامه اسلام، یکی شدن جامعه و جهانی شدن آن است و اکنون

۱. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. سلیمیان، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۵۸.

۳. همان، ص ۳۵۹.

اگرچه اسلام، گسترش نیافته است، باید جامعه اسلامی موجود، نمونه آن جامعه جهانی باشد. همه باید ید واحد باشند که هیچ یک از آن‌ها از دیگری جدا نبوده و این اختلافات در بین آن‌ها نباشد.<sup>۱</sup>

به نظر ایشان، صحبت از حکومت واحد جهانی در قرن‌های گذشته امری محال می‌نمود؛ اما امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی ارتباط آحاد بشر به سهولت امکان‌پذیر است و این امر استبعاد حکومت بر کل جهان به واسطه امام معصوم علیه السلام را از بین برده است تا آن‌جا که برخی از بزرگان از آن به عنوان طرحی هدفمند برای علاج نابسامانی‌ها یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

## ۲. انتظار عامل مقاومت

یکی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی انتظار، ظلم ستیزی، عدم پذیرش حکومت‌های غیراسلامی و مقاومت در برابر حکومت طاغوت است. در حقیقت آن گاه که انسان از وضع موجود راضی نباشد و در تغییر وضعیت تلاش کند، در انتظار به سر می‌برد. آیت‌الله صافی گلپایگانی با تبیین کارکرد آموزه انتظار بر این باور است:

مسئله‌ای که همواره مایه امید مسلمانان منتظر و هسته مرکزی انقلاب‌ها علیه نظام‌های استثمارگر بوده، وعده الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است. ستمگران و تجاوزکاران در برابر این وعده، مانند کسی هستند که بخواهد در جهت مخالف سیلی عظیم شنا کند که سرانجام شکست می‌خورد. کسانی که علیه متجاوزان و استثمارگران انقلاب می‌کنند، اگر فاقد تمام وسایل هم باشند، بهترین و نیرومندترین وسیله و اسلحه پیروزی آنان، امید است که در جهت رضایت و وعده الهی قرار دارند و قطعاً در مبارزه نهایی، پیروزی با آن‌هاست.<sup>۳</sup>

در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی، مسلمان با تکیه بر این سنت و وعده الهی (حکومت

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲. همان.

۳. همان، انتظار عامل مقاومت، ص ۵۸.

صالحان بر زمین) نباید به اوضاع نسبتاً خوب یا همراه یک عدالت نسبی قانع گردد و وظیفه دارد هر گونه ظلم، فساد، تجاوز، جهل و خود کامگی تا تحقق عدالت مطلق در جهان مبارزه کند و به منظور به فعلیت در آورن هدف‌های اسلام کوشش و مجاهدت ورزد؛ زیرا حفظ اسلام و حکومت اسلامی به نفع نوع بشر و تمام جوامع متحیر و مضطربی است که در بحران بی‌خدایی از خود واقعی خویش نیز فاصله گرفته‌اند. به همین دلیل است که تسلیم، کناره‌گیری و تماشای انحطاط جوامع انسانی با ایده‌های مسلمان منتظر، متعهد و معتقد به ظهور حضرت ولی عصر همخوانی ندارد.<sup>۱</sup>

کارکرد اجتماعی این قضیه آن است که ملتزم شدن به آن، مردم را به تکاپو، حرکت و قیام علیه باطل ترغیب می‌کند و از یاس و ناامیدی و تسلیم در برابر قدرت‌های استکباری و پذیرش ذلت باز می‌دارد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَظْفَ الصَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا»<sup>۲</sup> مضمون این سخنان امیدبخش و مژده‌دهنده این است: «دنیا بعد از سرکشی و دوربودن از ما، به ما روی می‌کند همانند مهربانی شتر بدخو که به بچه خود مهربان می‌شود».

این سخن خبر از غیب و پیشگویی قاطعی است که نشان‌دهنده آگاهی کامل امام به واسطه علم امامت از وقوع وعده و سنت الاهی است و حضرت با این بیان اثبات می‌کند ولی خدا و مصداق «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؛ به سنت‌های الاهی عالم و واقف است. همچنین علم او بر نظام جهان ماده و مجردات، علمی الاهی و ماذون از خدای سبحان است. سخن مذکور مؤید این آیه است که می‌فرماید در سنت‌های الاهی هیچ تغییر و تحولی نیست: «...فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»<sup>۳</sup>.

بنابراین، آشکار می‌گردد که انتظار و عقیده به ظهور مهدی موعود ذهن و فکر انسان منتظر را

۱. صافی گلپایگانی، انتظار عامل مقاومت، ص ۵۱.

۲. حکمت ۲۰۹، نهج البلاغه.

۳. فاطر: ۳۴.

آینده‌گرا می‌کند و او را برای استقامت، پایداری و مبارزه با ظلم مهیا و او را با این فلسفه مهم تاریخ آشنا و انسان را ملزم می‌کند که جهان را برای انقلابی به رهبری حضرت مهدی، قائم آل محمد آماده می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۳. عدالت اجتماعی

«عدل» در کلام حضرت امیر این گونه معنا شده است: «الْعَدْلُ يَصْعُقُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل و دادگستری کارها را سر جای خود می‌نشانند».

راغب اصفهانی در معنای عدل می‌گوید: «عدل، تقسیم و تقسیط کردن به مساوات است».<sup>۲</sup> در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ؛ آسمان‌ها و زمین، با عدل و تقسیم مساوی و برابر برپا است [که اگر در اجزا و اعضا و اشیای آن کم و زیادی بود و هرچیز و هر رکنی از آن، از آنچه باید داشته باشد، چیزی کم می‌داشت یا چیزی زیادت بر آن بود، برپایی آسمان و زمین به هم می‌خورد]».<sup>۳</sup>

اجرای عدالت یکی از اصلی‌ترین اهداف ادیان الهی مخصوصاً دین اسلام است؛ هدفی که ائمه معصومین علیهم‌السلام طی ۲۵۰ سال از زمان نبوت خاتم‌الاولیا ﷺ تا ظهور حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در پی برقراری آن بودند. رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیهم‌السلام عدالت را در برهه‌ای کوتاه همراه با محدودیت به مردم نشان دادند، و نماد بارز و کامل آن در زمان حکومت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ظاهر می‌شود. عدالت‌گستری یکی از صفات و علایم حضرت مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است که در بیش از صد حدیث، ایشان با این وصف معرفی شده‌اند؛ چنان‌که در نهج‌البلاغه آمده است:

۱. صافی گلپایگانی، انتظار عامل مقامت، ص ۶۵.  
 ۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷.  
 ۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۲۵.  
 ۴. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۶۶.  
 ۵. کبیر مدنی شیرازی، ریاض‌السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، ج ۵، ص ۱۸۰.  
 ۶. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۳۸۲.

«فَيْرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِهْ وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّهْ<sup>۱</sup>؛ سیره و روش دادگرنه را برای شما نشان خواهد داد و آنچه را از کتاب و سنت مرده باشد، زنده خواهد کرد».

حکومت و فرماندهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با مردم و زیردستان و نیز رفتار یاران و متصدیان امور بر اساس عدالت حقیقی خواهد بود و هیچ گونه تکبر و برتری جویی میان آنان و مردم نخواهد بود.

زاماداری یک حکومت بر مبنای عدل به کارگزاری عادل نیاز دارد؛ در غیر این صورت، برای اجرای عدالت تضمینی نخواهد بود. در حدیثی از امیرالمؤمنین ع چگونگی بیعت گرفتن حضرت مهدی و مواردی که بر آن از مردم بیعت خواهد گرفت، بیان شده است؛ که از آن جمله است: دزدی نکنند، مرتکب زنا نگردند، به مسلمانی فحش و دشنام ندهند، کسی را هتک حرمت نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به غیرحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو را احتکار و ذخیره نکنند، مسجدی را خراب نکنند، شراب ننوشند، خَزْ و حریر نپوشند، کمر بند طلا نبندند، راهزنی نکنند، راهی را ناامن و مواد غذایی را احتکار نکنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند.<sup>۲</sup> این امر به یاران و کارگزاران منحصر نخواهد بود، بلکه آن حضرت به عنوان رهبر جامعه بر خود نیز لازم می‌داند، مانند آن‌ها رفتار کند و از لباسی که آن‌ها می‌پوشند، بپوشد؛ بر مرکبی مثل مرکب آن‌ها سوار شود، چنان باشد که آنان می‌خواهند، به اندک راضی گردد، زمین را به یاری خدا از داد پر کند؛ چنان که از ستم پر شده باشد، خدا را چنان که حق پرستش اوست، عبادت کند و حاجب و دربان برای خود قرار ندهد.<sup>۳</sup> ایشان در ادامه بر نظام امامت به عنوان بهترین نظام حاکم بر انسان‌ها اشاره کرده و بر این باور است:

امامت یگانه نظامی است که استثمار و استکبار و استعمار، و استفاده‌های نامشروع را که موجب فاصله‌ها و تقسیم‌بندی‌ها و توزیع‌های غیرعادلانه است، از بین می‌برد و قسط و عدل را برقرار می‌سازد و از افراط و تفریط جلوگیری می‌نماید.

۱. نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۲۸-۱۲۹.



در این نظام، هم قوانینی که اساس عمل است، به عدل و حق و برقراری توازن و تعادل نظر دارد و هم حاکم و نظام حکومت و قوه مجریه‌ای که اجرای این قوانین را به عهده دارد، از طریق عدل منحرف نمی‌گردد. این، یکی از مشخصات و معزف این نظام است که استقرار آن، عدل مطلق و خیر و احسان برقرار می‌کند و اموال و مواد مورد نیاز، و مشاغل و مناصب را به قسط و عدل توزیع و تقسیم می‌نماید و غرایز فطری و جسمی انسان را اشباع و طغیان و سرکشی آن‌ها را مهار می‌نماید.<sup>۱</sup>

آیت‌الله صافی گلپایگانی معتقد است که اعتقاد به ظهور و رابطه بین حاکم و مردم در جهان، و معیار اسلامی بودن حکومت‌ها همسوبودن با این شاخص، یعنی عدل است. ایشان در ادامه می‌افزاید:

انسان منتظر، برقراری عدالت را خواستار می‌شود، روابط استکباری و استضعافی و استعبادی را به هر شکل و صورت که باشد، رد کرده و با آن مبارزه می‌نماید. معتقد به این ظهور و عدالت اجتماعی اسلامی، اگر مسئول و متصدی کاری باشد، خود را خدمتگزار مردم و برای مردم می‌داند و اگر از افراد عادی است، با مسئولان امور، سلوک خود را عادی و منزله از تملق و فروتنی‌های بی‌مورد می‌سازد و از آنان توقع تبعیض و مسامحه در انجام وظیفه نمی‌کند، بلکه در برقراری عدالت اجتماعی با آنان همکاری می‌نماید.<sup>۲</sup>

از دیدگاه ایشان، شخص منتظر با الگو گرفتن از حکومت‌های معصومان و سر لوحه قرار دادن رفتار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، به عنوان یگانه حاکمان حکومت اسلامی، موظف است در برقراری ملاک‌های اسلامی تلاش کند. از نظر روانی، اعلام این که روزی جهان از عدل و داد پر خواهد شد، نوعی منطوق و آینده‌نگری است که هیچ چیز جز عدالت و قسط او را قانع نمی‌کند.

این است زندگی ایده‌آل و شرافتمندانه و درخور شأن انسان، و این است آن

۱. همان، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۴۲۱.

۲. همان، ص ۳۸۶.

مجتمعی که انسان‌ها همیشه باید کوشش کنند تا خود را به آن نزدیک نموده و رسیدن به آن را نصب‌العین خود قرار دهند و آنی و لحظه‌ای از عشق به آن نظام و آرزوی آن غافل نباشند و تا می‌توانند فاصله‌های اجتماعی، فکری، مالی و سیاسی را با آن نظام الهی و مجتمع مقدس انسانی کم کنند و آن نظام عزیز و نهایی را معیار ارزش نظامات دیگر قرار دهند.<sup>۱</sup>

#### ۴. مساوات اسلامی

«مساوات» در لغت به معنای تساوی، برابری و عدالت است.<sup>۲</sup> استاد مطهری در تبیین این لفظ معتقد است:

مساوات و نفی تبعیض یکی از اصول و ارکان ایدئولوژی اسلامی است. از نظر اسلام انسان‌ها به حسب گوهر و ذات برابرند. مردم از این نظر دو گونه یا چند گونه آفریده نشده‌اند. رنگ، خون، نژاد و قومیت، ملاک برتری و بالانشینی افراد در مقایسه با یکدیگر نیست. سید قرشی و سیاه حبشی برابرند. آزادی، دموکراسی و عدالت در اسلام زاده برابری و مساوات انسان‌هاست.<sup>۳</sup>

یکی از اهداف اصلی و اولیه‌ای که پیامبر اکرم در پی تثبیت آن بودند، زدودن برتری‌های نژادی و قبیله‌ای بود. اسلام تنها ملاک برتری انسان‌ها را تقوا و کرامت انسانی معرفی می‌کند. قرآن کریم در خطاب‌هایی مثل «یا ایُّها الناس» و «یا بنی آدم» که در قرآن مجید آمده است، انسان‌ها را به طور مساوی خطاب فرموده است.

از مهم‌ترین نشانه‌های مساوات در اسلام، تساوی در قانون است و لذا قوانینی مانند جهاد، زکات، علم اندوزی، امر به معروف و نهی از منکر، بهره‌مندی از بیت‌المال برای تمام افراد یکسان است. یکی از قوانینی که در اجتماعات بشری از اهمیت بالایی برخوردار است، قانون امر

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲. دهخدا، لغتنامه.

۳. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۵۰.

به معروف و نهی از منکر است.<sup>۱</sup> قرآن مجید می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۲</sup>

این تنها نمونه‌ای از قوانین اجتماعی است که در میان مسلمانان حاکم است. بسیاری از احکام اسلام، اجتماعی هستند و شرط اجرای آن‌ها تشکیل حکومت اسلامی است. در زمان ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نظام امامت و مساوات به واسطه ایشان در روی کره زمین بین تمام انسان‌ها برقرار شده و ظهور مهدی موعود با ظهور مساوات جهانی همراه است. بنابراین، انسان منتظر، یعنی شخصی که به مساوات و برابری معتقد می‌باشد. چنین شخصی بنا بر عقیده خویش در ایام غیبت نیز در جای جای زندگی فردی و اجتماعی خود تا حد ممکن مساوات اسلامی و ترک تبعیض را اجرا می‌کند. قسط و عدل، مساوات و برابری از ویژگی‌های اصلی حکومت اسلامی است و اصل و جوب آن در زمان غیبت و یا ظهور تغییر نخواهد کرد. در روایتی که زراره از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل می‌کند، چنین آمده است:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَقَالَ حَلَالٌ مُحْتَمِدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...»<sup>۳</sup> ممکن است در زمان غیبت، برخی از احکام اجتماعی را نتوان به طور کامل در جامعه اجرا کرد؛ اما این امر خدشه‌ای بر اصل و جوب رعایت آن بر تک تک آحاد جامعه وارد نمی‌کند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی بر این باور است:

معتقد به ظهور مساوات اسلام و ظهور مجری واقعی آن - حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - از نابرابری‌ها رنج می‌برد و از تبعیضات متنفر است و با واگذارن کارها به ناهلان که یک تبعیض بسیار خطرناک است، تا می‌تواند مبارزه می‌نماید. شیعه معتقد به این نظام و آن ظهور کلی، باید اجتماعش نمونه و معرّف مساوات اسلامی باشد و نظامی را که رهبری آن با حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است، به مساواتش، به عدالتش و به

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ص ۳۷۱.

۲. توبه: ۷۱

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۸.

فضیلتش به دنیا نشان دهد؛ زیرا دین یک وظیفه، یک تعهد و یک مسئولیت بزرگ است و اعتقاد به ظهور مساوات اسلامی و ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون انجام عملی آن و بدون مساوات خواهی عملی، وفای به این تعهد و عمل به این وظیفه و توجه به این مسئولیت نمی باشد.<sup>۱</sup>

## ۵. انتظار عامل بقا و مانع ارتداد

در جنگ احد، مسلمانان آزمایش سختی را گذراندند. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام با رشادت‌ها و فداکاری‌های خویش از جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محافظت کرد و جنگجویان نامی مشرکان را به قتل رساند. جبرئیل مواسات بی نظیر امام علی علیه السلام را همراه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ستود. در این آزمایش و امتحان عده‌ای از مسلمانان به گمان این که پیامبر از دنیا رفته است، اسلام را رها کردند و منکر همه چیز گشتند. مهم‌ترین درس این واقعه در کنار تمام تلخی‌هایی که برای پیامبر و اسلام رخ داد، این بود که با وقوع بدترین رویدادها، شما نباید به عقب برگردید. آیات متعددی در مذمت و حرمت ارتداد نازل شد که از جمله این آیه بود:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ و نیست محمد مگر رسولی که قبل از او هم پیامبران بسیاری بوده‌اند. آیا پس اگر [او] مرد یا کشته شد، به عقب برمی‌گردید؟! و هرکس به عقب برگردد، هرگز به خدا زیانی نمی‌رساند و خدا به زودی شاکران را پاداش می‌دهد.

هنگامی که امر مهمی مانند رحلت پیامبر خاتم و آورنده اسلام، مجوز ارتداد و بازگشت به نظام‌های قبل از اسلام نمی‌گردد؛ پس مسلمانان نباید از هیچ حادثه دیگر، به نظام‌های طاغوت مایل شوند.<sup>۳</sup>

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۳۷۲.

۲. محمد: ۱۵.

۳. صافی گلپایگانی، انتظار عامل مقاومت، ص ۷۶.

آیت‌الله صافی گلپایگانی امید به آینده و عدم برگشت به جاهلیت را از آثار اجتماعی انتظار می‌دانند:

انتظار مصلح آخرالزمان و مهدی موعود، علاوه بر ریشه‌های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی‌ترین فلسفه اجتماعی است. مسلمانان عقیده دارند که انقلاب اسلام، جهان‌گیر و پیروز می‌شود و عالم از این نابسامانی‌های مدنیته منهای شرف و انسانیت نجات پیدا می‌کند و بازگشت به عقب و ارتداد و عقب‌گرد، خلاف اصل و خلاف نهضت انبیا و تعالیم اسلام است.<sup>۱</sup>

در دنیای امروز با نام ترقی و پیشرفت، به میراث گذشتگان، عنوان ارتداد و ارتجاع داده و آن را رها کرده‌اند. در حقیقت، مصداق و معنای حقیقی تمدن و پیشرفت، توجه به اهداف عالی انسانی و پرداختن به فضایل انسانی است که به فراموشی سپرده شده است و جای آن ظلم، تجاوز، طغیان، شهوت‌رانی و ناامنی با نام تجدد و مدرنیته روی کار آمده است؛ ولی این توحش تا هرکجا برود، به این دلیل که با سیر کمالی بشر هم خوانی ندارد، به سرنگونی محکوم است.

انسان منتظر و آینده‌نگر بر مبنای اعتقاد به آمدن مصلح جهانی با نظام‌های مشرک و گریزان از خدا همراه نمی‌گردد و با حفظ ثبات و استواری خویش به هدف پیش می‌رود؛ زیرا او یقین دارد وعده و سنت الهی به طور قطع محقق خواهد شد و بساط روی گردانی از فطرت جمع می‌گردد و ظلم پایان‌پذیر است؛ چنان که در قرآن آمده است: ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾.<sup>۲</sup>

از دیدگاه آیت‌الله صافی، مسلمان، تسلیم ظلم و فساد نمی‌شود و با ستمگران هم صدا نخواهد شد. ایشان در ادامه می‌گوید:

این اصل انتظار مانند یک قوه مبقیه و عامل بقا و پایداری، طرفداران حق و عدالت و اسلام‌خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاه‌های فشار، استعباد،

۱. همان، ص ۷۷.

۲. اعراف: ۱۲۸.

جهل و شرک، بشرپرستی و فسادانگیزی پایدار نگه می‌دارد و همواره بر روشنی چراغ امیدواری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آن‌ها می‌افزاید و آنان را در انجام وظایف، شور و شوق و نشاط می‌دهد. این اصل انتظار است که در مبارزه حق و باطل، صفوف طرفداران حق را فشرده‌تر و مقاوم‌تر می‌کند و آن‌ها را به نصرت خدا و فتح و ظفر نوید می‌دهد.<sup>۱</sup>

انتظار به معنای مثبت آن، با پویایی و حرکت همراه است و این مقوله هیچ بهانه‌ای را در ترک وظایف اجتماعی و قوانین اسلامی نمی‌پذیرد. نباید به دلیل غیبت امام معصوم خود را از اجرای دستورهای خداوند معاف بدانیم و با یاس و بی‌تفاوتی وضع موجود را توجیه کرد. این انتظار، حرکت، نهضت و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است. مکتبی که برای آبیاری ریشه آن تمام ائمه معصوم علیهم‌السلام تلاش کردند و برای به ثمر رساندن آن خون دل‌ها و قربانی‌ها تقدیم کرده‌اند. انتظار، به معنای زنده نگه داشتن نام و راه مکتب اسلام است تا زمان تشکیل حکومت جهانی مهدوی به دستان مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

## نتیجه‌گیری

تمام افعال خداوند متعال هدفمند و بر مبنای حکمت است. به طور قطع در انتظار امام معصوم بودن آثار فردی و اجتماعی برای بشر خواهد داشت که در علوم جامعه‌شناسی از آن به عنوان پدیده‌ای کارکردی یاد می‌کنند. از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی کارکردهای انتظار متعددند و می‌توانند زمینه رشد و ترقی بشر را فراهم و در نهایت جامعه را برای ظهور مهیا کنند. عواملی مانند امید به آینده مطلوب، کاهش یاس و اضطراب، کاهش رذایل و اهمیت به فضایل اخلاقی را می‌توان از کارکردهای فردی اعتقاد به وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست؛ اما کارکردهای اجتماعی انتظار که به تبع کارکردهای فردی پدید می‌آیند، بدنه اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه آیت‌الله صافی، وحدت جامعه اسلامی، یعنی اعتقاد به خدا، قبله، پیامبر و امام غایب مردم را به تکاپو می‌اندازد تا دست از اختلاف‌ها بکشند و به سوی تشکیل جامعه جهانی گام بردارند. انتظار، زمینه مقاومت در برابر حکومت ظالمان را استحکام می‌بخشد و با تمسک به آن عدالت اجتماعی، عدل و قسط، مساوات اسلامی در جامعه شکل می‌گیرد. در جامعه منتظر ارتداد و عقبگرد به جاهلیت حرام و همین امر سبب بقای جامعه شیعی است.

## منابع

قران کریم

۱. الشریف الرضی، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، محقق: محمد عبده، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.
۳. توسلی، غلام عباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت ۱۳۷۶.
۴. چراغی کوتیانی، اسماعیل، «کارکردهای اجتماعی آموزه انتظار از منظر آیت الله خامنه ای»، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۴۲، ۱۳۹۹.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، موسسه دار الهجره، بی جا، ۱۴۰۹ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، نشر الکتاب، بی جا، ۱۴۰۴ق.
۸. سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۹.
۹. \_\_\_\_\_، فرهنگ نامه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳.
۱۰. شفر، ریچارد، فرهنگ فشرده جامعه شناسی، مترجم: حسین شیران، نشر دیجیتال جامعه شناسی شرقی، ۱۳۹۱.
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، چاپخانه علمیه، تهران ۱۳۸۰ق.
۱۲. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، مصحح: محسن حسینی امینی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد، آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷.
۱۴. صافی، لطف الله، انتظار عامل مقاومت، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۱۵. مامت و مهدویت، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۵.
۱۶. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، مؤسسه حضرت معصومه علیه السلام، قم، ۱۳۷۷.



۱۷. صدر، سید محمد، *تاریخ الغیبه*، درالمعارف، قم، ۱۳۹۶.
۱۸. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۰.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی*، نسل جوان، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۶.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، دار احیاء تراث عربی، بیروت، بی تا.
۲۱. محسنی، منوچهر، *مقدمات جامعه‌شناسی*، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۳.

## نقش اعتقاد به مهدویت بر فرهنگ دینی خانواده در منابع اسلامی،

### با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

حکیمه احسانی<sup>۱</sup>

فاطمه ابراهیم پور بانی<sup>۲</sup>

### چکیده

نقش اعتقاد به مهدویت مبتنی بر فرهنگ مهدوی، دارای قابلیت بیان دیدگاه‌ها و ارائه راه‌حل‌های راهبردی در حوزه‌های متفاوت انسانی و اجتماعی است. تأثیر این اعتقاد بر فرهنگ دینی خانواده در همه جنبه‌های زندگی سیاسی - اجتماعی و فردی به صورت مادی و معنوی، خودش را جلوه می‌دهد و خانواده مهدوی در نظام آرمانی و الهی، به رهبری انسانی کامل و خلیفه الهی، نقشی بی‌بدیل ایفا و زمین را برای ظهور آماده می‌کند تا عدل و حکمت، سراسر عالم فراگیرد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها و اسناد کتابخانه‌ای و بر اساس منابع تاریخی و حدیثی با محوریت آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی تنظیم شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند اعتقاد به مهدویت به لحاظ مادی و معنوی دارای آثاری بر فرهنگ دینی خانواده است که می‌تواند اعضای خانواده را حول محور خود جمع و آنان را یکپارچه کند و به آنان هویت واحد دینی ببخشد. به لحاظ کارکردهای اعتقاد به مهدویت، در مصادیق و شاکله‌های ذیل معنا پیدا می‌کند: بسترسازی مناسب برای نسل آینده، الگوی تربیتی و تربیت اخلاقی، عدالت، پرورش روح امید، استحکام روابط خانوادگی، نام‌گذاری فرزندان، صدقه‌دادن، تقویت ارزش‌های مهدوی در فضاهای آموزش در سبک زندگی منتظران مهدویت.

**واژگان کلیدی:** اسلام، مهدویت، فرهنگ دینی، خانواده مهدوی، آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، ادیان و مذاهب اسلامی، کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات باقرالعلوم علیه السلام و سطح سه

H.Ehsani94@gmail.COM

رشته تاریخ اسلام حوزه علمیه خواران معصومیه علیهم السلام.

۲. دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه خواران، قم.

## مقدمه

«مهدویت» و اعتقاد به آن، یکی از مسائل اساسی جهان اسلام و مکتب تشیع است، به طوری که اعتقاد به منجی آخرالزمان، عقیده‌ای عمومی و مشترک می‌باشد و در همه ادیان، عقیده به ظهور «منجی» وجود دارد. برخی ادیان معتقدند روزی که جهان پر از ظلم و جور شود، او ظهور می‌کند تا در همه عالم قسط و عدل برقرار کند. شناخت منجی آخرالزمان از اهمیت والایی برخوردار است. در مکتب تشیع، باور به وجود و حضور امام مهدی و شناخت ایشان و واجب الاطاعه بودن آن حضرت و واسطه فیض بودن ایشان را راه رسیدن به معرفت پروردگار می‌داند. بر اساس روایات اسلامی و نقل‌های تاریخی، آن «موعود»، هم اکنون «موجود» است؛ لکن از دیده‌ها پنهان و مشخصات او کاملاً روشن و زندگی او بی‌ابهام است. وظیفه و تکلیف همه مسلمانان این است که امام عصر را بشناسند و به حجت‌الاهی معرفت پیدا کنند. مهدویت، یعنی اندیشه‌ای که درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می‌گوید و بر موعود باوری مبتنا داشته باشد. اعتقاد به مهدویت، زمانی بارور می‌شود که این عقیده به طور صحیح و با تبیین جامع، شکل گرفته باشد. از این رو با دلایل علمی و عقلانی و تفکر در آفریده‌های خدا، صفات خدا، رسالت پیامبران و اندیشه در مورد ولایت، به ویژه مهدویت و بررسی آن از دیدگاه اسلامی، بایستی باور خانواده مهدوی را تقویت کرد. اعتقاد به مهدویت و باور به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خانواده و به تبع آن جامعه را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد. پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن بازخوانی اندیشه و مواضع اعتقادی آیت‌الله صافی گلپایگانی، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که با توجه به دیدگاه دین اسلام، اعتقاد به مهدویت با فرهنگ دینی خانواده دارای چه نسبتی است و چه نظریاتی در این زمینه وجود دارد؟ در این مقاله سعی شده به روش توصیفی - تحلیلی براساس منابع تاریخی و حدیثی با محوریت آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی آیات، روایات و دیدگاه و نظام فکری، عقیدتی آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته اللعالی در نقش اعتقاد به مهدویت بر فرهنگ دینی خانواده مورد بررسی و تبیین گردد.

## ۱. ادبیات تحقیق

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، کتاب مستقلی در خصوص تأثیر اعتقاد به مهدویت بر فرهنگ دینی خانواده یافت نشد؛ اما آثاری مربوط به موضوع مقاله پیش رو به رشته تحریر درآمده‌اند؛ از جمله:

۱. «آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت»، اثر نجمه نجم. این پژوهش دارای شش فصل و هر فصل دارای چند گفتار است. برخی از رؤوس مطالب این اثر عبارتند از: مفهوم تربیت، شاخص‌های تربیتی اعتقاد به مهدویت، شیوه امامان برای ترویج فرهنگ مهدویت و جامعه‌پذیری آن.

۲. «خانواده و زمینه‌سازی ظهور»، نوشته محمود ملکی. این کتاب از سه بخش و هر بخش از چند فصل و هر فصل مشتمل بر چندین گفتار است. مباحثی چون تربیت و نقش خانواده، خانواده و انتقال فرهنگ انتظار، ضرورت شناخت امام عصر برخی از عناوین این اثر را تشکیل می‌دهند.

۳. مقاله «مولفه‌های هیجانی و عاطفی اثرگذار مهدویت در تحکیم خانواده»، اثر علی اصغر نوبخت. در این مقاله به عناوینی پرداخته شده است، از جمله مهدویت و کارکرد آن در استحکام خانواده و پرورش روحیه انتظار و باورداشت و اعتقاد به مهدویت.

وجه تمایز مقاله مذکور با موارد ذکر شده، آن است که این مقاله در صدد تبیین باور به مهدویت و رابطه آن با فرهنگ دینی خانواده به صورت خاص و با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام است.

### ۲-۱. مفهوم شناسی

مفهوم شناسی ممکن است بر اساس دیدگاهی که مفهوم در آن تعریف شده است، متفاوت باشد. در فرایند مفهوم‌شناسی به دست می‌آید که هدف از تعریف به طور دقیق، چه بوده است. بنابر این، در پژوهش‌ها مفهوم شناسی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

## ۱-۲-۱. مهدویت

«مَهْدَوِيَّت» واژه‌ای عربی، از ریشه «مهدی» است که از اضافه شدن «ت» به «مَهْدَوِي» ساخته شده است. «مهدوی» به معنای مربوط بودن به مهدی است؛ مانند واژه عَلَوِي و حَسَنِي. «ت» در واژه «مهدویت»، تایی تأنیث می‌باشد و به واسطه حذف شدن موصوف آمده است؛ یعنی در اصل «طریقه مهدویه» یا مانند آن بوده است.<sup>۱</sup> مهدویت، مصدر جعلی مهدی به معنای مهدی‌بودن است. در تعریف اصطلاحی این واژه آمده است که مهدویت از جمله عقاید و اصول مذهب شیعه اثناعشری است. شیعه معتقد است که مهدی، فاطمی است، یعنی از فرزندان فاطمه عَلِیَّهَا السَّلَام، پسر امام حسن عسکری عَلِیَّهِ السَّلَام و دوازدهمین جانشین پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.<sup>۲</sup> کلمه مهدویت، به لحاظ واژه‌شناسی، از ریشه «هَدَى» گرفته شده و مصدر جعلی مهدی (اسم مفعول) به معنای «هدایت شده» است.<sup>۳</sup> اصطلاح «مهدویت» به مکتب‌هایی اطلاق می‌شود که شاخصه اصلی آن‌ها، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و نجات‌دهنده خاصی به نام امام مهدی عَلِیُّهُ السَّلَام است.<sup>۴</sup>

## ۲-۱-۲. فرهنگ دینی

«فرهنگ»، از جمله کلی‌ترین و فراگیرترین مفهوم‌ها در علوم اجتماعی است که تعریف‌های متعددی از آن ارائه شده و در لغت به معنای ادب، دانش، علم و معرفت است.<sup>۵</sup> در اصطلاح علوم اجتماعی گفته شده است: فرهنگ به معنای علم و ادب، آداب و سنن، امور متداول در میان هر قوم و ملت، اعم از علوم، رسوم، آداب و سنن است که آحاد مردم آن قوم به دریافت و عمل به آن‌ها پایبند بودند.<sup>۶</sup> همچنین فرهنگ مجموعه‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و عقاید،

۱. الویری، گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی، ص ۶۱.

۲. تونه‌ای، موعودنامه، ص ۷۱۱.

۳. ر. ک: حسینی، معارف و معاریف: دایرة المعارف جامع اسلامی، ج ۹، ص ۷۱۱.

۴. علیرضا ابراهیم، مهدویت در اسلام و دین زرتشت، ص ۹.

۵. معین، فرهنگ معین، ج ۲.

۶. حسینی، معارف و معاریف: دایرة المعارف جامع اسلامی، ج ۸.

اخلاقیات، مقررات و قوانین، آداب و رسوم است.<sup>۱</sup> فرهنگ دینی؛ رفتار و کنش و واکنش بشر در جهت توحید و پرستش رشد و تکامل عنوان می‌شود. سعی فرهنگ دینی بر این است تا اخلاق و رفتار و مناسک عملی تاریخ بشری را از انحراف و خطا دور نگه دارد. به همین رو، منابع دینی به عنوان ابزار و معیار سنجش صحت و سقم رفتارهای دینداران معرفی شده و پیامبران و امامان علیهم‌السلام با همین ابزار دینی تلاش کرده‌اند تا پرستش خدای متعال را اصلاح و ساماندهی و بشر را از شرک و بت پرستی دور کنند. به همین دلیل، فرهنگ دینی با راهنمایی و سوق دادن مردم به سوی منابع اصیل دینی، در بُعد رفتاری، باید و نبایدهای عملی را رشد و تکامل داده و اشکال پرستش و تعبد را اصلاح کرده است.<sup>۲</sup> همیاری و حمایت معنوی اعضای خانواده از یکدیگر از کارکردهای خانواده مهدوی در جهت فرهنگ دینی است. فرهنگ الهی، انسان را آمیزه‌ای از جسمی خاکی و روان آسمانی می‌داند؛ به طوری که فرهنگ اسلامی تبلور تمام و کمال آن است و هدف آن دستیابی به کمالی است که در تابش نور «وحي» حاصل می‌گردد و ملاک برتری انسان را نیز تقوایی و پایبندی به اصول ثابت اخلاقی و از سویی تمایلات و انگیزه‌های بشری در جهت ولایت الهی رشد و توسعه پیدا می‌کند و این رشد انگیزه و تمایلات نیز توسط منابع دینی، یعنی «کتاب»، «سنت» و «عقل» سرپرستی می‌شوند و معرفت و دانش بشر رشد و تکامل می‌یابد.

### خانواده مهدوی

«خانواده» در لغت به معنای «اهل»، یعنی انس همراه با ویژگی و تعلق و وابستگی است و برای آن، مراتب مختلفی وجود دارد. «آل الرجل»، همان اهل و عیال است و همچنین کسانی که از او تبعیت می‌کنند.<sup>۳</sup> در اصطلاح، خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی ترکیب یافته از حداقل دو انسان و بیش‌تر، با اهداف مشخص و معلومی همچون ارضای نیازهای غریزی، تربیت نسل آینده و

۱. سعیدیان، دائرة المعارف نو، ج ۴.

۲. جماعتی، ماهیت قلمرو و کارکردهای فرهنگ دینی، ص ۵.

۳. مصطفوی، التحقیق فی کلمات قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۶۷.

آرامش‌یابی می‌باشد.<sup>۱</sup> منظور از خانواده مهدوی، خانواده‌ای است که روابط اعضا بر اساس اندیشه دینی و ولایت محوری تنظیم شده و تلاش می‌کند امام زمان خود را بیش‌تر بشناسد و خود را برای ساختن جامعه مهدوی و جهان مهدوی آماده کند.<sup>۲</sup>

### ۳. شخصیت آیت‌الله صافی گلپایگانی

آیت‌الله حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، یکی از مراجع تقلید شیعه در شهر مقدس قم اهل گلپایگان و از شاگردان برجسته آیات عظام: بروجردی، حجت، خوانساری و گلپایگانی بوده و مدتی نیز در نجف اشرف از آیات: محمدکاظم شیرازی و محمدعلی کاظمی بهره برده است. ایشان سالیان متمادی در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق و تألیف آثار گوناگون فقهی، کلامی و حدیثی پرداخته است. از فعالیت‌های ایشان در عرصه‌های علمی و فرهنگی تربیت شاگردان فاضل و تألیف آثاری مفید در حمایت از ولایت و مهدویت و اجتهاد فقهی و نصایح دلسوزانه و هدایت مسلمین و عضویت در شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری است. آثار و تألیفات آیت‌الله صافی گلپایگانی، حدود هشتاد اثر فارسی و عربی به چاپ رسیده است؛ از جمله کتاب منتخب‌الاثار درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الترتیب که به توصیه آیت‌الله بروجردی آن را نگاشته است. آیت‌الله صافی گلپایگانی در دوازدهم بهمن سال ۱۴۰۰ شمسی در ۱۰۳ سالگی در شهر مقدس قم درگذشت و طبق وصیتش در حرم امام حسین علیه السلام در کربلای معلّاً دفن شد.

### ۴. مهدویت در قرآن و ضرورت شناخت امام عجل الله تعالی فرجه الترتیب

آن چه ضرورت پرداختن به این مبحث مهم را دو چندان می‌کند، اهمیت و ضرورت اعتقاد به مهدویت در اسلام و مهدویت از دیدگاه قرآن است که در این پژوهش ابتدا مورد بررسی قرار گرفته است و در ادامه ضرورت شناخت امام نیز بیان می‌گردد. هر چند مسئله مهدویت به صراحت در قرآن نیامده است، در کتاب معجم احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الترتیب، محققان، برخی آیات قرآن کریم

۱. نیلی پور، خانواده‌های مهدوی، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۵۳-۵۵.

را به موضوع مهدویت مرتبط دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

مفسران شیعه دو دسته از آیات قرآن را برای مسئله مهدویت بیان کرده‌اند.

۱. آیاتی که بر ضرورت وجود امام تأکید دارند: از دیدگاه قرآن، خداوند برای هر امتی فردی را انتخاب کرده است تا آن‌ها را هدایت کند: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ و برای هر جامعه راهنمایی هست.<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمود: «در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است، هدایت می‌کند».<sup>۳</sup>

۲. آیاتی که به حکومت صالحان و مؤمنان بر روی زمین بشارت می‌دهند:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در زبور بعد از ذکر [= تورات] نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث حکومت زمین خواهند شد.<sup>۴</sup> و «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.<sup>۵</sup> روایات فراوانی این آیات را به مسئله ظهور و مهدویت نسبت داده‌اند. در آیه‌ای دیگر خداوند حکومت و جانشینی مؤمنان و صالحان را به عنوان وعده الهی بر بندگان مؤمن خود بیان می‌کند و امنیت و آرامش را مژده می‌دهد: «خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و ترسشان را به آرامش و امنیت مبدل می‌کند؛ آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من

۱. جمعی از محققین، معجم احادیث امام مهدی، ج ۵.

۲. رعد: ۷.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵.

۴. انبیاء: ۱۰۵.

۵. قصص: ۵.



نخواهند کرد و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقانند.<sup>۱</sup> روایات صادر شده از امامان شیعه، این آیه را بر امام زمان و اصحاب او منطبق کرده‌اند.<sup>۲</sup>

در آثار مفسران شیعه، با استناد به سخنان اهل بیت علیهم‌السلام و قرآن، درباره ویژگی‌های عصر غیبت و همچنین نشانه‌های عصر ظهور و دوران پس از آن سخن گفته شده است. قرآن کریم درباره مقام و منزلت منتظران در عصر غیبت<sup>۳</sup>، صبر و ارتباط قلبی<sup>۴</sup>، اطاعت محض<sup>۵</sup> و امتحانات بسیار دشوار آن‌ها<sup>۶</sup> و وضعیت سخت زندگی منتظران<sup>۷</sup> و پاداش بر این دشواری‌ها نکاتی بیان می‌کند.<sup>۸</sup> قرآن در آیه ۴۶ سوره ابراهیم به توطئه‌هایی اشاره می‌کند که با هدف تضعیف اعتقادات مردم انجام می‌شوند. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی، این آیه را به تلاش دشمنان در عصر غیبت برای زایل کردن اعتقاد مردم به مسئله مهدویت تفسیر کرده است.<sup>۹</sup> مسئله اختلاف مردم درباره اعتقاد به مهدویت<sup>۱۰</sup> و همچنین سرگردانی مردم در تشخیص حق<sup>۱۱</sup> و قساوت دل‌ها<sup>۱۲</sup> و انکار و تکذیب امام زمان در عصر غیبت و نیز این نکته که افراد در عصر غیبت<sup>۱۳</sup> در ایمان خود ثابت نمی‌مانند، مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و نسبت به ما اهل بیت تسلیم

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵).

۲. فرزی، امید سبز: گل واژه‌هایی پیرامون شیعه و آقا حضرت مهدی علیه‌السلام، ص ۳۴.

۳. بقره: ۳-۱.

۴. آل عمران: ۲۰۰.

۵. نساء: ۵۹.

۶. بقره: ۱۵۵.

۷. یوسف: ۱۱۰.

۸. نساء: ۶۹.

۹. عیاشی: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۱۰. سوری: ۱۸.

۱۱. یونس: ۵.

۱۲. حدید: ۱۶.

۱۳. فرقان: ۱۱.

باشد؛ از جمله موضوعاتی است که مفسران شیعه در مورد آن‌ها به آیات مختلفی در قرآن کریم استناد می‌کنند.

مراد از اعتقاد به مهدویت، باور به وجود و حضور حضرت مهدی و شناخت ایشان است؛ بدین‌گونه که ایشان را واجب‌الاطاعه و واسطه فیوض الاهی و راه رسیدن به معرفت‌الله بدانیم و در راه هدایت و تربیت فردی و اجتماعی خود بر اساس مبانی اسلام کوشا باشیم.<sup>۱</sup> بدون شك معرفت امام زمان بر حسب دلایل محکم عقلی و روایات معتبر، یکی از مهم‌ترین مسایل اسلامی است که در تمام ادوار و اعصار مورد توجه است و بُعد سیاسی آن در نظام حکومتی اسلام نقش تعیین‌کننده دارد.

اندیشه مهدویت و عقیده به آن در تاریخ اندیشه اسلامی، اعتقادی و کلامی است و از اهمیت بسیاری برخوردار است. منظور از نقش اعتقاد به مهدویت، آموزه‌های اعتقادی دینی مبتنی بر فرهنگ مهدوی است که در عصر پیش از غیبت، عصر ظهور و انتظار توانایی و قابلیت بیان نظر و ارائه راه حل‌های راهبردی در حوزه‌های متفاوت انسانی و اجتماعی را داراست؛ به گونه‌ای که می‌توان در نظام فکری مسلمانان، آن را شاخص انسجام بخش و سامان‌دهنده قرارداد تا در بسیاری از اظهارنظرها و ارائه‌الگوهای فکری حضور داشته باشد و مسلمانان را به صحت عمل سوق دهد. اعتقاد به مهدویت از زمانی بارور می‌شود که این عقیده به طور صحیح و با تبیین جامع، شکل بگیرد.<sup>۲</sup>

با توجه به ضرورت شناخت امام، یکی از وظایف مهم همه خانواده‌ها در تربیت مهدوی فرزندان و نوآموزان به منظور زمینه‌سازی برای ظهور و آشناکردن آن با فرهنگ مهدویت، لازم است اولاً، خانواده خود با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنایی و شناخت کافی داشته باشد؛ ثانیاً، فرزندان را با این آموزه‌ها آشنا و آن را در این زمینه تربیت کند. خانواده باید در این زمینه گام به گام با

۱. حرعاملی، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات من الامام الثانی العشر، ص ۴۹۸ و ۴۹۹ و نجم، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، ص ۲۲ و ۲۳.

۲. نجم، همان، ص ۲۵ و ۲۶.

فرزندان حرکت کند و بر معرفت آنان به امامت بیفزاید.<sup>۱</sup> خانواده‌ای که به مهدویت اعتقاد راسخ داشته باشد، قطعاً در نهادینه‌سازی فرهنگ دینی مهدوی موفق‌تر خواهد بود؛ چنان‌که حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: «من مات و هو عارفٌ لأمامه، لم یضّرّه تقدّم هذا الأمر او تأخر...؛ هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خویش را می‌شناسد، برای او ضرری ندارد که این امر [= ظهور امام زمان] جلو بیفتد یا به تأخیر افتد».<sup>۲</sup>

فرهنگ مهدویت قبل از آن‌که به نجات و رستگاری بشر در آینده مربوط باشد، به زمان حال جوامع، به ویژه جامعه شیعی مربوط است. در آموزه‌های شیعی آمده است که خداوند در هر عصری، امامی برای مردم تعیین می‌کند و ایمان و اسلام فرد جز از طریق شناخت او و اقرار و التزام به امامتش، پذیرفته نخواهد بود. بدون این امر، رهایی از پیامدهای مرگ، به سان پیامدهای مرگ در دوران جاهلیت، ممکن نیست. پس باید به فرزندانمان پیام‌آموزیم امام مهدی کیست و چه نقشی در زندگی ما دارد. هدفی که در انتقال فرهنگ مهدویت و انتظار به دنبال تأمین آن هستیم، سعادت فرد در دنیا و آخرت است.

## ۵. کارکرد اعتقاد به مهدویت بر فرهنگ دینی خانواده

برای بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در خانواده، لازم است ابتدا به ابعاد گوناگون کارکرد باور به مهدویت اشاره شود: اعتقاد به مهدویت از دو جهت مادی و معنوی بر فرهنگ دینی خانواده تأثیرگذار است و زمانی که این عقیده به طور صحیح و با تبیین جامع، در خانواده شکل بگیرد خانواده مهدوی خواهد بود. چنین خانواده‌ای آرمانی و معنوی است؛ زیرا علاوه بر داشتن همه ارزش‌های انسانی اخلاقی و نقاط مثبت، از نقاط منفی آنان اجتناب می‌ورزد و در واقع به دو موضوع خدا محوری و امام محوری توجه ویژه دارد و در خانه و خانواده رنگ و بوی توجه و عشق و عرفان و اطاعت از خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ملاحظه می‌گردد.<sup>۳</sup>

۱. ملکی‌راد، خانواده و زمینه‌سازی ظهور، ص ۱۶۸ تا ۱۷۳.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

۳. نیلی‌پور، خانواده‌های مهدوی، ص ۵۳.

## ۵-۱. نقش معنوی اعتقاد به مهدویت در فرهنگ دینی خانواده

### ۵-۱-۱. بسترسازی مناسب برای نسل آینده

اصلی‌ترین اهداف فرهنگ مهدویت به نسل معاصر، شناساندن کاستی‌های وضعیت موجود و جلوگیری از رضایت به حال کنونی جامعه است. نسل جدید بعد از شناخت کاستی‌های وضعیت موجود، تلاش می‌کند وضعیت ایده‌آل بشری را برای جهانیان طبیعی کند و تبیین وضعیت ایده‌آل برای جهانیان، باعث پیدایش شوق و رغبت در آنان به تحقق چنین وضعیتی خواهد شد. پیدایش این اشتیاق جهانی، یکی از مقدمات ظهور مهدی موعود است؛ در غیر این صورت، امام مهدی باید بیش از نیمی از مردم جهان را سرکوب کند که این، با هدف ظهور آن حضرت همخوانی ندارد.

از اساسی‌ترین نقش‌های باور به مهدویت، بسترسازی مناسب نسل جدید خانواده با فرهنگ مهدوی است. همان‌طور که گیاه در بستر مناسب جوانه می‌زند و رشد می‌کند و پرورش آن، بدون فراهم کردن آب و خاک و هوای مناسب ممکن نیست؛ پرورش نسل نو و تربیت نو منتظران ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه بدون بذریاشی در بستر مناسب و فضای سالم ممکن نخواهد بود. بذر اندیشه مهدویت و فرهنگ انتظار، برای جوانه‌زدن در وجود آدمی، به بستری فضایی مناسب نیازمند است تا رشد و نمو کند؛ در وجود آدمی، ریشه بدواند و به درخت پر میوه انتظار پویا تبدیل شود؛ در غیر این صورت، امر تربیت، با موفقیت کم‌تری همراه خواهد بود و اگر فضای تربیتی ما، فضای تربیت مهدوی نباشد، شناساندن فرهنگ انتظار به افراد در این فضا مانند شنا کردن بر خلاف جریان آب است. کسانی هم که به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه ایمان دارند، خصوصاً اگر روایات و احادیثی را که از طرق شیعه روایت شده، خوانده باشند؛ باید در اطاعت اوامر خدا و اجرای تکالیف شرعی از دیگران کوشاتر و غیرت و همت و اهتمام آن‌ها در حفظ نوامیس شرع و حمایت از قرآن و احکام و دفاع از حریم اسلام و مجد و عظمت مسلمین بیش‌تر باشد.

### ۵-۱-۲. تربیت دینی

از کارکردهای اعتقاد به مهدویت در تربیت دینی فرزندان در خانواده‌ها، برگزاری مجالس

جشن و سرور در ایام ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، که از عوامل مؤثر بر برانگیختن عواطف و احساسات افراد در خانواده‌ها می‌باشد. برگزاری چنین مجالسی می‌تواند در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی نقش ایفا کند. انتقال فرهنگ مهدویت به افراد تنها از روش عملی ممکن است از طریق گره‌زدن فرهنگ انتظار با علایق آن‌ها میسر گردد. فضا سازی تربیت مهدوی در منزل باید حاکم باشد؛ یعنی فرزندانمان باید پابندی به ارزش‌های انتظار را در خانه لمس کنند. در غیر این صورت، فرهنگ انتظار بدون پابندی والدین به لوازم این فرهنگ در وجود افراد خانواده شکوفا نخواهد شد.

از منظر آیت‌الله صافی، حضرت ولی عصر، از جانب خدا، ولی امر و حاکم و خلیفه است و بر اموال و نفوس مردم دارای اولویت است و بر اداره امور و کارها و احقاق حقوق و دفع و رفع ظلم و اجرای احکام و سیاست و برقرار کردن عدالت در بین مردم و حفظ نظام و تأمین امنیت و آسایش خلق و عمران زمین و فراهم کردن وسایل ترقی و تعالی برای همگان، ولایت دارد. امر، امر او و فرمان، فرمان اوست.<sup>۱</sup> جامعه‌ای که چنین اعتقادی به ولی امر مسلمین داشته باشد، یقیناً بر تربیت دینی افراد آن جامعه تأثیرگذار است. برداشت‌های نادرستی که از زهد و قناعت و توکل و دعا و زیارت و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام و انتظار ظهور و فرج و ثواب بسیاری از دعاها و اعمال نیک و آثار توبه و سایر این‌گونه اصطلاحات و اعمال مذهبی می‌شود و بعضی به اصطلاح روشنفکر، آن‌ها را به مذهبی‌ها نسبت می‌دهند؛ هیچ وقت واقعی نبوده است و سبب ایستایی جامعه و رکون و رکود و غرور نمی‌گردد و عرف اجتماع مذهبی، همه را در جای خود شناخته است و اگر هم افرادی دیده شوند که این اصطلاحات را به مفهوم واقعی آن‌ها شناخته باشند، معدودند و بر برداشت آن‌ها نمی‌توان داوری کرد. این اصطلاحات همه در نظام تربیتی اسلام جایگاه ویژه و مفهوم خاص خود را دارند.<sup>۲</sup> هدف اسلام ساختن انسان الاهی است، نه انسان مال دوست و نه انسان مقام‌پرست و نه انسان برده ماشین و تکنولوژی و سایر مظاهر مادی،

۱. صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۲۲.

۲. همان، منتخب الاثر، اثری ماندگار درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۳، ص ۳۹۷.

بلکه هدف انسانی است که همه این‌ها را به طور صحیح و مشروع به خدمت کمال انسانی خود بگیرد؛ به طوری که همه مظاهر زندگی او وجهه الهی داشته باشد.

### ۳-۱-۵. الگوی تربیتی و تربیت اخلاقی

از ابعاد مهم نقش اعتقاد به مهدویت بر فرهنگ دینی خانواده، ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و تربیتی در فرد است. خانواده‌ای که منتظر امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى است، به الگو قراردادن امام و تأثیر بر مسیر زندگی خود توجه بیش‌تری دارد تا طبق خواست و رضایت امام عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى حرکت کند. این خود، عامل مؤثری برای کسب فضایل اخلاقی برای منتظران و نشانه‌ای از خودسازی و تربیت اخلاقی متأثر از اندیشه مهدویت و عنصر انتظار است که از آن، به «جامعه‌پذیری سیاسی» یاد می‌کنند. توجه و شناخت ویژگی‌های یاران امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى سبب می‌شود خانواده در تربیت فرزندان به آن اهتمام ورزد و با شناخت آن خصوصیات و ویژگی‌ها، در ایجاد ملکه تقوا و در تهذیب نفس و خودسازی در خود و دیگران، تلاش کند. به این امر، در روایات نیز توجه داده شده است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، از جمله اوصاف یاران امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى را پرهیزکاری و خُلق نیکو دانسته است.<sup>۱</sup> نقش اعتقاد به امامت و باور به ظهور امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى می‌تواند برای خانواده به منظور تربیت اخلاقی و خودسازی، انگیزه لازم ایجاد کند. برای تحقق این راهبرد، یعنی رسیدن افراد به سطح اخلاقی و تربیتی مطلوب، قبل از هر چیز باید بر الگوی تربیتی افراد خانواده تأکید کرد؛ زیرا خانواده بیش‌ترین نقش را در تربیت اخلاقی اعضای خود بر عهده دارد.

### ۴-۱-۵. عدالت اجتماعی

اعتقاد به مهدویت سبب تحقق «عدالت اجتماعی» در خانواده و در جامعه می‌شود؛ به طوری که از وظایف اخلاقی خانواده در قبال فرزندان رعایت عدالت و مساوات بین آن‌هاست. هدف از حکومت مهدوی، استقرار عدالت در جهان معرفی شده است. رسول اکرم می‌فرماید: «همچنان که از حقوق تو بر فرزندان آن است که به تو نیکی کنند؛ از حقوق آنان بر تو آن است که عدالت

۱. نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰.

را بین آن‌ها رعایت کنی.»<sup>۱</sup> امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «در حکومت او [= امام مهدی] هر گونه جور و ستم برچیده و زمین از ستمگران پاکیزه می‌شود و او با عدالت فرمانروایی می‌کند و در حکومت او هیچ کس به حقوق دیگری تعدی نمی‌کند.»<sup>۲</sup> امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «اعلموا أن الله یحیی الارض بعد موتها»؛ می‌فرماید: «خداوند زمین را با مردانی زنده می‌کند که یاوران مهدی در اجرای عدالت هستند.»<sup>۳</sup> در جامعه مهدوی، برچیده شدن یکسره ظلم وصفی حقیقی است که در سایه امنیت حاصل از برکت وجودی آن حضرت محقق خواهد شد. طبق روایات، رعب و وحشت در سایه عدل و قسط آن دادگستر بزرگ محو و نابود خواهد شد.<sup>۴</sup>

عدالت در جامعه مهدوی، با عدالت در دیگر جوامع، تفاوت ماهوی دارد؛ چنان‌که عدالت از ویژگی جامعه مهدوی شمرده می‌شود و هدف حکومت مهدوی، استقرار ارزش‌های الهی و حاکمیت ارزش‌های وحیانی است. از آن جا که آیت‌الله صافی، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و اتحاد را از ویژگی‌های جامعه مهدوی بر شمرده است؛ و این ویژگی‌ها، تنها در جامعه مهدوی اتفاق می‌افتد. نکته اساسی و مورد توجه این است که عدالت اجتماعی در جامعه مهدوی تفاوت‌های ظاهری با دیگر جوامع دارد و این دو دسته جوامع از لحاظ ماهوی نیز با هم تفاوت دارند. تفاوت عدل در جامعه مهدوی با عدل در جوامع دیگر آن است که عدالت مهدوی، در ارزش‌های وحیانی ریشه دارد و عدالت در جوامع دیگر، ریشه در ذوق و سلیقه و ارزش‌های خودساخته بشری و مقبولیت عامه ریشه دارد. بسیاری از جوامع با ادعای دموکراسی و با هر نوع ساختار حکومتی، ادعای عدالت دارند؛ اما اجرای عدالت به معنای واقعی جز در حکومت مهدوی محقق نخواهد شد. عدالت واقعی، زمانی محقق می‌شود که حاکمیتی بر مبنای ارزش‌های وحیانی و الهی شکل گرفته باشد. عقیده به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع؛ یعنی عقیده به مساوات و برابری انسانی و اسلامی که معتقد به مساوات باید آن را در ایام غیبت ایشان، در هر

۱. متقی الهمدی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۱۶، ص ۴۴۶.

۲. مفید، ترجمه الارشاد شیخ مفید، ص ۳۸۴.

۳. موسوی گیلانی اصفهانی، دکترین مهدویت، ج ۱، ص ۸۱.

۴. صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ص ۴۷۸.

سطحی که ممکن است، اجرا کند؛ در خانواده، کوی و محله، شهر و مملکت، مطب دکتر، دکان نانوايي و گوشت فروشی، مسجد و اداره، خرید و فروش، محل کار و پیشه، همه جا، حتی در سلام و تواضع، مساوات اسلامی را باید اجرا کند.<sup>۱</sup>

### ۵-۱-۵. پرورش روح امید

نقش شگفت‌انگیز امید به آینده در سعادت و موفقیت فرد و خانواده برکسی پوشیده نیست. رسول گرامی می‌فرماید: «اگر امید نبود، مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و کسی درختی نمی‌کاشت.»<sup>۲</sup> امید جریانی پویا و زنده است و راكد نیست لذا سکون را توصیه نمی‌کند. امید نور و تلاش و استحکام و تعالی را به خانواده‌ها و جامعه عرضه می‌کند. اعتقاد به رهبری امامی که آرمان‌های حقیقی انسان را لباس واقعیت می‌پوشاند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس این مقصد را شناخته باشد، برای او به واسطه انتظارش فرج حاصل شده است».<sup>۳</sup>

از کارکردهای اعتقاد به مهدویت، آموزه‌های اعتقادی دینی مبتنی بر فرهنگ مهدوی است که در عصر پیش از غیبت، عصر ظهور و انتظار، توانایی و قابلیت بیان نظر و ارائه راه حل‌های راهبردی در حوزه‌های متفاوت انسانی و اجتماعی را داراست؛ به گونه‌ای که می‌توان در تفکر و نظام فکری مسلمانان، آن را شاخص انسجام بخش و سامان دهنده قرار داد تا در بسیاری از اظهارنظرها و ارائه الگوهای فکری حضور داشته باشد و مسلمانان را به صحت عمل سوق دهد. تأثیرات اعتقاد به مهدویت، از زمانی بارور می‌شود که این عقیده به طور صحیح و با تبیین جامع، شکل گرفته باشد.<sup>۴</sup>

چنان‌که آیت‌الله صافی رحمته الله علیه بیان می‌کند، عقیده به مهدویت و انتظار ظهور موعود آخرالزمان، علاوه بر آن‌که عقیده به واقعیت و عقیده به وعده حتمی و تخلّف‌ناپذیر الهی است؛ نور امید و

۱. صافی‌گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲. پاینده، نهج الفصاحه: کلمات قصار حضرت رسول، ص ۱۸۹.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۴. نجم، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، ص ۲۵ و ۲۶.



آینده‌نگری را مؤکد می‌سازد و از برکاتش این است که منتظران را در راه یاری حق و دین خدا و امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و زور و تسلیم نشدن در برابر باطل قوت می‌بخشد و جبهه اسلام را در مقابل کفر، چنان می‌سازد که نومیدی از فتح و پیروزی در آن مفهومی نداشته باشد. غرب زدگی یا شرق زدگی وقتی چیره می‌شود که ما از خود و مکتبمان ناامید شده باشیم و اصالت‌ها و سرمایه‌هایی را که داریم، کارساز ندانیم. آنان که علیه عقیده مهدویت، تبلیغات سوء و سم‌پاشی می‌کنند، می‌خواهند این موضع و سنگر را از مسلمانان بگیرند تا به آسانی مقلد بیگانگان و پذیرای عادات و تلقینات سوء آنان شوند. تا زمانی که جامعه‌ای اعتماد به نفس خود را از دست ندهد و از خود و مکتبش ناامید نشود، وابستگی فکری به بیگانگان پیدا نخواهد کرد، و اگر هم تحت سلطه سیاسی و نظامی آن‌ها واقع شد، می‌کوشد زنجیرهای سلطه بیگانه را پاره کند؛ اما اگر احساس حقارت کرد، اگر اندیشه و ایمانش شکست خورد، و اگر مکتب و راه دیگران را قوی‌تر و سازنده‌تر از راه و مکتب خود شناخت و آن‌ها را به عنوان الگو انتخاب و ترقی را در تقلید از آن‌ها گمان کرد؛ خود و ایدئولوژی‌های مکتبی خود را به فراموشی خواهد سپرد.<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین می‌فرمایند:

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید؛ زیرا محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خدای عزوجل انتظار فرج است. انجام‌دهنده فرمان ما در بهشت با ما خواهد بود و کسی که منتظر فرج باشد، همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده باشد.<sup>۲</sup>

تربیت خانواده بر اساس آموزه‌های مهدوی، بسترساز مناسبی خواهد شد تا اعضای خانواده با امیدی پر برکت و سازنده، ایمان زا و جهت بخش و آرمان ساز و شورآور مجاهد پرورش یابند. بهره‌مندی از آموزه‌های مهدوی در محیط خانواده باعث نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده دو رو نزدیک خواهد شد و لازمه آن سلامت روان و مانع ابتلا به ناامیدی و یاس است. مطلوب

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، اثری ماندگار درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ج ۲، ص ۲۲۹.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۴.

اندیشی در اوضاع و احوالی که ابرهای تیره و تاریک بدبینی، افق تاریک و محکمی را ترسیم می‌کند، نوعی ضرورت است. اندیشه مهدویت، آینده‌ای درخشان و سعادت‌مندانه انسان‌ها را نوید داده است. خانواده‌های مهدوی با اعتقاد به مهدویت و انتظار صبح سپید، در افق‌های دور، نشانه‌های ساحل نجات می‌بینند و از فراگیر شدن ظلم و ستم در جهان پرآشوب، دچار یاس و ناامیدی نمی‌شوند. این ویژگی باعث می‌شود خانواده‌های مهدوی به آینده توجه بیش‌تری داشته باشند که امید به آینده هم‌زاد انسان است و اگر امید را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون و مرگ و تزلزل نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

آیت‌الله صافی گلپایگانی در این زمینه می‌فرماید:

اعتقاد به مصلح جهانی به خانواده می‌آموزد امیدوار باشد؛ چون حکومت ایشان جوامع جهان را به سوی جامعه‌ای واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه تعاون و همکاری و همبستگی همگانی و حکومت حق و عدل جهانی، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران و خلافت را در بر دارد.<sup>۲</sup>

عقیده انتظار در معنای عامش که فراگیر تمام مسلمین است و در معنای خاصش که شیعه به آن معتقد است، این حالات و خودباختگی‌ها را نفی می‌کند و مسلمانان را به بازگشت به اسلام و تمسک به وحدت اسلامی و ریشه کن کردن نفوذ بیگانه و تنفر از کفر و الحاد دعوت می‌کند. مسلمان اگرچه به ظاهر خلع سلاح شده و قوای مادی خود را نسبت به دشمن ضعیف‌تر ببیند، هرگز احساس حقارت نمی‌کند و میدان جهاد و تلاش را ترک نمی‌کند و خود را از کفار برتر می‌داند.<sup>۳</sup> با اعتقاد به مهدویت، در خانواده ارزش‌های اخلاقی، نظیر ایمان، تقوا، صبر و تحمل، شجاعت و فداکاری، امیدواری و تکامل روحی در خانواده به وجود خواهد آمد.

۱. پاینده، نهج الفصاحه: کلمات قصار حضرت رسول، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر اثری ماندگار درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۲، ص ۱۹.

۳. همان، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۳۱.

## ۶-۱-۵. صبر و استقامت

هرگز در يك خبر و روایت نیز نرسیده است که کارها را به آینده و ظهور مهدی واگذارید؛ بلکه به عکس، مسلمانان در اخبار و احادیث به صبر و ثبات و کوشش و استقامت و شدت تمسک به تعلیمات و برنامه‌های قرآن تشویق شده‌اند.<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

بر انجام دادن واجبات، صبر و بر اذیت دشمنان، سفارش به صبر و مقاومت کنید و منتظر امامتان، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشید. «همچنین فرمودند: «... بر بلاها صبر کنید، دستان و شمشیرتان را در پشت زبانتان به حرکت در نیاورید و در آنچه خداوند برای شما عجله نمی‌کند، عجله نکنید. پس اگر کسی از شما در رختخوابش بمیرد، در حالی که حق پروردگار، پیامبر و اهل بیتش را شناخته باشد؛ شهید مرده است و اجرش بر عهده خداوند است و مستوجب ثواب صالحان می‌شود».<sup>۲</sup>

## ۵-۲. نقش مادی اعتقاد به مهدویت در فرهنگ دینی خانواده

### ۵-۲-۱. استحکام روابط خانوادگی

اسلام برای حفظ و مهرورزی و استحکام بنیان خانواده اهمیت خاصی قائل شده است. مقصود از استحکام خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. اهمیت پرداختن به موضوع استحکام خانواده و روابط خانوادگی، در اهمیت نهاد خانواده ریشه دارد. از کارکردهای اعتقاد به مهدویت، استحکام روابط خانواده و اظهار محبت در بین افراد است. در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «دوستی اولیای خدا واجب، ولایت آن‌ها لازم و بیزاری از دشمنان آن‌ها واجب است».<sup>۳</sup> همچنین فرمودند: «دروغ می‌گویند کسی که

۱. همان، ج ۳، ص ۲۴۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۰۴.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲۷، ۵۲.

مدعی است ما را دوست می‌دارد؛ ولی از دشمنان ما بی‌زاری نمی‌جوید.»<sup>۱</sup>

## ۵-۲-۲. نام‌گذاری فرزندان

از کارکردهای مؤثر اعتقاد به مهدویت، توجه خانواده هنگام انتخاب اسم برای فرزندان و نام‌گذاری آن‌ها به نام و القاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به دلیل محبت و ارادت به آن حضرت است، مانند مهدی، صاحب و حجت. این‌گزینه‌ش القاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای فرزندان در اعتقاد به مهدویت و مبانی اعتقادی آن‌ها ریشه دارد. امام سجاد علیه السلام فرمود: «کسی که بر ولایت ما در غیبت قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف ثابت قدم باشد، خداوند عزّو جل، اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او می‌دهد.»<sup>۲</sup> آیت‌الله صافی گلپایگانی در مورد استفاده از نام امام زمان برای فرزندان بیان می‌کند که حق تعیین نام با پدر است و پدر هم باید توجه داشته باشد که یکی از حقوقی که فرزند بر پدر دارد، این است که اسم خوب برای او انتخاب کند، مانند عبدالله و عبدالرحیم و عبدالرحمن و یا اسم یکی از انبیا و یا اسم یکی از ائمه علیهم السلام و بهترین اسم بین اسامی انبیا اسم مبارک خاتم الانبیا، یعنی محمد است. البته اگر مادر هم اسامی اسلامی را پیشنهاد می‌کند، خوب است که پدر با او توافق کند و منازعه نکند.

## ۵-۲-۳. صدقه‌دادن به قصد سلامتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

از کارکردهای اعتقاد به مهدویت، صدقه‌دادن خانواده‌ها برای سلامتی حضرت حجت است. بدون شک، آن حضرت، بی‌نیاز از آن است که منتظران، برای سلامتی‌اش صدقه بدهند؛ اما از نشانه‌ها و علایمی که گویای ابراز ارادت و اعلام تبعیت از آن حضرت است، صدقه‌دادن به نیابت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل شده است:

هیچ بنده‌ای ایمان نیاورد، مگر آن که من، نزد او، از خودش محبوب‌تر باشم، و خاندانم، از خاندانش، نزد او محبوب‌تر باشند، و عترت من، نزد او، از عترت

۱. همان، ص ۵۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۳.

خودش محبوب‌تر باشند، و ذات من، از ذات خودش، نزد او محبوب‌تر باشد.

خانواده مهدوی به دلیل اعتقادی که به مهدویت دارد، برای سلامتی و ظهور امام عصر اهتمام می‌ورزد و از سویی برای این‌که در رفتار و گفتارش فرهنگ دینی مهدوی شکل بگیرد، زندگی‌اش را مطابق اهداف مهدویت جهت می‌دهد. بنابراین، کار و زحمت و پرداختن به انواع مشاغل حلال برای توسعه بر عائله و بی‌نیازی از دیگران و هدف‌های عالی‌تر، مثل رسیدن جامعه مسلمان به خودکفایی و رفع وابستگی اقتصادی به کفّار نه تنها ممنوع نیست؛ بلکه از عبادات و طاعات بزرگ است. خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: «عزّت مخصوص خداوند و پیامبرش و مؤمنان است.»<sup>۱</sup> بدیهی است یکی از موجبات مهم عزّت و حفظ شرافت، استقلال اقتصادی و خودکفایی در همه شعب زندگی است؛ چنان‌که از عوامل مهم ذلّت، فقر و احتیاج به بیگانه است و باید هر مسلمانی برای مبارزه با این ذلّت و حفظ آن عزّت، هرچه در امکان دارد، تلاش کند.<sup>۲</sup> دوره حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اوج ایمان انسان به خداوند خواهد بود. انسان مؤمن، مال و صدقه‌ای برای سلامتی امام عصر خود در نظر می‌گیرد تا عزت و شرافت خود را نزد خداوند و ائمه اطهار حفظ کند و ارادت خود را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان دهد.

### ۵-۲-۴. تقویت ارزش‌های مهدوی در فضاهای آموزش

در نظام اسلامی، فضاهای آموزشی علاوه بر انتقال دانش، در پرورش همه جانبه جامعه، جهت ارتقای سطح افکار و عقاید احاد مردم نقش مؤثری دارند. از کارکردهای اعتقاد به مهدویت این است که در فضاهای آموزشی (مراکز نگهداری کودکان و دبستان‌ها و مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها و حتی دانشگاه‌ها) عطر و بوی فرهنگ مهدویت عملاً وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، اثر مثبت فضای منزل را از بین خواهد برد.

مهم‌ترین مسئله در این مرحله، لزوم هماهنگی نظام آموزشی با نظام ارزشی است. متون آموزشی مراکز علمی، باید با فرهنگ اسلامی همخوانی داشته باشند؛ در غیر این صورت، تربیت

۱. منافقون: ۸.

۲. صافی‌گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۳۹۶.

همسو با فرهنگ اسلامی، بسیار سخت و غیرممکن خواهد بود. عمده‌ترین چالش‌های پیش روی جوانان، انتقال فرهنگ انتظار در این گروه‌ها و ایجاد نیاز در آنان است و پرسش‌هایی که در ذهن‌شان ایجاد می‌شود، تنها از طریق گفت‌وگو مهدویت، قابل حل است. معتقد بودن به مهدویت بسیاری از این چالش‌های درون خانواده و به تبع آن جامعه را حل می‌کند. آشنا کردن جوانان با اندیشه مهدویت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. متولیان امور دینی در حوزه‌های علوم دینی، آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشگاه‌ها لازم است با تهیه درسنامه‌های متناسب با سن و باحال و هوای جوانی در صدد استحکام بنیان‌های فکری آنان برآیند و از سطحی‌نگری و کم‌عمقی این گروه سنی جلوگیری کنند.<sup>۱</sup> در انتقال فرهنگ مهدویت به این گروه، کافی است که چالش‌ها را برطرف کنیم و این مهم از طریق نوشتن کتاب‌ها و مقالات علمی و مطمع نظر قرار دادن سوال‌ها و شبهات جدیدی که در عرصه مهدویت و آخرالزمان مطرح شده است، حاصل می‌شود.

### نتیجه‌گیری

اعتقاد به ظهور منجی عالم، از اعتقادات مسلمانان و ضروری همه ادیان الهی، از جمله دین اسلام است. از ارزشمندترین و سرنوشت‌سازترین سرمایه‌های دینی - معنوی، اجتماعی و سیاسی؛ اعتقاد به مهدویت و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی است. باور به مهدویت می‌تواند اعضای خانواده را حول محور خود جمع کند و برای تحقق هدفی مشخص، که داشتن جهانی پر از عدل و داد است؛ آنان را به صورت یکپارچه در آورد و به آنان هویت واحد دینی دهد. نقش اعتقاد به مهدویت بر فرهنگ دینی خانواده از دو جهت تأثیرگذار است: از جهت مادی و از منظر معنوی تا خانواده‌های مهدوی، به مباحث مهدویت اشتیاق بیش‌تری نشان دهند و در مسیر زندگی‌شان معتقدتر و با ایمان‌تر شوند. بسترسازی مناسب برای نسل آینده، الگوی تربیتی و تربیت اخلاقی، عدالت اجتماعی، پرورش روح امید و استحکام روابط خانوادگی استفاده از القاب

۱. ملکی‌راد، خانواده و زمینه‌سازی ظهور، ص ۶۶.

و نام امام عصر برای فرزندان، صدقه دادن به قصد سلامتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و تقویت ارزش‌های مهدوی در فضاهاى آموزش؛ از جمله مؤلفه‌هاى اعتقاد به مهدویت است. خانواده مهدوی از ظلم و ستم در جهان پرآشوب، دچار یاس و ناامیدی نمی‌شوند و نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده دارند. اعتقاد به مهدویت، زمانی تقویت می‌شود و بر زندگی اثر دارد که این عقیده به‌طور صحیح و با تبیین جامع، در خانواده فرهنگ‌سازی و نهادینه شود.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه: کلمات قصار حضرت رسول**، نشر دنیای نشر، تهران، ۱۳۸۳.
۲. تونه‌ای، مجتبی، **موعودنامه فرهنگ الفبایی مهدویت**، نشر میراث ماندگار، قم، ۱۳۹۶.
۳. جماعتی، حسین، **ماهیت قلمرو و کارکردهای فرهنگ دینی**، سایت پژوهش‌های معنوی، [www.pmbbo.ir](http://www.pmbbo.ir)، ۱۳۹۵.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، **اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۵. حسینی دشتی، سید مصطفی، **معارف و معاریف: دایره المعارف جامع اسلامی**، نشر آرایه، تهران، ۱۳۸۵.
۶. سعیدیان، عبدالحسین، **دائرة المعارف نو**، نشر علم و زندگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۱.
۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، **منتخب الاثر، اثری ماندگار درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**، گلستان قرآن، شماره ۳۳، ۱۳۷۹.
۸. \_\_\_\_\_، **اصالت مهدوی**، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۵.
۹. \_\_\_\_\_، **امامت و مهدویت**، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۳۷۷.
۱۰. \_\_\_\_\_، **سلسله مباحث امامت و مهدویت**، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی، قم، ۱۳۹۱.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، مصحح: علی اکبر غفاری، نشر اسلامی، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن الحسن، بی تا، **اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات من الامام الثانی العشر**، بی نرم افزار موعود.
۱۳. علیرضا، ابراهیم، **مهدویت در اسلام و دین زرتشت**، نشر باز، تهران، ۱۳۸۱.



۱۴. عمیدی، سید ثامر هاشم حبیب، **در انتظار ققنوس: کاوشی در قلمرو موعود شناسی و موعود باوری**، مترجم: مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۹.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، محقق / مصحح: سیدهاشم، رسولی محلاتی، المطبعه العلمیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۱۶. فرزی خراسانی، محمد علی، **امید سبز: گوازه‌هایی پیرامون شیعه و آقا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**، دارالחסنین، قم، ۱۴۲۶ ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۴، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. متقی، علی بن حسام الدین، **کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال**، مصحح: دمیاطی، محمود عمر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، مصحح: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، چاپ ۲، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. \_\_\_\_\_، **بحار الانوار**، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات قرآن کریم**، وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ معین، امیر کبیر، تهران، ۱۳۹۱.
۲۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **ترجمه الارشاد شیخ مفید**، مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
۲۴. ملکی راد، محمود، **خانواده و زمینه سازی ظهور**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۵.
۲۵. موسوی گیلانی، سید رضی، **دکترین مهدویت**، نشر: بنیاد فرهنگی حضرت موعود، تهران، ۱۳۸۴.
۲۶. نجم، نجمه، **آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت**، مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمیه، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۶.
۲۷. نیلی پور، مهدی، **خانواده‌های مهدوی**، مرغ سلیمان، اصفهان، ۱۳۸۸.
۲۸. الویری، محسن، برزویی، محمد رضا، **گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی**، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، شماره ۳۴، ۱۳۹۴.

## نقش زن منتظر در تربیت نسل منتظر با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی

فاطمه هاشمی<sup>۱</sup>

### چکیده

آیت‌الله صافی گلپایگانی اندیشمندی آگاه به زمان و جریان‌ساز در حوزه انتظار بود. بنابراین، اندیشه ایشان در اوضاع کنونی جامعه می‌تواند راهنمای عمل باشد و لذا این مقاله با هدف بررسی نقش زن منتظر در تربیت نسل منتظر از منظر ایشان، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به ویژه آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی، نگاشته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد زن منتظر در حوزه فردی با خودارتقایی در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری و در جایگاه مادری، با تلاش در تأمین سلامت جسمانی - روانی، بالندگی عقلانی، تکامل معرفتی، تربیت حماسی، افزایش محبت فرزندان به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ترویج سبک زندگی منتظرانه در متن خانواده؛ می‌تواند به تربیت نسل منتظر بپردازد. همچنین با حضور فعال در متن جامعه و فضای مجازی، ضمن رعایت حریم‌های عفاف و حجاب با تبیین جایگاه زن در فرهنگ غنی اسلام و ایجاد آگاهی، اشتیاق و امید در بانوان جامعه به عنوان مادران منتظرپرور و تقویت بنیان خانواده به مثابه کانون تربیت نسل منتظر ایفای نقش کند.

**واژگان کلیدی:** آیت‌الله صافی گلپایگانی، زن منتظر، تربیت نسل منتظر، جامعه منتظر، منتظرپروری.

## ۱. مقدمه

نگاه اجمالی به تاریخ، حاکی از آن است که انسان همواره در آرزوی رسیدن به روزگاری بوده که در آن جامعه انسانی، از محبت، امنیت، عدالت سرشار باشد. مکتب حیات بخش اسلام، این آرمان انسانی را در قالب فرهنگ مهدویت مطرح کرده است.

آموزه انتظار در رویکرد اسلامی - شیعی، اندیشه‌ای فراگیر و دارای جامعیت تاریخی است که تنها به آینده ناظر نیست، بلکه این توانمندی را دارد که تمام شئون زندگی انسان معاصر را تحت الشعاع قرار دهد و بهترین شیوه‌ها را برای رسیدن انسان به حیات طیبه ارائه کند؛ چرا که در بینش قرآنی، امامت اکمال دین و اتمام نعمت الهی است (مائده: ۵). مهدویت در حقیقت، باز تعریفی از مسائل فردی و اجتماعی دین مبین اسلام است که حول محور امام تمرکز یافته است و ساماندهی می‌شود؛ اما تحقق جامعه آرمانی مهدوی، نیازمند ظرفیت و استعداد آحاد جامعه است؛ چراکه غیبت زائیده عدم آمادگی بشر برای پذیرش ولی خداست. در فصل غیبت، تنها راه، انتظار است؛ اما نه انتظار انحطاط‌آفرین و نه انتظار ایستا و رخوت‌آلود، بلکه انتظاری پویا و تحول‌آفرین؛ زیرا برای تحقق ظهور، جامعه منتظر لازم است و لذا تربیت نسل منتظر ضرورت پیدا می‌کند.

در تربیت نسل منتظر، نهادهای مختلف جامعه نقش دارند؛ اما حیاتی‌ترین نقش به «خانواده» متعلق است. نهاد خانواده با سابقه‌ترین و ماندگارترین نهاد بشری است که به نوعی همزاد آدمی است. به فرموده قرآن کریم، زندگی خانوادگی در صورت تکامل و تعالی حتی در جهان ابدی نیز می‌تواند ادامه یابد.<sup>۱</sup>

در مکتب اسلام، خانواده مانانترین مجموعه نظام هستی است که فروپاشی آن معادل تزلزل در عرش الهی قلمداد شده است. خانواده از منظر قرآن، مهد آرامش<sup>۲</sup> و محمل سیر تکاملی و تعالی انسان به سوی کمالات است.

۱. رعد: ۲۳-۲۴ و طور: ۲۱.

۲. روم: ۲۱.

عمده تمدن‌های اصیل، اصالت خود را در گرو سلامت نظام خانوادگی و تربیت نسل سالم و صالح به دست آورده‌اند<sup>۱</sup> و لذا برای تمدن‌سازی مهدوی نیز باید از ظرفیت‌های خانواده بهره گرفت. هرچند والدین هر دو در قبال تربیت فرزند مسئولند؛ مادر از ظرفیت‌های بالاتری در امر تربیت برخوردار و محور و منشأ تشکیل جامعه کوچک (خانواده)، زن است و این از نشانه‌های عظمت زن و اثرگذاری اوست.<sup>۲</sup> زن در خانواده جایگاه‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین نقش تربیتی او در جایگاه مادری متجلی می‌شود.

زن منتظر علاوه بر آن که به عنوان مادر مطرح است، به عنوان فردی منتظر و عضوی از جامعه نیز می‌تواند سرمنشأ تحولات فرهنگی - اجتماعی در سطح جامعه باشد. پژوهش حاضر با اشعار به این موضوع در صدد واکاوی نقش زن منتظر در تربیت نسل منتظر با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی است.

#### ۱.۱. پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت موضوع مهدویت و انتظار، در مقالات و کتاب‌های متعددی به این موضوع پرداخته شده است و پژوهش در این حوزه سابقه طولانی دارد. ذیلاً به برخی از پژوهش‌ها که با موضوع نوشتار حاضر ارتباط بیش‌تری دارند، اشاره می‌شود:

معین الاسلام (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «زن منتظر و منتظر پروری»، به تبیین نقش مادر در تربیت نسل ولایی با طرح هشت گام اساسی شامل دستورالعمل‌های اسلامی، پرداخته است که از زمان انتخاب همسر آغاز و تا پایان نوجوانی ادامه می‌یابد.

شفیعی سروستانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زنان منتظر»، وظایف متعددی برای منتظران، اعم از زن و مرد برشمرده، و وظایف ویژه‌ای همچون زنده نگه داشتن روحیه امید به آینده و انتظار در فرزندان و تربیت نسل منتظر برای زنان منتظر مطرح کرده است.

۱. آقانهانی و حیدری کاشانی، خانواده و تربیت مهدوی، ص ۳۰.

۲. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۷، ص ۱۷۳.

ماسلایه و انصاری چشمه (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به نام «نقش زنان در زمینه سازی ظهور» نقش زنان در تقویت بینشی خود و تربیت نسل منتظر و تأثیر فعالیت‌های آنان در زمینه سازی ظهور را مورد بررسی قرار داده‌اند.

به دلیل اهمیت موضوع تربیت نسل منتظر، مطالعات و پژوهش‌های نوآورانه و متناسب با نیاز عصر حاضر که موضوع را از جوانب مختلف تبیین کنند؛ همچنان جزو نیازهای علمی جامعه اسلامی است. مقاله حاضر در صدد است نقش زن منتظر را در حوزه فردی و اجتماعی (خانواده و جامعه) در تربیت نسل منتظر شناسایی و تبیین کند. وجه تمایز این اثر با پژوهش‌های پیشین، تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی است.

## ۲. روش تحقیق

شیوه پژوهش در این مقاله از نوع کیفی و به روش توصیفی - تحلیلی است. ابزار تحقیق، اسناد نوشتاری و نمونه‌گیری این پژوهش از نوع هدفمند است و لذا منابعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که کامل‌ترین اطلاعات را در زمینه موضوع ارائه می‌کند. با جست‌وجو در آیات قرآن کریم با استفاده از نرم افزار فیض تمام و نرم افزار اسراء و سپس مطالعه آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی در حوزه مهدویت و موضوع زن، مباحثی که توانایی برقراری ارتباط بین این دو موضوع را داشتند انتخاب شدند و سپس برای تکمیل بحث، به جست‌وجو در منابع دست دوم و علوم مرتبط با امر تربیت پرداخته شد و در نهایت استنباط صورت گرفت.

## ۳. مفاهیم

۳-۱. تربیت: معنای لغوی: تربیت، مصدر باب تفعیل است که با سه ریشه «ربو»، «ر ب ب» و «ربأ» در ارتباط است برخی ریشه تربیت را ربو و به معنای رشد، نمو و فزونی یافتن<sup>۱</sup> و برخی دیگر آن را برگرفته از «ربب»، در معنای مالک و صاحب اختیار، اصلاح و سرپرستی و رهبری کردن<sup>۲</sup> و

۱. فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۲۸۳.

۲. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۱۲۸.

گروهی نیز از ریشه « ربأ » به معنای رشد و نمو<sup>۱</sup> دانسته‌اند. جدا از ریشه یابی واژه تربیت، تربیت از باب تفعیل است و تفعیل در علم صرف دارای معانی تعدیه، تکثیر، سلب، تدریج است.<sup>۲</sup> معنای لغوی مربوط به هر سه ریشه، تا حدودی با تعاریف اصطلاحی ارتباط مستقیم دارد.

**تربیت: مفهوم اصطلاحی:** تعریف یگانه‌ای برای تربیت که مورد توافق همه بزرگان حوزه تعلیم و تربیت باشد، وجود ندارد. به نظر می‌رسد این امر از یک سو به دلیل گستردگی تربیت و از دیگر سو، در گوناگونی مبانی شناختی کسانی باشد که متناسب با نگرش و اهداف خود تربیت را تعریف می‌کنند. تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا رساندن آن به حد مطلوب.<sup>۳</sup> تربیت، یعنی رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن که استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود.<sup>۴</sup> تربیت، یعنی به فعلیت درآوردن استعداد های درونی یک شیء و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آن‌ها تا متربی به حد اعلا ی کمال خود برسد.<sup>۵</sup> مهم‌ترین استعداد درونی انسان، امکان خداگونه شدن است. هر چند این استعداد دارای مراتبی است؛ در وجود همه انسان‌ها به ودیعت نهاده شده است. پس می‌توان گفت تربیت فعالیتی است از سر علم و آگاهی که به صورت هدفمند و منظم و مستمر و گام به گام برای رسیدن انسان به خداگونه‌گی صورت می‌گیرد و ضمن رفع موانع به ایجاد بسترهای مناسب برای شکوفایی استعداد های فطری می‌پردازد.

**۲-۳. انتظار:** انتظار، از مادهٔ نظر و در باب افتعال به معنای چشم به‌راهی<sup>۶</sup> و در مفهوم بالاتر، به معنای تأمل ورزیدن و با بصیرت نگریستن است. تعالیم اسلام بر اساس فلسفه‌های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را، پشتوانه بقای جامعه مسلمان،

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ۴۸۳.

۲. طباطبایی، صرف ساده، ص ۷۲.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن.

۴. دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۲۴.

۵. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۳.

۶. معین، فرهنگ فارسی، ص ۳۶۴.

مهیّج روح فعالیت قرار داده و انتظار فرج را برترین اعمال شمرده است.<sup>۱</sup> انتظار در تفکر شیعی، تنها نوعی امیدواری ساده و نشستن و چشم به در دوختن نیست، بلکه «افضل الاعمال» است و مانند هر عمل دیگری، بر مبانی شناختی، گرایشی و ارادی استوار است. انتظار، یعنی تجلی بخشیدن و پروراندن و جهت بخشی به آنچه در نهاد آدمی به ودیعه نهاده شده است. یعنی طلب زندگی متعالی و حکومت انسان کامل و بر بنیان‌های مستحکمی همچون وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی قرار دارد. بنابراین، انتظار، مسامحه در اجرای تکالیف نیست و عذر برای کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد و سکوت و بی‌تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و ناامیدی را هرگز با آن نمی‌توان توجیه کرد.<sup>۲</sup> از سویی منتظر شیعه، موعود موجود و مهدی شخصی است و نه مهدی نوعی. منتظر شیعی، تنها منجی نیست، بلکه حجت خداست که برای احیای انسانیت در وجود خویش باید ولایت او را پذیرفت و در پی او روان شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. مهدویت از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی

آیت‌الله صافی گلپایگانی، اندیشمند معاصر، به مسائل و بحران‌های جهان معاصر آگاه بودند و در موضوع مهدویت اهتمام جدی داشتند و اندیشمندی جریان‌ساز و پرکار در عرصه مهدویت پژوهی بودند و آثار متعددی در این حوزه تألیف کردند. به اعتقاد ایشان، عقیده مهدویت از توحید آغاز و با عقیده به امامت حضرت ولی عصر، کامل می‌گردد. سیر و تعمق در امت‌ها و تطوّرات مختلف نشان‌دهنده هدفمندی و تغییرات بی‌شمار و جریان این سیرهای بسیار به سوی تمرکزی عالی است که رضایت بشر در آن تأمین می‌شود و آن، همان عصر ظهور است.<sup>۳</sup> این اعتقاد علاوه بر آن که خود اصالت دارد، به معتقداتش اصالت می‌دهد و تلاش و تعهد می‌بخشد، امید و نشاط می‌آفریند و ناامیدی و کسالت را از بین می‌برد و حرکت‌های اصلاح‌گرانه و اسلام‌خواهانه را

۱. صافی گلپایگانی، انتظار عامل مقاومت، ص ۹۰.

۲. همان، ص ۸۱.

۳. همان، پیام‌های مهدوی، ص ۱۹۴.

تشویق و جان‌های شورنده بر استکبار و استضعاف را تقویت می‌کند.<sup>۱</sup> «اعتقاد به مهدویت» درک انسان را نسبت به «کرامت انسان» بیدار می‌کند و در عمل مسئولیت‌ها را مورد بازخواست قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> ایشان معتقدند برای ایمان به غیبت حضرت امام زمان، به دانستن سرّ آن نیازی نیست؛ چرا که بین ندانستن سرّ غیبت و صحت امکان وقوع آن هیچ ارتباطی وجود ندارد و معتقدند غیبت فوایدی دارد که در صورت عدم تأخیر در ظهور که اقتضای حکمت الاهی است، حاصل نمی‌شوند.

یکی از مصالح غیبت، انتظار آمادگی فکری او برای ظهور آن حضرت است؛ زیرا روش آن حضرت بر حکم به ظواهر مبتنی نیست، بلکه بر رعایت حقایق و حکم به واقعیّات و برقراری عدالت واقعی و اجرای تمام احکام اسلامی مبتنی است و اجرای این برنامه به ترقی بشر در ناحیه علوم و فکر و اخلاق و آمادگی جامعه برای پذیرش این نهضت و لیاقت زمامداری آن رهبر عظیم‌الشأن نیاز می‌باشد. باید جهان آماده چنان ظهوری بشود و ملت‌ها بفهمند که رژیم‌های گوناگون از عهده اداره امور بر نمی‌آیند و مکتب‌های سیاسی و اقتصادی مختلف دردی را درمان نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

از نظر ایشان، شخص منتظر باید اندیشه وسیع و جهان‌اندیش داشته باشد و خیر و رفاه مردم تمام گیتی را بخواهد<sup>۴</sup> و باید برای بهره‌برداری از هر فرصتی آماده باشد. دین خدا را از جان و فرزند و مقام خود گرامی‌تر بدارد و برای حفظ آن کوشا تر باشد و باید ضمن برگزاری جشن و تبلیغات، با التفات به معانی بزرگ مورد نظر برای نیل به هدف اصلی؛ یعنی تحقق انتظار حقیقی در دل‌ها و ایجاد نشاط و تعهد و مقاومت جامعه تلاش کند؛ چراکه بسندگی به مراسم جشن و چراغانی و غفلت از وظایف خطیر در برابر خدا و قرآن و حضرت ولیّ عصر، می‌تواند زمینه‌ساز استفاده دشمنان یا نادانان برای تغییر تفسیر از عقیده مهدویت شود و آن را به

۱. همان، باورداشت مهدویت، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۲۱.

۳. همان، نوید امن و امان، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۴. همان، عقیده نجات‌بخش، ص ۱۶-۱۷.



عامل سکوت و رکود و ترک امر به معروف و نهی از منکر تبدیل کند.<sup>۱</sup> مسلمان همیشه به آینده می‌نگرد و هر وضعی که موجود باشد - اگرچه نسبتاً خوب و عادلانه - او را قانع نمی‌کند. آن را پایان راه نمی‌شمارد و اگر هم ظالمانه و غیراسلامی باشد، در هر وضعیتی، مسلمان ناامید نمی‌شود و وظیفه دارد که ظلم و فساد و تجاوز و جهل و خودکامگی و استضعاف را محکوم کند. تسلیم‌بودن و تماشاگر صحنه‌های فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن، بر مسلمان منتظر روا نمی‌باشد و با فلسفه انتظار موافقت ندارد.<sup>۲</sup>

از نظر ایشان، جامعه منتظر باید متناسب با شخصیت موعود منتظر، آماده پذیرایی باشد. با التزام به اسلام می‌توان منتظر شخصی مثل ولی خدا بود. انتظار ولی خدا با گناه، خیانت، بی‌تعهدی‌های اخلاقی، با موسیقی و تشویق اهل ملامی و مناهای هرگز محقق نخواهد شد و جامعه‌ای که این رفتارهای زشت را به اسم هنر و عناوین دیگر ترویج می‌کند، جامعه منتظر نیست.<sup>۳</sup> انتظار باید از جامعه منتظر، آشکار باشد. شکستن حریم‌های دینی و گرایش به فرهنگ غرب، ضد انتظار و عبور از خط‌قرمزهای قرآنی است. عینیت انتظار نه فقط در حجاب، بلکه در همه جا باید باشد؛ به خصوص در جراید، صداوسیما و در همایش‌ها. جامعه منتظر، باید با تشکیل انجمن‌ها و کنگره‌ها، در تعمیق و تحقیق هویت مهدوی و تعهد به آن و مخصوصاً آشنایی بیش‌تر نسل جوان با مبادی و مبانی و فواید و نتایج آن، سیر جامعه به سوی کمال و مطالب و مقاصد آن را فراهم آورد.<sup>۴</sup>

#### ۲-۴. جایگاه زن در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی

از آن جا که بینش آیت‌الله صافی گلپایگانی برگرفته از قرآن کریم و فرمایش ائمه هدا علیهم‌السلام است، نگرش ایشان به زن و جایگاه او، نگرشی قرآنی است. ایشان معتقدند: «در دین اسلام، موضع زن،

۱. همان، انتظار عامل مقاومت، ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۴۹.

۳. همان، پیام‌های مهدوی، ص ۱۷۵.

۴. همان، ص ۱۹۴.

پایگاهی ارجمند است که استقلال هویت، حقوق اختیارات و مسئولیت‌های او در آن روشن است و او در ترقی و کمال جامعه سهم شایان توجهی دارد. اعلانات بزرگ بشری قرآن، همواره بانوان را هم ردیف مردان، مخاطب قرار داده، در هر جا که فضایل حقیقی و ارزشی همچون تقوا و خردمندی عنوان شده است<sup>۱</sup> مرد و زن با هم مقصودند.<sup>۲</sup> در جاهلیت قبل از اسلام، غالباً دختران بلافاصله بعد از تولد زنده به گور می‌شدند؛ اما با ظهور اسلام، زن هویت انسانی خود را به دست آورد. «آیات قرآن بیش‌تر در حمایت از حقوق انسانی زن و قرار دادن او در موضع انسانی و حقوقی خود و سلب دیکتاتوری مردها و پایان دادن به معاملات ضد انسانی آنان با بانوان است و می‌توان گفت اسلام بیش‌تر از آن که دین مردها باشد، دین زن‌هاست؛ چرا که بیش‌تر نجات‌دهنده زن‌هاست.»<sup>۳</sup> اسلام نه تنها مخالف حضور اجتماعی زنان نیست، بلکه می‌خواهد زن و مرد در سازندگی اجتماع انسانی به طور شایسته انجام وظیفه کنند.<sup>۴</sup> ایشان با توجه به ارزش‌های وجودی زن، شایسته‌ترین کار برای نوع زن را پرداختن به تدبیر امور منزل و تربیت اولاد می‌دانند که همه باید احترام شغل او و اصالت و ارزش آن را بشناسند. از نظر ایشان یکی از وجوه ضعفی که کرامت زن و صیانت کل جامعه را تهدید می‌کند، اختلاط دو جنس به صورت‌های غیر مصون و معرض فساد و خلاف عفاف و حجاب است.<sup>۵</sup>

#### ۳-۴. رسالت‌های زن منتظر

#### ۱-۳-۴. رسالت زن منتظر در بعد فردی

عصر انتظار، عصر التزام عمل به احکام شرع مبین و عصر امتحان و تخلیص است. از شخص منتظر، باید جلوه‌های اخلاق قرآنی و آگاهی از معارف و حیانی، درخشان باشد. شخص منتظر

۱. بقره: ۲؛ حجرات: ۱۳؛ آل عمران: ۱۹۰ و احزاب: ۳۵.

۲. صافی‌گلپایگانی، زن در پرتو اسلام، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۸۵-۸۶.

۴. همان، ص ۳۵.

۵. همان، ص ۱۰۰-۱۰۵.

باید حفظ هویت و استقلال اسلامی را همیشه و در هر مناسبت، شعار و افتخار خود بدانند.<sup>۱</sup> هر کس در خط ولایت و انتظار قدم برمی‌دارد، باید ویژگی‌های جامعه موعود مهدوی را بشناسد و خودش را با توجه به آن‌ها بسازد؛ به طوری که لایق عضویت در آن جامعه جهانی و الهی شود. باید همه این ویژگی‌ها را دوست داشته باشد و برای تحقق آن‌ها در جامعه، کشور و شهرش تلاش کند. کسانی که به ارزش‌های ضد آن جامعه جهانی گرایش دارند، باید در وضع خود تجدیدنظر کنند و با گرایش به ارزش‌های اسلامی صداقت خود را در دعوی انتظار، نشان بدهند.<sup>۲</sup> بنابراین، زن منتظر باید نسبت به حضرت ولی عصر، جامعه مهدوی، شرایط تحقق جامعه آرمانی، شیوه‌های معاندان فرهنگ انتظار، وظایف فردی و اجتماعی خود در جهت زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت دارای مراتبی از معرفت باشد. از نظر گرایش‌ها نیز، زن منتظر، محب حضرت ولی عصر و دوستدار تحقق آرمان‌های آن حضرت است و تمایلات خود را بر مبنای رضایت امام زمان مدیریت می‌کند. در بعد رفتاری نیز از رذایل اخلاقی دوری و خود را به فضایل اخلاقی آراسته می‌کند؛ به ویژه دو خصیصه مهم حیا و عفت که در دعای امام زمان علیه السلام به دلیل ظرافت و جود و لطافت روحی و زیبایی ظاهری بانوان مورد تأکید قرار گرفته است؛ چرا که یکی از مشخصات بارز این ائمه بزرگ، حجاب بانوان و عدم اختلاط و نظامات حافظ قداست و کرامت بانوان است که هم مردان را به وظایف خاص مؤلف می‌کند و هم زنان را به تکالیف ویژه ملزم می‌سازد.<sup>۳</sup>

چون انتظار دارای مراتب است و مسلمان منتظر در هر پایه‌ای که باشد، نباید آن‌جا را منتهی الیه مسیر خود بداند. باید سیر خود را ادامه دهد و مراحل و منازل بیش‌تر را طی کند و همواره در سیر باشد و با تکرار فرایض دینی و دعا و پرستش خدا، از درجه‌ای به درجه بیشتری صعود کند. برنامه، برنامه سیر و حرکت و ترقی و مجاهده است.<sup>۴</sup> بنابراین، آنچه به عنوان رسالت زن منتظر

۱. همان، پیام‌های مهدوی، ص ۱۷۱.

۲. همان، به سوی دولت کریمه، ص ۶.

۳. همان، پیام‌های مهدوی، ص ۱۷۱.

۴. همان، فروغ ولایت در دعای ندبه، ص ۱۷.

در ادامه راه در حوزه فردی مطرح است، استقامت بر صراط انتظار و ارتقای رتبه وجودی خود از طریق اكمال معرفت، محبت و عمل متناسب با آن است.

#### ۴-۳-۲. رسالت زن منتظر در اجتماع (خانواده و جامعه)

زن منتظر در سطح خانواده و جامعه می‌تواند در جهت تحول و ارتقای اعضای خانواده یا جامعه نقش آفرینی کند. اقدامات زن می‌تواند در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری صورت گیرد که البته ابعاد اقدامات کاملاً قابل تفکیک نیستند و همپوشانی دارند. در نوشتار حاضر، بعد شاخص‌تر مطرح شده است.

#### ۴-۳-۱. بعد شناختی

الف) بالندگی عقلانی فرزندان: یکی از علل مهم ایجاد جامعه سالم، تکامل عقول مردم است.<sup>۱</sup> از طرفی اصالت مهدویت از لحاظ امکان، صددرصد معتبر و عقلایی و منطقی و اتکای آن بر معیارهای باوربخش عقلی است<sup>۲</sup> و جهل‌ستیزی و شکوفایی عقل از جمله مهم‌ترین برنامه‌های حضرت حجت است.<sup>۳</sup> بنابر این، زیر بنای تربیت نسل منتظر، پرورش عقلانیت در آنان است؛ چرا که شرط عدالت‌پذیری و رسیدن به توحید نظری و عملی، علم و عقل است. عقل‌پروری نسل منتظر باید پیش از تولد از طرف والدین، به‌ویژه مادر با استفاده از عوامل زیستی - محیطی، روحی و معنوی و اجتماعی مؤثر بر رشد و بالندگی عقلانی شروع شود.

از آن‌جا که تقوا عامل اساسی در رشد علمی و عقلی انسان است؛<sup>۴</sup> رعایت تقوا از طرف مادر موجب رشد عقلی مادر می‌شود و عقلانیت به صورت ژنتیکی و هم از طریق شیر تا حدودی به فرزند منتقل می‌گردد. هر چند وراثت و شیر نقش تعیین‌کننده صددرصدی ندارند؛ می‌توانند با تقویت زمینه‌های سرشتی، امکان کم عقلی یا خردمندی و تحقق آن را در شرایط محیطی

۱. همان، به سوی دولت کریمه، ص ۶۳.

۲. همان، اصالت مهدویت، ص ۲۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۴. انفال: ۲۹.

مناسب، افزایش دهند. به همین دلیل نبی مکرم اسلام در بیانات جداگانه‌ای به پرهیز از ازدواج با زنان کم عقل<sup>۱</sup> و عدم تغذیه فرزندان از شیر زنان احمق<sup>۲</sup> توصیه فرموده‌اند. بنابراین، مادر منتظر باید علاوه بر کارها و عبادات ظاهری و اجرایی، تغذیه و اندیشه و افکار خود در دوران بارداری و شیردهی را مراقب باشد؛ زیرا بسیاری از مسایل از راه اندیشه به فرزند می‌رسد.<sup>۳</sup>

مراقبت از سلامت و رشد قوای ادراکی از طریق کنترل تغذیه و بهره‌مندی از عواملی همچون ورزش و روزه و محیط‌های آرام و آب و هوای سالم و حضور کودک در فضاهای طبیعی، از دیگر وظایف مادر منتظر است؛ چرا که مغز در تفکر نقش اصلی را دارد و تفکر لازمه خردمندی است.

نبی مکرم اسلام بازیگوشی بچه در دوران کودکی را نشانگر فزونی عقل او در بزرگسالی دانسته‌اند.<sup>۴</sup> طراحی محیط تربیتی کودک به گونه‌ای که امکان فعالیت، جنبش، خلاقیت و بازی برای کودک فراهم باشد، دقت و راهنمایی در انتخاب بازی، به خصوص بازی‌های رایانه‌ای بر اساس تأثیرات روانشناختی - تربیتی آن‌ها، همبازی شدن با کودک، حساس کردن کودک به محرک‌های محیطی، پرهیز از تحمیل، صحبت کردن درست و سنجیده و روشن و محبت کردن به کودک اقدامات بسیار مهمی از طرف مادر برای فعال شدن مغز کودک و رشد عقلانی وی است.

آموزش علم و حکمت به همراهی با تفکر و ژرف اندیشی مشروط است؛<sup>۵</sup> زیرا بنابه فرمایش امیرمومنان، حکمت‌اندوزی و رشد عقلانی رابطه هم‌افزایی دارند.<sup>۶</sup> زن منتظر می‌تواند با شناسایی محیط‌های سالم علمی و فراهم کردن امکان حضور فرزند خود در مسابقات و مباحث علمی به بالندگی عقلانی فرزند خود کمک کند.

۱. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۳۵، ص ۲۷۳.

۲. همان.

۳. جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۲۲.

۴. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ص ۳۲۲.

۵. پیازه، تربیت به کجاره می‌سپارد، ص ۸۹.

۶. ناظم‌زاده، جلوه‌های حکمت، ج ۹، ص ۱۸۸.

ب) تکامل معرفتی فرزندان: مسئله آگاهی در دوران غیبت، از اهمیت خاصی برخوردار و انتظار که افضل الاعمال است، بیش از هر عمل دیگری به معرفت نیازمند است. بنابراین، مادر منتظر، باید در تکامل معرفتی خود و فرزندان کوشا باشد. از جمله معارف حیاتی برای سعادت‌مندی فرزندان، معرفت ولی عصر است که باید با استفاده از شیوه‌های مؤثر و جدید تعلیم و تربیت معاصر، با دقت و ظرافت، متناسب با شرایط سنی و ادراکی فرزند به او ارائه شود. از فرمایش نبی مکرم اسلام ﷺ: «من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتة الجاهلیة»؛ استفاده می‌شود که در هر عصری ولی امر منحصر به فرد است.<sup>۱</sup> لذا معرفت امام دو وجه دارد: یکی شناخت «شخص» امام و دیگری شناخت «شخصیت» و «مقام» امام. شناخت شخص امام، یعنی دانستن این که امام موعود، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام و سلاله حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، که خود این شناخت ظاهراً شناسنامه‌ای، مانع بسیاری از انحرافات می‌شود. معرفت به شخصیت امام، یعنی تلاش برای شناخت جایگاه امام در هستی و درک وابستگی هستی به وجود امام و نیز شناخت اهداف و آرمان‌های ایشان و «این که مردن در حال نشناختن امام مساوی است با مردن جاهلیت. نشناختن امام و نظامی که باید از آن تبعیت شود، نشناختن حکومت خدا و قبول نظامات دیگران است.»<sup>۲</sup> «دیگر شناخت ضروری، معرفت به جامعه آرمانی آن حضرت است که جامعه کامل اسلامی و نظامی معیار است. شناخت این جامعه برای تعیین جهت جوامع، سودمند است.»<sup>۳</sup> «شناخت محورهای اساسی برنامه امام زمان به استقامت فکر و اخلاق و اعمال انسان کمک می‌کند»<sup>۴</sup> و منتظر، معیاری برای تشخیص میزان درستی نظام‌های موجود و برخورد جدی تر و آگاهانه‌تر با مسائل می‌یابد و گام‌های محکم‌تری برای تحقق آن برنامه‌ها برمی‌دارد. البته تکمیل معارف مهدوی فرزند، به دلیل ضرورت رعایت مراحل رشد شناختی، به استمرار و صبر نیازمند است تا فرزند به این باور برسد که حیات واقعی و

۱. صافی‌گلپایگانی، اصالت مهدویت، ص ۹۱.

۲. همان، ص ۹۳.

۳. همان، به سوی دولت کریمه، ص ۱۴.

۴. همان، ص ۱۵.

فعال انسان، فقط در همراهی با امام معصوم تحقق‌پذیر است.

ج) آگاه‌سازی بانوان: در حال حاضر با تبلیغات گسترده و سرمایه‌گذاری‌های کلان و تلاش‌های دشمنان، برای جلوگیری از تمایلات مذهبی، با تحریف مفاهیم، چهره نامناسبی از اسلام، به ویژه در موضوع زن، ارائه و فرهنگ اسلام در باره عدم اختلاط زن و مرد، به واسطه غرب‌گرایی و عدم آگاهی از فلسفه احکام و مقاصد الهی و قرآنی مورد هجوم قرار گرفته؛ در صورتی که اسلام دین گرامی داشت زن است و این ظلم به اسلام است که زنان حق آن را نسبت به خود نشناسند.<sup>۱</sup> وظیفه اساسی زن منتظر عدالت‌خواه، احاطه و آگاهی به جوانب متعدد حیات زن و سیاست حاکم بر تغییر هویت اسلامی بانوان و در نتیجه تغییر هویت کل جامعه<sup>۲</sup> و حضور در متن جامعه، به ویژه مجامع تربیتی - فرهنگی و تبیین جایگاه ارجمند زن در فرهنگ غنی اسلام و روشن‌گری هوشمندانه کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های فرهنگ‌هایی است که به نام آزادی زن و احقاق حقوق او، در حقیقت به تحقیر زن پرداخته‌اند و مقایسه بین وضعیت موجود زنان با وضعیت مطلوب در جامعه مهدوی، ایجاد انگیزه و طلب در وجود زنان جوامع انسانی برای پیوند با ولی خدا و حرکت در مسیر او، به عنوان تنها راه نجات زنان از جاهلیت مدرن است. زن منتظر باید در جهت این آگاه‌سازی جهانی تلاش کند که اسلام همچنان که با سلب حق حیات دنیوی زن مخالف است، با به ابتذال کشیدن او نیز که در حقیقت سلب حیات معنوی و روحانی اوست، مخالف است.

د) حضور فعال در فضای مجازی: تعلیمات اسلام، بشر را به سوی جامعه جهانی می‌برد و اصولاً تحقق تعالیم اسلام در جامعه‌های بزرگ‌تر، هدف‌های این دین را عملی‌تر می‌سازد.<sup>۳</sup> حال که در دنیای کنونی گسترش فضای مجازی موجب تحولات سریع در تمام ابعاد زندگی شده است و محدودیت مکانی و زمانی برای فعالیت در این فضا وجود ندارد؛ زن منتظر باید برای

۱. همان، زن در پرتو اسلام، ص ۱۰۵.

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. همان، عقیده نجات‌بخش، ص ۲۳.

جهانی سازی تعلیم اسلام از این فرصت به صورت حداکثری بهره برداری کند.

امروز فضای مجازی بر زندگی انسان ها حاکم است و لذا قوت در فضای مجازی امری حیاتی است.<sup>۱</sup> با توجه به قابلیت های خاص این فضا و نقش فوق العاده آن در حوزه تعلیم و تربیت و هویت سازی نسل امروز و فردا، فضای مجازی به عنوان نوعی فرصت می تواند محل نقش آفرینی زن منتظر در تربیت نسل منتظر برای مبارزه فعال و آگاهانه در برابر نشر افکار مسموم معاندان و آگاهی بخشی از طریق انتشار مطالب معتبر علمی و دینی در معرفی چهره واقعی آموزه انتظار برای همگان، به خصوص جویندگان حقیقت باشد و با ایجاد ارتباط با اندیشمندان علوم دینی، روانشناسی، جامعه شناسی و علوم تربیتی، به تربیت حقیقت جویان و در نهایت نسل منتظر بپردازد.

از آن جا که جهان در فضای مجازی، جهان وصل است و تنوع روش های ارتباطی به صورت متن، صوت و تصویر، ظرفیت تعامل را مضاعف ساخته است؛<sup>۲</sup> فعالیت سنجیده و ضابطه مند در این فضا می تواند زمینه های ایجاد و توسعه گروه های دوستانه، تقویت ارتباط اجتماعی و ارتقای اخلاقی جامعه را فراهم آورد.

#### ۴-۳-۲. بعد عاطفی

الف) تربیت حماسی: با توجه به اوضاع خاص دوران غیبت، در این دوره - بر اساس روایت - حفظ دین از نگاه داشتن آتش در کف دست دشوارتر خواهد شد و ظلم و ستم و فساد و فحشا شیوع پیدا می کند و ارزش ها، ضد ارزش و ضد ارزش ها، ارزش محسوب می گردد و ارتکاب گناهان، افتخار و هنر شمرده می شود و دوستان شخص او را به گناه ترغیب و تشویق می کنند و از این که شخص با اهل ظلم و گناه و فساد هماهنگی نکرده است، او را سرزنش می کنند.<sup>۳</sup> مادر منتظر باید فرزند را با روحیه حماسی، انقلابی و شهادت طلبی و احساس مسئولیت نسبت به اصلاح اجتماعی

۱. آیت الله خامنه ای، <https://farsi.khamenei.ir/speech-contentid=45227>

۲. ثقفی، فضای مجازی، فرصت یا تهدیدی برای خانواده

۳. صافی گلپایگانی، گفتمان مهدویت، ص ۱۵۱-۱۵۲.



تربیت کند.

ب) اعتلای محبت فرزندان: «محبت» رکن انتظار و قوی‌ترین عامل حرکت و استقامت در این مسیر، ثمره معرفت و دارای رابطه هم‌افزایی با آن است. «محبت به وجود کمال در محبوب و معرفت محب نسبت به آن وابسته است.»<sup>۱</sup> البته استعداد محب در معرفت‌یابی عامل مهم‌تری است. قرآن به لحاظ نقش زیر بنایی محبت در تعالی یا انحطاط انسان هر محبتی را تأیید نمی‌کند.<sup>۲</sup> مهم‌ترین محبت ایجابی قرآن مودت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است<sup>۳</sup> که فطری است و اشتداد آن برای سیر تکاملی انسان ضرورت دارد.

از ضروریات تربیت نسل منتظر، تربیت عاطفی و جهت‌دهی به گرایش‌های قلبی و محبت اوست که چون نمونه محسوس و عینی حقایق جامعه مهدوی در دست نیست، پرورش محبت به آن امور کار ساده‌ای نیست.

هر چند بخشی از این محبت از راه وراثت و شیر نیز به فرزند منتقل می‌شود؛ مادر منتظر باید مراحل رشد عاطفی فرزند را به درستی طی کند و با محبت و مهرورزی به فرزند، متناسب با مراحل رشدی و همدلی و همراهی با او و دقت در نحوه پاسخگویی به نیازهای فرزند و پرهیز از غرق کردن فرزندان در لذات مادی، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی عاطفی و تکامل محبت فرزندان به حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام باشد. مادر برای اجرای این نقش می‌تواند از ابزارهایی همچون شعر و قصه در سنین پایین استفاده کند و نیز در سنین نوجوانی و جوانی با تبیین روایات مرتبط با زیبایی‌های حیات طیبه مهدوی و محبت امام زمان به انسان‌ها، به خصوص نسبت به پیروان و شیعیان مانند فرمایش امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام: «ما هرگز امور شما را مهمل نگذاشته شما را فراموش نمی‌کنیم.»<sup>۴</sup> محبت متقابل فرزند را به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و همانندی با ایشان و عشق به تحقق آرمان‌های مهدوی در جامعه برانگیزد. علاقه به ولی عصر و جامعه موعود در مراتب پایین

۱. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ص ۳۳۱.

۲. بقره: ۲۱۶.

۳. شوری: ۲۳.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

می‌تواند به دلیل تمایلات فردی یا علایق خانوادگی برای گشایش در امور مادی، علمی و معنوی باشد؛ اما این محبت در سیر تکاملی به مراتبی برای نجات هموعان و اجزای هستی و در نهایت برای تحقق امر الهی منجر می‌شود، به شرطی که تعالیم و عملکرد مادر منتظر راهنمای فرزند در کاستن از تعلقات مادی باشد.

#### ۴-۳-۲-۳. بعد رفتاری

الف) تأمین سلامت جسمانی - روانی فرزند: لازمه انتظار واقعی، تلاش و جهاد علمی و عملی برای زمینه‌سازی ظهور حکومت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح است. پس یاران امام‌زمان، باید از نظر ارادی، روحی، جسمانی و روانی جوانانی سالم و قوی باشند تا امکان فعالیت و پویایی داشته باشند. در قرآن نیز نیرومندی جسمانی در کنار توانمندی روحی ملاک انتخاب برای فرماندهی نظامی قرار گرفته است.<sup>۱</sup> سلامت و نیرومندی قوای جسمانی می‌تواند زمینه‌ساز کسب کمالات معنوی باشد. مادر منتظر برای پرورش فرزندی با بدن نیرومند و روحیه‌ای استوار با شناسایی و به کارگیری عوامل تأمین سلامت جسمانی - روانی، همچون تغذیه، ورزش و رعایت اصول بهداشتی، به تربیت فرزندی پویا، سالم و با نشاط می‌پردازد.

قرآن به توجه انسان بر نحوه تهیه غذا و آثار آن بر جسم و روح و روان وی تأکید دارد.<sup>۲</sup> از آن جا که در محیط جنینی تغذیه جنین از خون مادر است؛ تأثیرپذیری‌های جسمی و روحی مادر بر چگونگی رشد جسمی و روحی جنین تأثیر بسزایی دارد.<sup>۳</sup> زن منتظر در جایگاه مادری باید در دوران بارداری و شیردهی مراقبت ویژه‌ای در طهارت تغذیه جسمی و فکری خود داشته باشد و در مراحل بعدی زندگی فرزند نیز، ضمن پرهیز از اسراف، نیازهای زیستی فرزند را در حد اعتدال پاسخ دهد و مراقب کمیت و کیفیت تغذیه فرزند خود باشد. همچنین برای تندرستی و شادابی

۱. بقره: ۲۴۷.

۲. عبس: ۲۴.

۳. آقا تهرانی و حیدری کاشانی، خانواده و تربیت مهدوی، ص ۹۶.

جسم و نشاط روح و رفع خستگی ورزش کند.<sup>۱</sup>

از آن جا که زن منتظر می‌خواهد ارزش‌های زندگی منتظرانه را به فرزند خود منتقل کند، باید مادر مورد اعتماد او باشد تا مرجع ارزشی فرزند بوده و نفوذ تربیتی در فرزند داشته باشد. این اعتمادآفرینی زمانی ممکن خواهد بود که کودک، مادر خود را به عنوان مادری پاسخگو و حمایتگر، آگاه و قوی بشناسد. برای تأمین سلامت روانی فرزند، لازم است مادر منتظر، شناسایی و محافظت فرزند از آسیب‌های احتمالی محیط پیرامون فرزند، به‌ویژه گروه‌های دوستانه فرزند و رسانه‌های ارتباط جمعی، حمایت‌گری در زمان نیاز فرزند به پشتیبانی، پاسخگویی به نیازهای طبیعی، از جمله نیازهای عاطفی و سوالاتی که با توسعه و رشد مداوم ذهن فرزند در مراحل مختلف زندگی (اعم از کودکی، نوجوانی و جوانی) برای وی مطرح می‌شود، اولویت اقدامات خود قرار دهد. نحوه پاسخگویی مادر، می‌تواند راهنمای فرزند برای جست‌وجوگری در جهان پیرامون و تعامل با جهان و انسان‌های دیگر و سیر مطالعاتی مناسب برای یافتن پاسخ پرسش‌های متعدد، به‌ویژه در امور معنوی و دینی باشد.

ب) محکم‌کردن بنیان خانواده، به مثابه کانون تربیت نسل منتظر: تمدن‌سازی مهدوی جز با داشتن خانواده‌های سالم و مستحکم امکان‌پذیر نیست؛ چرا که جامعه، مجموعه‌ای است از خانواده‌ها که افراد جامعه درون آن‌ها تربیت می‌شوند. اگر پیوندها در خانواده سست باشد، تربیت درست و متعالی آن هم در تراز جامعه مهدوی میسر نخواهد شد. «جامعه انسانی نیازمند عواملی است که گرایش و صفای ضمیر بین افراد آن تأمین شود و صرف قوانین کافی نیست. از طرفی خانواده‌های متعدد عامل تحقق مجتمع رسمی هستند و تا زمانی که اسباب رأفت و گرایش در میان اعضای خانواده پدید نیاید، صفای ضمیر و روح تعاون در جامعه برقرار نخواهد بود و مهم‌ترین عامل ایجاد رأفت و گذشت و ایثار در خانواده تجلی روح مادر در بین اعضای خانواده است.»<sup>۲</sup> منظور از استحکام خانواده این است که در متن خانواده عدالت، اخلاق و

۱. صافی گلپایگانی، زن در پرتو اسلام، ص ۱۴۳.

۲. جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۱.

حقوق تمام اعضا رعایت شود و تمام افراد خانواده فرصت رشد و بالندگی در فضای مملو از آرامش را داشته باشند و از حمایت سایر اعضای خانواده برخوردار گردند. بنابراین، زن منتظر، باید ابتدا به شناسایی عوامل و موانع استحکام خانواده، اعم از اقتصادی، فرهنگی، عاطفی بپردازد و سپس با واکاوی درونی خود به مدیریت هدف و نگرش خود نسبت به ازدواج و تعهدات خود در قبال زندگی مشترک اقدام کند. نوع نگرش زن و انگیزه او برای تشکیل خانواده، مانند قطب‌نمای زندگی تعیین‌کننده مسیر حرکت خانواده است. با تجدیدنظر در انگیزه‌ها و تعالی بخشی به آن‌ها، ضمن این‌که زن تکامل شخصیتی می‌یابد، به دلیل احساس مسئولیت در برابر سایر اعضای خانواده از توانایی خود در مدیریت امور داخلی خانواده برای کنترل عوامل آسیب‌زا، مدیریت منابع مالی بر مبنای نیازهای واقعی خانواده، غنی‌سازی فضای عاطفی خانواده و مدیریت روابط برون خانوادگی بر مبنای اصول اسلامی و رعایت حریم عفاف و حجاب، می‌تواند به استحکام بنیان خانواده اقدام کند. حفظ بنیاد خانواده، امنیت اخلاقی جامعه و مصالح دیگر همه فقط در گرو عمل به دستوره‌های اسلام است. زن‌ها نباید در عرصه‌هایی که حضورشان از شأن آن‌ها می‌کاهد، وارد شوند.<sup>۱</sup>

تأثیر آگاهی از نقش و وظایف خود بر زندگی و پذیرش مسئولیت‌ها در استحکام خانواده و نقش حساس زنان در تربیت فرزندان که در حقیقت، تربیت نسل‌های آینده است، اهمیت تعلیم و تربیت بانوان جامعه را روشن می‌کند. بنابراین، زن منتظر برای ایفای نقش اجتماعی خود در مسیر تربیت نسل منتظر، باید از طریق آموزش بانوان جامعه و تعلیم مهارت‌های مدیریتی، همچون مدیریت عواطف، اقتصادی و تربیتی زمینه‌های استحکام خانواده‌ها را که در حقیقت کانون‌های تربیت نسل منتظر هستند؛ فراهم آورد.

**ج) ترویج سبک زندگی منتظرانه:** زن منتظر، به رشد و بالندگی خویش، خانواده و جامعه متعهد است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های او، انتقال ارزش‌های مهدوی به نسل‌های بعدی و همچنین ترویج این ارزش‌ها در سطح جامعه است. با ترویج نوع خاصی از سبک زندگی، می‌توان

۱. صافی گلپایگانی، زن در پرتو اسلام، ص ۱۱۴.

باورها و ارزش‌های مرتبط با آن را نیز انتقال داد. بنابراین، ترویج سبک زندگی منتظرانه در خانواده، اقدامی اساسی در تربیت نسل منتظر است که زن منتظر به عنوان همسر و مادر، اصلی‌ترین نقش را در این زمینه ایفا می‌کند. روش زندگی هر شخص عمدتاً در دوران کودکی او آموخته می‌شود و کودک بهترین زمان تکوین شخصیتی خود را که بیش‌ترین تأثیرپذیری را از الگوهای اطراف دارد، با مادر سپری می‌کند. از سوی دیگر، مادر بیش‌ترین و زیباترین و پاک‌ترین رابطه عاطفی را با کودک دارد. بنابراین، مادر به عنوان الگوی اصلی که به شدت مورد علاقه فرزند است، چارچوب کلی سبک زندگی فرزند را تعیین می‌کند. منتظرانه زیستن متمایز از زندگی دیگران، هدفمندانه و امیدوارانه، دارای خطوط قرمز معینی، ضمن این‌که شامل عمل به آداب دینی است؛ در آن خلاصه نمی‌شود، بلکه چگونگی عملکرد فرد را در موقعیت‌های گوناگون زندگی مثل کار، تفریح، نوع پوشش، نوع تغذیه، روابط خانوادگی و تعاملات اجتماعی در برمی‌گیرد.

زن منتظر با ترویج سبک زندگی منتظرانه می‌تواند زمینه‌ساز پویایی و خلاقیت و شکوفایی اعضای خانواده باشد. در چنین خانواده‌ای حقوق متقابل افراد رعایت و به نیازهای روحی و روانی افراد پاسخ مناسب و به موقع داده می‌شود و این امر موجب انس و الفت بیش‌تر بین اعضای خانواده می‌گردد و زمینه انتقال ارزش‌ها را فراهم می‌کند. زن منتظر باید با بازنگری در تعهدات خویش، در جهت زمینه‌سازی برای ظهور با مدیریت سبک زندگی در پرتو آموزه‌های مهدوی و آکنده‌کردن فضای خانه به یاد حضرت ولی عصر و احساس حضور دائم در محضر ایشان و تنظیم اعمال بر مبنای رضایت ایشان، همچنین با تأکید بر نماز اول وقت و تنظیم برنامه‌های روزانه بر مبنای اوقات نماز و دعا و ندبه نیز در فضا سازی و ایجاد انگیزه برای معرفت‌جویی و ارتقای وجودی اعضای خانواده اقدام کند؛ چرا که «جمله‌های دعای ندبه احساسات را به هیجان می‌آورد و خواننده را تکان می‌دهد و از کفر و شرک و تجاوز و ظلم و ستم متنفر می‌سازد، و این‌ها همه آثار ایجابی و مثبت است.»<sup>۱</sup> نکته حائز اهمیت این است که تدوام یاد امام باید با شیوه‌های جذاب و لذت‌بخش صورت گیرد تا موجبات اشتیاق فرزندان را فراهم

۱. همان، فروغ ولایت در دعای ندبه، ص ۱۷۵.

کند، نه این که احساس اشباع و دلزدگی ایجاد کند.

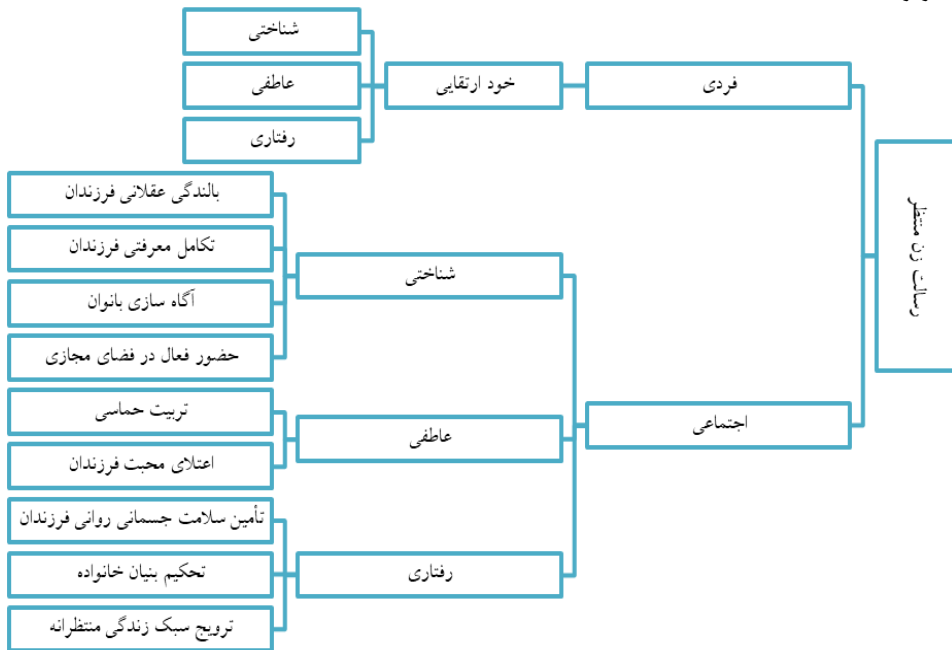
## ۵. نتیجه‌گیری

بر اساس روایات معتبر مرتبط با آموزه انتظار، روشن می‌شود که تحقق انقلاب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف منوط به اشتیاق و استعداد انسانی در جهت آرمان‌های آن حضرت منوط است که این امر با تربیت نسل منتظر محقق می‌شود. شایسته‌ترین فرد برای تربیت نسل منتظر، «زن منتظر» است که خود دارای مراتبی از انتظار می‌باشد و در سیر تکاملی خویش می‌تواند در نقش مادر به تربیت فرزندان منتظر بپردازد. برای توفیق در تربیت نسل منتظر، زیرساخت‌هایی همچون تأمین سلامت جسمانی - روانی، رشد عقلانی و جلب اعتماد فرزند به مادر ضرورت دارد. همچنین زن منتظر می‌تواند با پرهیز از ایجاد عادت‌های انفعالی بدون پشتوانه معرفتی و عاطفی و استفاده از روش‌های غیرمستقیم در قالب سبک زندگی منتظرانه در متن خانواده؛ ضمن رعایت تناسب نحوه ارائه مطالب با اقتضات سنی و میزان رشد عقلی و ذهنی فرزندان، مسیر تکامل معرفتی و اعتلای محبت فرزندان به امام زمان و آرمان‌های بلند ایشان را فراهم آورد. البته برای تداوم نفوذ تربیتی، خود مادر همواره باید در حال رشد و تکامل علمی و معنوی و مهارتی باشد و به عنوان الگویی فعال در عرصه یاری امام زمان مایه سرزندگی و پویایی فرزندان باشد. آگاهی مادر به مسائل روز جامعه و جهان، شیوه‌های جدید تربیتی و توسعه قابلیت‌ها و تخصص‌های خود، به‌ویژه در استفاده از فضاها و ابزارهای ارتباطی، می‌تواند بر قوت مرجعیت ارزشی مادر از دیدگاه فرزندان مؤثر باشد. زن منتظر در برابر جامعه خویش نیز تعهداتی دارد که عمل به آن‌ها می‌تواند به تربیت نسل منتظر در خانواده‌های دیگر منجر شود. این امر با روشنگری درباره ارزش و جایگاه زن در فرهنگ غنی اسلام و نظام مهدوی و تبلیغ آرمان‌های جامعه پس از ظهور، معرفی آموزه مهدویت با تمرکز بر عناصر قوت و جذابیت‌های آن؛ غالباً در زمینه‌هایی که بشر معاصر در آن زمینه‌ها دچار درماندگی است و تعلیم مهارت‌های لازم برای استحکام خانواده و فرزندپروری برای بانوان جامعه میسر می‌شود. زن منتظر با استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی، حتی می‌تواند به اثرگذاری در سطح جهانی بیندیشد؛ چرا که آرمان

او آرمانی جهانی است. در این زمینه پیشنهاد می‌شود:

الف) حداقل بخشی از بانوان منتظر، به زبان‌های ملت‌های مختلف آشنایی و بر آن زبان‌ها تسلط داشته باشند تا در صورت نیاز با زبان خودشان با آنان احتجاج کنند.

ب) از آن‌جا که همه ادیان الهی ظهور منجی را نوید داده‌اند، بنا به دستور قرآن (آل عمران: ۶۴) شایسته و بایسته است زنان منتظر، با شناخت از ادیان الهی برای آغاز دعوت بر مشترکات تمرکز کنند.



شکل ۱. رسالت‌های زن منتظر در حوزه‌های فردی و اجتماعی

## منابع

قرآن کریم.

۱. آقا تهرانی، مرتضی و حیدری کاشانی، محمدباقر، **خانواده و تربیت مهدوی**، تهران، کتاب یوسف،

۱۳۸۹.

۲. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۳. ازهری، ابو منصور محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، بیروت، دار احیا التراث العربی، بی تا.

۴. بنی هاشمی، سید محمد، **معرفت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریک**، تهران، نیک معارف، ۱۳۷۵.

۵. ژان پیاژه، **تربیت به کج راه می سپارد**، بی جا، بی تا.

۶. ثقفی، کامیار، **فضای مجازی، فرصت یا تهدیدی برای خانواده؟** پاسدار اسلام، ش ۳۶۷، ۱۳۹۱.

۷. جوادی آملی، عبدالله، **زن در آئینه جلال و جمال**، قم: رجا، ۱۳۷۱.

۸. \_\_\_\_\_، **ادب فنای مهربان**، ج ۲، قم، اسراء، ۱۳۸۴.

۹. \_\_\_\_\_، **تفسیر تسنیم**، قم، اسراء، ۱۳۹۱.

۱۰. آیت الله خامنه ای، سیدعلی، سخنرانی ۱/۳ / ۳۹۹ khamenei.ir.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-contentid=45227>

۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، **سیری در تربیت اسلامی**، تهران، ذکر، ۱۳۸۰.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی،

تهران، بی جا، ۱۳۸۳.

۱۳. شفیعی سروستانی، ابراهیم، **وظایف و مسئولیت های فردی و اجتماعی زنان منتظر**، نشریه

بانوان شیعه، ش ۲۸، ص ۱۷۴-۱۵۱، ۱۳۹۱.

۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، **انتظار عامل مقاومت**، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله

صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.

۱۵. \_\_\_\_\_، **فروغ ولایت در دعای ندبه**، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله

صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.

۱۶. \_\_\_\_\_، **باورداشت مهدویت**، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.



۱۷. \_\_\_\_\_، عقیده نجات بخش، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲.
۱۸. \_\_\_\_\_، اصالت مهدویت، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳.
۱۹. \_\_\_\_\_، پیام های مهدوی، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳.
۲۰. \_\_\_\_\_، گفتمان مهدویت، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳.
۲۱. \_\_\_\_\_، به سوی دولت کریمه، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴.
۲۲. \_\_\_\_\_، زن در پرتو اسلام، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴.
۲۳. \_\_\_\_\_، نوید امن و امان، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵.
۲۴. طباطبایی، سید محمد رضا، صرف ساده، قم، دارالعلم، ۱۳۷۹.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۶. ماسلایه، نانتیا و انصاری چشمه، رقیه، نقش زنان در زمینه سازی ظهور، پژوهش های اسلامی جنسیت و خانواده، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۲۷. مجلسی، محمدباقر بحار الأنوار، بیروت، نشر اسلامیه، ۱۴۰۳.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۵.
۲۹. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۳.
۳۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۱. معین الاسلام، مریم، زن منتظر و منتظر پروری، نشریه انتظار موعود، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۸۶.
۳۲. ناظم زاده، سیدعلی اصغر، جلوه های حکمت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

## وظایف زنان در زمینه سازی ظهور با تأکید بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی

فاطمه زهرا ستار<sup>۱</sup>

### چکیده

«غیبت» به دو قسم غیبت کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم می‌شود. در این عصر، مردم با مقوله انتظار به وصف منتظران نایل می‌شوند. در غیبت بلندمدت که به «غیبت کبرا» مشهور است، مباحث مختلفی نظیر شاخص‌های منتظران، جایگاه منتظران، نقش منتظران، کارکرد منتظران و وظایف منتظران مطرح است که در این جا تنها به بحث وظایف منتظران پرداخته می‌شود. وظایف منتظران از نظر جنسیت به دو قسم وظایف جامعه مردان و وظایف جامعه زنان تقسیم می‌شود که در این نوشتار تنها وظایف زنان منتظر عنوان می‌گردد. اصل وظایف از نظر تنوعی، سه قسم است: وظایف مخصوص مردان، وظایف مخصوص زنان و وظایف مشترک میان مردان و زنان منتظر که در این پژوهش تنها به دو گزینه اخیر، یعنی وظایف مشترک و وظایف مخصوص زنان پرداخته می‌شود. وظایف زنان منتظر در مقام عمل با دو شیوه «خوداندیشی» و «دیگر اندیشی»، اجرایی و عملیاتی می‌شود. در شیوه خوداندیشی، ابتدا زنان منتظر به خودسازی و اصلاحات فردی با رویکرد ایمانی، اخلاقی، عقیدتی، فرهنگی و... مبادرت می‌ورزند و در شیوه دیگراندیشی و اصلاحات اجتماعی با رویکرد دیگر سازی در قالب تربیت نسل منتظر، تشویق مردان به حضور در صحنه، آموزش محبت و عشق ورزی به امام زمان به مردان، رعایت حجاب و عفاف و مواردی از این گونه اقدام می‌شود. بی‌شک با توجه به این که نیمی از جمعیت منتظران را جامعه زنان منتظر تشکیل می‌دهند، ضروری است بحث زنان منتظر و وظایفی که این گروه در دوران غیبت کبرا دارند،

به تفصیل با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بحث و بررسی گذاشته شود و از آن جا که طرح بحث باید دارای انسجام ساختاری و نظم معرفتی باشد، قالب و چارچوب این بحث با محوریت اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی در خصوص وظایف زنان در زمینه‌سازی ظهور، پی گرفته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** وظایف منتظران، وظایف زنان، غیبت کبرا، خوداندیشی، دیگراندیشی، آیت‌الله صافی گلپایگانی.

## مقدمه

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام دارای دو نوع غیبت، یعنی غیبت کبرا و صغرا می‌باشد؛ به این معنا که یکی طولانی مدت و دیگری کوتاه مدت است و یکی غیبتش کامل و دیگری غیبتش ناقص است و یکی با نقش آفرینی نایبان عام و دیگری با نقش آفرینی نایبان خاص از یکدیگر متمایز می‌گردند. در غیبت کبرا مسائل مختلفی نظیر جایگاه منتظران، وظایف منتظران، نقش منتظران و اوصاف منتظران مطرح است که در این جا تنها به وظایف منتظران پرداخته می‌شود. از آن جا که منتظران به دو قشر زنان و مردان منتظر تقسیم می‌شوند؛ در این نوشتار تنها به وظایف زنان منتظر در بحث زمینه‌سازی ظهور، با تأکید بر اندیشه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی پرداخته می‌شود. بی شک از نظر تکوینی با رویکرد ماهیت‌شناختی و از نظر تشریحی با رویکرد دین‌شناختی، میان زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد.<sup>۱</sup> بر اساس این تفاوت‌ها، برخی وظایف و رسالت‌های زنان در خصوص انتظار و زمینه‌سازی ظهور نیز متفاوت و متمایز می‌گردد. از این رو، ضروری است به بررسی و تحلیل نقش زنان و وظایف آن‌ها در خصوص انتظار و زمینه‌سازی ظهور به صورت مستقل پرداخته شود.

به طور کلی در عصر غیبت وظایفی که بر عهده منتظران قرار دارد، متنوع و مختلف است. با نگرش تسامحی می‌توان آن وظایف را به سه قسم تقسیم کرد: وظایف مخصوص مردان، وظایف مخصوص زنان و وظایفی که مردان و زنان در آن مشترک هستند؛ یعنی اجرای این وظایف به

۱. صافی گلپایگانی، معارف دین، ج ۱، ص ۲۰۲.

زنان، دون مردان و یا مردان، دون زنان اختصاص ندارد؛ مثلاً ترویج روحیه اصلاح و اصلاح‌گری، ایمان و دین‌مداری، توحید و خدامحوری، تقوا و خداترسی، ایثار و از خودگذشتی، صداقت و درستکاری که از جمله وظایف منتظران در عصر غیبت است؛ زنان و مردان منتظر به صورت مشترک تحقق و اجرای آن‌ها را بر عهده دارند و در این قسم میان زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد؛ اما موضوعاتی نظیر تربیت نسل منتظر، رعایت حجاب و عفاف، تشویق مردان به اجرای وظایف منتظرانه، حضور در صحنه‌های اجتماعی و نقش‌آفرینی در خصوص زمینه‌سازی، درس عاطفه و عشق‌ورزی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نسل منتظر و عمدتاً به زنان اختصاص دارد. گرچه مردان منتظر نیز می‌توانند در این مسیر گام بردارند؛ اولویت در این موضوعات به زنان منتظر متعلق می‌باشد. البته در این نوشتار به وظایف زنان به صورت مطلق که بعضاً به صورت غالبی به زنان اختصاص دارد و بعضاً به صورت اشتراکی میان زنان و مردان مطرح است، پرداخته می‌شود.

### وظایف و رسالت زنان منتظر

به طور کلی وظایف و رسالتی که زنان در عصر غیبت برای زمینه‌سازی ظهور دارند؛ در دو قالب «خوداندیشی» و «دیگران‌دیشی» قابل تقسیم است. در قالب اول، موضوعات و وظایفی مطرح می‌شوند که زنان باید آن‌ها را در خودشان تحقق بخشند و خودشان قبل از هر چیزی باید به آن‌ها مزین و آراسته باشند و عموماً این وظایف با رویکرد اصلاحات فردی توجیه می‌شوند، نظیر اعتقادورزی به خدا، دین و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آراستگی به اخلاق، منش و بینش انسانی و پایبندی به عبادت، بندگی و سبک زندگی اسلامی.<sup>۱</sup>

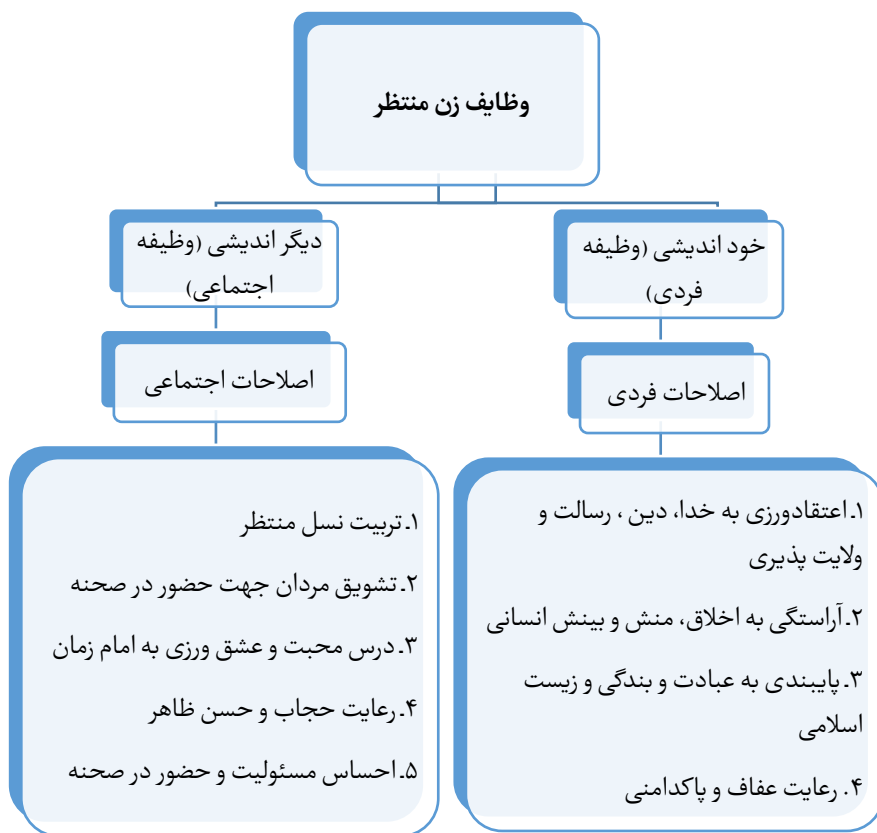
آیت‌الله صافی در این زمینه می‌فرماید:

وظیفه مردم در زمان غیبت و حضور، اطاعت از دستوره‌های دینی و تقوا را سرلوحه زندگی قرار دادن است. بلی، در زمان غیبت دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت و

۱. همان، ج ۳، ص ۱۵۷.

صدقه دادن برای سلامتی آن بزرگوار و انتظار مقدم مبارکش و به وجود آوردن دولت کریمه و شب و روز به یاد آن حضرت بودن، از وظایف مهمه عصر غیبت است.<sup>۱</sup>

اما در قالب دوم که قالب اجتماعی است، موضوعاتی مطرح هستند که بیش تر مربوط به اجتماع و در جهت مراوده با دیگران تعریف می شوند؛ زن منتظر، وقتی که به اصلاحات فردی و به خوداندیشی و خودسازی پرداخت، وظیفه و رسالت دیگری به نام دیگراندیشی و دیگرسازی در قالب اصلاحات اجتماعی برای او خودنمایی می کند؛ یعنی دیگراندیشی از مسیر خوداندیشی، و دیگرسازی از کانال خودسازی عبور می کند؛ زیرا رویه درست همین است که زنان منتظر قبل از آن که دیگران را به مبانی اخلاقی و دینی توصیه و برای زمینه سازی ظهور، دیگران را به فعالیت های اجتماعی تشویق کنند؛ ابتدا باید خودشان خودساخته و اخلاق مدار و درست کار باشند تا توصیه های آن ها جهت اصلاحات فردی و اجتماعی در دیگران تأثیرگذار باشد.



### الف) خود اندیشی

وظیفه اولیه‌ای که زنان منتظر در عصر غیبت باید به منظور زمینه‌سازی ظهور انجام دهند، «خوداندیشی» است. در واقع خودسازی قبل از دگراندیشی و دگرسازی است؛ زیرا مقوله خوداندیشی در قالب خودسازی و اصلاحات فردی نمایان می‌شود. اصلاحات فردی، اصلاحاتی هستند که زن منتظر بدون ارتباط با دیگران، باید شخصاً به آن‌ها مزین و آراسته باشد؛ نظیر ایمان به خدا، اعتقاد به معاد، باور به رسالت و امامت، اخلاق اسلامی، ولایت‌پذیری و رعایت عفاف و پاکدامنی.

### اصلاحات فردی

از جمله وظایف مهم جامعه زنان در عصر غیبت، خودسازی فردی، نظیر آراستگی به ایمان،

اخلاق، رفتار، منش و بینش اسلامی است. به بیان دیگر، وظایف مسلمین به طور فردی، انجام دادن واجبات و ترک محرمات و خودسازی است و نیز تخلق به اخلاق حمیده، مثل تواضع و قناعت و عدل و انصاف و ترحم و مواسات با برادران و خواهران و کسب معارف و آداب اسلامی و عبادات و اشتغال به ذکر و یاد خدا و انجام نوافل.<sup>۱</sup>

از جمله وظایف منتظران در عصر غیبت، علاوه بر رفتار منتظرانه و منش منتظران، باید گفتارشان منتظرانه باشد و برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دست به دعا و درخواست بردارند تا خداوند در ظهور امام زمان تعجیل کند.<sup>۲</sup> تحقق این وظایف، در واقع زمینه‌ساز ظهور خواهد بود. در این جا نمی‌توان همه موارد خوداندیشی درونی را که در قالب شاخص‌های اعتقادی، بینشی و کنشی مطرح است، به بحث و گفت‌وگو گذاشت. بر این اساس به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۱. زن منتظر و زندگی مؤمنانه

زن منتظر، با زندگی منتظرانه و مؤمنانه که با رویکرد اصلاحات فردی و شخصی توجیه می‌شود، باید به شاخصه ایمان و اعتقاد قلبی نسبت به خدا، معاد، رسالت، امامت و مهدویت مزین باشد. زن منتظر، در کنار کارهای روزمره و همراهی با خانواده و مشارکت در امور زندگی که همگی به نحوی به امور دنیایی و امرار معاش بشر مربوط می‌باشد، باید به شاخصه‌های متعالی، نظیر خدامحوری، دین‌محوری، ولایت‌پذیری مزین باشد.

«وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً»؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک

۱. همان، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۵۶.

من نخواهند کرد»<sup>۱</sup>.

در این آیه شریف، خداوند حکمرانی نیکوکاران را وعده داده است؛ وعده‌ای که در آن تخلف معنا ندارد و از خدای حکیم قبیح و محال است در آن تخلف کند. مخاطب وعده الاهی نیز به صورت مطلق، مرد و زن منتظر را شامل می‌شود. تحقق وعده الاهی که همان ظهور و تحقق وراثت منتظران بر روی زمین است، بر دو امر مهم به نام ایمان و صلاحیت مشروط و از این دو امر مهم متفرع می‌باشد؛ یعنی خداوند حکیم به زنان و مردان منتظر که دارای دو شاخص ایمان و صلاحیت می‌باشند، وعده داده است که وارثان و حاکمان زمین شوند تا به اهدافی چون استقرار دین حق، آرامش فراگیر و امنیت همه جانبه و در نهایت به عبادت و بندگی و دوری از شرک و بت پرستی برسند. بی‌تردید شاخص‌هایی که در آیه مذکور آمده‌اند، همگی با رویکرد فردی و شخصی توجیه می‌شوند و زنان منتظر باید این شاخص‌ها را در خود تحقق بخشند؛ یعنی زن منتظر با وصف ایمان و صلاحیت باید به وعده‌های الاهی ایمان و اعتقاد راسخ داشته باشد و در مسیر رسیدن به عبادت، بندگی، آسایش و امنیت در پرتو دین حق کوشا و پر تلاش باشد.

### زندگی منتظرانه و مؤمنانه در روایات

در روایات معصومان علیهم‌السلام شاخص‌ها و شرایط مختلفی برای زیست منتظرانه و مؤمنانه با رویکرد فردی و اجتماعی مطرح شده است. در ادامه به شاخص‌هایی پرداخته می‌شود که بیش‌تر با رویکرد فردی تعریف شده و در میان ارتباط چهارگانه فرد با خود، با خدا، با مردم و با طبیعت، مباحث در زمینه دو گزینه اولی، یعنی ارتباط، فرد با خود و با خدا باشند.

امام رضا علیه‌السلام در زمینه زیست منتظرانه و مؤمنانه می‌فرماید:

مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّدَقُ وَالصَّلَاحُ وَالْإِجْتِهَادُ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ  
وَ طَوْلُ السُّجُودِ وَالْقِيَامَ بِاللَّيْلِ وَاجْتِنَابَ الْمَحَارِمِ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ؛ از جمله

۱. نور: ۵۵.



دین ائمه علیهم‌السلام تقوا، پاکدامنی، راستگویی، صلاح، اجتهاد، رد امانت به نیکوکار و فاجر، سجده طولانی، شب زنده داری، دوری از محرمت و انتظار فرج همراه با صبر است.<sup>۱</sup>

بر اساس روایت مذکور، زندگی مؤمنانه با شاخص‌هایی نظیر تقوا و خداترسی، عفت و پاکدامنی، صدق و راستگویی، صلاحیت و درستکاری، تلاش و اجتهاد، امانت و امانت داری، عبادت و بندگی، و دوری از محرمت و گناه، به زندگی منتظرانه تبدیل می‌شود و لذا فاصله میان زندگی منتظرانه و مؤمنانه شاخص‌هایی هستند که در روایت پیش گفته به آن اشاره شده است. به بیان دیگر، فرد منتظر به طور عام و زن منتظر به طور خاص زمانی از زندگی مؤمنانه به زندگی منتظرانه می‌رسد که همه شاخص‌های مذکور را که بیش‌تر با رویکرد فردی و شخصی (اصلاحات فردی درونی) تعریف می‌شود، در زندگی خود به درستی تحقق بخشد.

در مورد تحقق زندگی مؤمنانه و منتظرانه، روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که دقیقاً به بیان شاخص‌هایی می‌پردازد که قبولی اعمال انسان منتظر متفرع بر آن‌ها می‌باشد:

لَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ وَ الْوَرَعُ وَ الْاجْتِهَادُ وَ الطَّمَأْنِينَةُ وَ الْإِنْتِظَارُ لِلِقَائِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ؛ شما را خبر ندهم از چیزی که خداوند هیچ عملی را از بندگان بدون آن نمی‌پذیرد؟» عرض کردم: بفرمایید. حضرت فرمود: «گواهی دادن بر این که معبودی جز الله نیست و این‌که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ بنده او و فرستاده او است، و اقرارکردن به هر آنچه خداوند به آن امر فرموده است و دوستی از برای ما، و بیزاری از دشمنان ما، یعنی ما امامان بخصوص و تسلیم‌شدن به آنان و پرهیز و کوشش و اطمینان داشتن، و چشم به راه قائم بودن».<sup>۲</sup>

بر اساس روایت مذکور، زمانی باورمند اسلامی، از جمله زن منتظر می‌توان قبولی اعمال و

۱. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

عبادات را مدعی باشد که موارد و مؤلفه‌های ذیل را داشته باشد: اولاً، ایمان به خدا و یگانگی او؛ ثانیاً، ایمان به رسالت و پیامبر گرامی اسلام ﷺ؛ ثالثاً، اعتقاد به اوامر و نواهی الهی؛ رابعاً، ولایت‌پذیری و همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام؛ خامساً، دوری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و بی‌زاری از آن‌ها؛ سادساً؛ اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام و تسلیم در برابر آن‌ها؛ سابعاً، تقوا و خداترسی؛ ثامناً، تلاش و کوشش در امر دین؛ تاسعاً، اطمینان و توکل به خدا و عاشرماً، امید و انتظار به فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

شاید در ترتب شاخصه‌های ده‌گانه که وصف انتظار فرج، به عنوان آخرین شاخصه بیان شده است، نکته لطیفی باشد؛ به این بیان که انتظار فرج نتیجه بخش و منتهی الیه همه شاخصه‌های نه‌گانه بوده و زندگی منتظرانه زمانی زندگی مؤمنانه و منتظرانه می‌شود که همه شاخصه‌های نه‌گانه را داشته باشد.

در مجموع، جایگاه زن در اسلام رفیع و با‌قداست و با‌احترامی خاص است. در همه ارزش‌ها که رأس و اساس آن‌ها، ایمان و ثواب عبادات و طاعات و مقامات و درجات حقیقی است؛ زن، از مرد کم‌تر نیست، و در میدان مسابقه فردی، بسا زن‌ها که بر بیش‌تر مردها برتری می‌یابند، و در این میدان، باعث ترقی و تقرب به خدا، ابراهیم‌وار و اسماعیل‌سان تسلیم امر خدا بودن و احکام خدا را از دل قبول داشتن است.<sup>۱</sup>

## ۲. زن منتظر و اخلاق منتظرانه

«اخلاق» در مفهوم‌شناسی و اصطلاح‌شناسی به صفات و ملکات نفسانی گفته می‌شود که در باطن انسان «نهادینه» شده است. البته برخی قید «پایدار» را قبول ندارند، بلکه صفات درونی غیر پایدار را نیز در قالب صفات اخلاقی تعریف می‌کنند و برخی دیگر قید «فضل» را بر صفات و ملکات اضافه و تعریف اخلاق را به فضایل اخلاقی منحصر می‌کنند.<sup>۲</sup> برخی دیگر، برون‌داد و

۱. صافی، معارف دین، ج ۳، ص ۳۰۲.

۲. مصباح یزدی، دروس فلسفه اخلاق، ص ۱۰.

رفتار اخلاقی را در تعریف اخلاق وارد می‌کنند و اخلاق را به طور کلی به صفات و ملکات، اعم از پایدار و غیرپایدار و نیز به رفتار و اعمال برآمده از آن‌ها و اعم از خوی‌های پسندیده و ناپسند و اعم از اخلاق فردی و اجتماعی دانسته و همه را در قالب تعریف اخلاق آورده‌اند.<sup>۱</sup>

مراد از مفهوم اخلاق در این جا در میان تعاریف مختلف، «فضایل اخلاقی» است.

میان فضایل اخلاقی و انتظار، رابطه وثیق و مهمی وجود دارد؛ زیرا از یک طرف انتظار بستر ساز فضایل اخلاقی و از طرف دیگر، فضایل اخلاقی بستر ساز ظهور می‌باشد. بی شک هدف علم اخلاق این است که انسان را به کمال و سعادت که همان قرب الاهی است، برساند و بالتبع هدف انتظار این است که انسان را به کمال و سعادت منتظران که همان ظهور باشد، برساند و در نهایت، بعد از رخداد ظهور، انسان را به کمال نهایی که همان قرب الی الله باشد، خواهد رساند.

### انتظار پویا، زمینه ساز اخلاق نیکو در زنان منتظر

باورمندی به انتظار و اعتقادورزی به امام حی و زنده که بر اعمال و رفتار ما منتظران اعم از زن و مرد مربوط می‌باشد، حس خود نظارتی و خود کنترلی را در وجود ما تقویت می‌کند و زمینه ساز مانعیت از شکل‌گیری صفات بد و رفتار ناپسند و به طور کلی مصونیت از رذایل اخلاقی می‌شود. اعتقاد به انتظار دو نوع کارکرد اخلاقی عام و کارکرد اخلاقی خاص را برای باورمندان به ارمغان می‌آورد.

در کارکرد اخلاقی عام، وقتی که منتظران به انتظار و امام زنده باور و اعتقاد داشته باشند که ایشان بر اعمال و رفتار آن‌ها، اعم فردی و اجتماعی، ظاهری، باطنی، فکری و اعتقادی، نظارت و آگاهی کامل دارد؛ خود به خود حس خود نگهداری و پایبندی به اخلاق و رفتار اسلامی در منتظران احیا و تقویت می‌شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ هر کس که از بودنش در شمار یاران امام قائم شادمان است، باید در انتظار به سر ببرد و با همین حال انتظار به پرهیز و

۱. جمعی از نویسندگان، شناخت اخلاق اسلامی، ص ۲۲.

اخلاق نیکو رفتار کند.<sup>۱</sup> در این روایت به دو نوع شاخص فردی که باید منتظران بدان آراسته باشند، اشاره شده که یکی در ارتباط با خلق و دیگری در ارتباط با خالق می‌باشد؛ یعنی منتظران واقعی با خداترسی و رعایت پرهیزکاری ارتباط خویش را با خدا تنظیم و تصحیح می‌کنند و با بهره‌مندی از اخلاق نیکو و اسلامی، رابطه خویش را با هم‌نوعان انتظام و سامان می‌بخشند.

در کارکرد اخلاقی خاص، مقوله انتظار بر اساس ماهیت شناختی مورد بررسی و سنجه قرار می‌گیرد؛ زیرا انتظار از نظر ماهیت و مفهوم دارای شاخص‌هایی است که از درون و حاق انتظار بر می‌خیزند، نظیر صبر، مقاومت و امیدواری؛ و انتظار ماهیتاً بدون نگاه بیرونی حاوی این شاخص‌ها است، یعنی اگر انتظار را از لحاظ مفهوم‌شناسی مورد واکاوی قرار دهیم؛ ملاحظه می‌شود که انتظار، یعنی صبر و چشم به راه‌بودن و در واقع، صبوری (مقاومت) ورزیدن برای آمدن منجی و به معنای امیدواربودن به رخداد ظهور است. در واقع به نوعی این شاخص‌های خاص با دلالت‌های التزامی از مفهوم و ماهیت انتظار قابل استنباط است. پس مقوله انتظار در کارکرد خاص، زمینه‌ساز اخلاق خاص، نظیر صبر، مقاومت و امیدواری است. بنابر این، انتظار با نگرش عام زمینه‌ساز اخلاق عام و با نگرش خاص زمینه‌ساز اخلاق خاص می‌باشد.

### اخلاق نیکوی زن منتظر، زمینه‌ساز انتظار پویا

رخداد ظهور، متفرع بر انتظار پویا است. انتظار پویا تداعی‌گر ظهور و شایستگی منتظران، به ویژه زنان منتظر است. شایستگی و لیاقت منتظران گویای آمادگی و بایستگی آن‌ها برای ظهور خواهد بود. به طور کلی رخداد ظهور، به افعال سه‌گانه خدا، امام و منتظران وابسته می‌باشد. به عبارت دیگر، رخداد ظهور بر شکل‌گیری سه اراده، یعنی اراده خدا، اراده امام و اراده منتظران متفرع می‌باشد. اراده خدا در نقش علت اصلی و اراده امام و مردم در نقش علت تمهیدی خواهد بود. اراده خدا و امام برای رخداد ظهور همیشه وجود داشته و خواهد داشت. در این میان، عدم رخداد ظهور تنها به فعل و اراده منتظران باز می‌گردد و فقدان اراده جدی و عزم راسخ منتظران،

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

اعم از زن و مرد که در قالب عدم آمادگی کامل نمایان می‌شود، زمان ظهور را به تأخیر انداخته است. پس رخداد ظهور بعد از اراده خدا و امام، به آمادگی مردمان و جامعه منتظر متکی می‌باشد. این آمادگی باید آمادگی کامل و جامع باشد و در ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی، دینی و اخلاقی، سیاسی و نظامی، فرهنگی و تمدنی بروز داشته باشد. از جمله آمادگی منتظران که بر رخداد ظهور نقش مهم و تأثیرگذار دارد، آمادگی اخلاقی منتظران است که در این پژوهش به زن منتظر اشاره شده است و این نکته عنوان گردیده که اراده خانواده و تربیت نسل منتظر بر عهده اوست و لذا باید از نظر اخلاقی و منش رفتاری طوری به تعالی و رشد رسیده باشد که به مثابه منتظر، صالح، صبور، مقاوم، خداترس، ظلم ستیز، مظلوم نواز و عدالت پیشه باشد تا همسختی و هم‌نوایی میان زن منتظر با امام منتظر و جامعه زنان منتظر با جامعه زنان منتظر برقرار شود؛ زیرا بر اساس فرمایش قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دارای اخلاق بزرگی است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۱</sup> و بر اساس فرمایش رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الشَّرِيفَ از نظر اخلاق و منش شبیه‌ترین فرد به ایشان است: «أَشْبَهُ النَّاسِ بِى خُلُقًا وَ خُلُقًا»<sup>۲</sup> پس امام مهدی دارای اخلاق عظیمی است.

از این رو، زنان منتظر که بخش قابل توجهی از جمعیت جامعه منتظران را به خود اختصاص داده‌اند و در مسیر زمینه‌سازی ظهور و رخداد آن دارای مسئولیت‌های عظیم و تأثیرگذاری هستند و مدیریت نهاد مهم خانواده و تربیت نسل منتظر به آن‌ها واگذار شده است؛ باید از نظر اخلاق و رفتار در زمینه اخلاق امام منتظر که دارای اخلاق عظیم و بزرگی است، به اخلاق اسلامی و انسانی در حد اعلا متخلق باشند تا هم‌سختی و هم‌پوشانی میان اخلاق منتظر و اخلاق منتظر معنا پیدا کند.

### ب) دیگر اندیشی

زن منتظر بعد از آن که به خوداندیشی که همان خودسازی و رعایت شاخص‌های نیک فردی،

۱. قلم: ۴.

۲. خزاز رازی، کفایت الاثر، ص ۲۶۷.

اعم از اصلاحات درونی و بیرونی است، پرداخت و به خصال نیک و شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری مزین شد، به دیگراندیشی با رویکرد اجتماعی خواهد پرداخت. بر این اساس، وظایف همه منتظران، از جمله زن منتظر، به طور عموم، همکاری با یکدیگر در اعلا‌ی کلمه اسلام و دفاع از کیان اسلام و مسلمین و امر به معروف و نهی از منکر و دفع بدع و ظلم ظالمان و ستمکاران و خلاصه اهتمام به همه اموری است که موجب عزت و ظهور شوکت مسلمین و خودکفایی و بی‌نیازی از بیگانگان و دفع استکبار و استیلا‌ی کفار و مخصوصاً حفظ هویت و شخصیت و استقلال اسلامی در همه موارد می‌باشد.<sup>۱</sup> بی‌شک شاخص‌هایی که منتظران، اعم از زن و مرد بدان مزین هستند و با وجود آن‌ها به نحوی از جامعه غیرمنتظر جداسازی می‌شوند، از طریق اعتقاد به انتظار حاصل می‌شود.

پس معلوم می‌شود که انتظار و عقیده به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه فکر و اندیشه را آینده‌گرا می‌سازد و مسلمان را برای مقاومت، استقامت، پایداری، مبارزه با باطل و جهل و فساد، آماده و مصمم می‌کند و او را با این فلسفه مهم تاریخ، در ضمن اصطلاحات دینی و قرآنی که کامل‌تر و صحیح‌تر از هر منطق دیگر بازگو کرده است؛ آشنا می‌نماید.<sup>۲</sup>

بی‌تردید عقیده با انتظار از نظر اجتماعی، بسیار مهم و انقلابی و مترقی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قیام و فعالیت تشویق می‌کند و از سستی و ترك وظایف و تسلیم زبونی و ذلیل شدن باز می‌دارد.<sup>۳</sup>

### ۱. تربیت نسل منتظر

زن منتظر در خانواده که کانون تربیت نسل منتظر است، نقش بی‌بدیل و تأثیرگذار دارد. سرنوشت بشر نیز با ایفای این نقش رقم می‌خورد؛ زیرا به صورت طولی و سلسله‌مراتبی، اولاً، زن

۱. صافی گلپایگانی، معارف دین، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. همان، ص ۳۷.

در خانواده نقش بی‌بدیلی دارد؛ ثانیاً، خانواده به عنوان واحد کوچک اجتماعی در جامعه نقش مهمی دارد؛ ثالثاً، جامعه خوب در سرنوشت بشر نقش مهم و تأثیرگذاری دارد؛ رابعاً، پس زن با واسطه در سرنوشت انسان‌ها دارای نقش خطیری است.

شاخص‌هایی که خداوند به صورت تکوینی در وجود زن قرار داده است، نظیر تحمل بالا، جان‌فشانی، عشق‌ورزی و از خودگذشتگی، برای تربیت نسل انسان بسیار مهم و حیاتی هستند. این شاخص‌ها کم‌تر در وجود مرد پیدا می‌شوند و کم‌تر مردان برای تربیت نسل بشر به ابزاری مثل بردباری، عشق‌ورزی، ایثار و جانفشانی مسلح هستند. از این رو بر اساس داده‌های علم روانشناسی، پژوهاک سخنان مادر در روح و جان فرزندان و هدایت بخشی آن‌ها از سخنان پدر به مراتب تأثیرات بیش‌تری دارد.

در تاریخ اسلام، در برهه‌های مختلف، نقش‌آفرینی زنان در تربیت و هدایت بخشی مردان به خوبی قابل رصد و نشانه‌گذاری است؛ مثلاً مردانی که در قیام عاشورا حماسه آفریدند، دست‌پرورده و تربیت‌شده دامن زنان شجاع، باایمان، فداکار و مؤمنی بودند که آن زنان چنین فرزندان به اسلام و جامعه اسلامی تحویل دادند. بررسی شخصیت مادران شهدای کربلا و میزان تأثیر تربیت آنان بر حماسه حسینی نمونه‌های بارز این نقش‌آفرینی زنان مسلمان است. به عنوان مثال، حضرت علی علیه السلام برای این که بتواند شخصیتی همچون «عباس علیه السلام» را به نهضت حسینی تحویل دهد، از برادرش، عقیل خواست تا همسری از خانواده شجاع انتخاب کند. آری، «ام‌البنین»، آن بانوی فداکار و باایمان بود که فرزندی همچون عباس به اسلام تحویل داد. این ماجرا به خوبی نشان می‌دهد که بهره‌مندی جامعه از انسان‌های بزرگ، تاریخ‌ساز و فداکار نیازمند آن است که در درجه نخست از وجود زنانی شجاع، باایمان، عقیف و فداکار بهره‌مند باشد؛ چنان که حضرت امام خمینی در بیان جایگاه زن در تربیت نسل انسان می‌فرماید:

زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند

می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد.<sup>۱</sup> زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است.<sup>۲</sup>

از جمله شاخص‌های مهم زن در محیط خانواده از دیدگاه قرآن کریم، آرام‌بخش بودن اوست که در آیات مختلفی بدان اشاره شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»<sup>۳</sup>؛ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا به واسطه آن آرامش یابید. «همچنین در آیه دیگر آمده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»<sup>۴</sup>. بی‌شک در فضای آرام خانواده که با محوریت زن منتظر و درایت او مدیریت می‌شود، تربیت نسل منتظر به آسانی تحقق پیدا می‌کند.

در روایات و سنت عملی حضرات معصومان علیهم‌السلام زن دارای جایگاه مهم در مسیر رشد و ترقی و دارای مسئولیت خطیر در خانواده می‌باشد و در این خصوص، روایات فراوانی از پیامبر گرامی اسلامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام نقل شده است. مثلاً رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص می‌فرماید: «الْحَيَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است.»<sup>۵</sup> نیز آن حضرت می‌فرماید: «فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ زن در خانواده نگهبان فرزندان و اهل خانه و نسبت به آن‌ها مسئول است.»<sup>۶</sup>

به طور کلی اسلام برای زنان وظیفه مهمی مشخص کرده است و آن‌ها را علاوه بر همدوشی و همترازی با مردان، در مسیر تعالی و رشد معنوی خودکفا و مستقل می‌داند و مسئولیت‌هایی را بر اساس رویکرد تکوینی، ترجیحاً بر عهده زن قرار داده است که تربیت نسل بشر به طور عام و تربیت

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۳۹.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۴۱.

۳. روم: ۲۱.

۴. اعراف: ۱۸۹.

۵. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۶. ورام، مجموعه ورام، ص ۵۷.



نسل منتظر به طور خاص از جمله آن‌ها است. پس در عصر غیبت، زنان منتظر در کنار مسئولیت‌های مشترکی که با مردمان منتظر در مسیر زمینه‌سازی ظهور دارند، دارای مسئولیت‌های مهمی، نظیر مدیریت خانواده و تربیت نسل منتظر می‌باشند که بر اساس رویکرد تکوینی و داده‌های قرآنی و روایی زنان بر مردان در این امر مرجح و دارای اولویت می‌باشند.

## ۲. تشویق مردان به حضور در صحنه

از جمله وظایف مهم زنان منتظر در عصر غیبت، علاوه بر حضور و مشارکت فردی در صحنه، زمینه‌سازی و تشویق مردان برای حضور بیش‌تر در صحنه‌های اجتماعی است. در طول تاریخ اسلام در برهه‌های مختلف، شاهد حضور جدی زنان در صحنه‌های میدانی، اعم از مبارزاتی و فرهنگی و نیز شاهد حرکت‌دادن و تشویق کردن مردان به سوی صحنه‌های مبارزاتی و فرهنگی هستیم؛ نظیر غزوات رسول گرامی اسلام و ائمه علیهم‌السلام و نیز در قیام سید الشهداء علیه‌السلام و روز عاشورا؛ چه بسیار زنانی بودند که علاوه بر مشارکت، عامل مشارکت و حضور مردان در صحنه شده‌اند. یکی از یاران فداکار و با وفای امام حسین علیه‌السلام زهیر بن قین است. زهیر از چنان شایستگی و لیاقتی در صحنه کربلا برخوردار بود که از سوی امام علیه‌السلام به فرماندهی جناح راست سپاه منصوب گردید.

در شب عاشورا وقتی امام حسین علیه‌السلام بیعت خود را از یارانش برداشت و آنان را میان ماندن و رفتن آزاد گذاشت؛ یاران امام علیه‌السلام به نحوی اظهار وفاداری کردند. زهیر بن قین در این میان به امام علیه‌السلام عرض کرد: «به خدا سوگند! دوست داشتم هزار مرتبه کشته می‌شدم و خداوند به وسیله آن تو و اهل بیت را از کشته شدن حفظ می‌کرد.»<sup>۱</sup> چنین شخصیتی با این همه عظمت و بزرگواری در آغاز در یاری کردن امام علیه‌السلام مردد بود و بر اثر تشویق و هشدار همسرش (دیلیم، دختر عمرو) در راه حسین علیه‌السلام گام نهاد.<sup>۲</sup>

۱. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۹۲.

۲. طبری، تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)، ج ۴، ص ۲۹۸.

یکی از یاران زهیر می‌گوید: در سال ۶۰ هجری ما با گروهی همراه زهیر در مراسم حج شرکت کردیم. در راه بازگشت سعی می‌کردیم از امام حسین علیه السلام فاصله بگیریم، تا این که ناچار در منزلی فرود آمدیم که امام علیه السلام نیز با یارانش در آن جا فرود آمده بودند. پس از آن که مشغول صرف غذا شدیم، ناگاه فرستاده امام علیه السلام وارد شد و پس از سلام به زهیر گفت: امام علیه السلام از تو خواسته که نزد او بروی. با شنیدن این جمله بهت و حیرت آن چنان اهل مجلس را فرا گرفت که هر کس، هر چه در دستش بود، از دستش افتاد. در آن فضای بهت و حیرت و سکوت ناگاه صدای همسر زهیر بلند شد که سبحان الله! فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از تو می‌خواهد که نزدش بروی و تو از این کار خودداری می‌کنی؟ چه می‌شود که اگر به نزد او بروی و سخنش را بشنوی؟ همین یک جمله به منزله جرقه‌ای بود که زهیر را به حرکت وا داشت. او پس از ملاقات با امام علیه السلام حال و هوای دیگری پیدا کرد و چهره‌اش نورانی و درخشان گردید.<sup>۱</sup> شاید اگر زهیر از همراهی چنین همسری برخوردار نبود، به آن همه افتخار و ایثار دست نمی‌یافت. بدون شک اگر جامعه آن روز تعداد بیش‌تری از این گونه همسران فداکار و زنان با ایمان در اختیار داشت، اشخاص بیش‌تری همانند زهیر به تاریخ تحویل می‌داد.

یکی از این زنان فداکار و نمونه تاریخ، مادر وهب بن عبدالله کلبی است. او با فرزند و عروس خود در صحنه کربلا حضور یافتند. در روز عاشورا، مادر وهب به فرزندش گفت: فرزندم برخیز و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را یاری کن! وهب به میدان رفت و پس از آن که تعدادی از سپاه عمر سعد را به هلاکت رساند، نزد مادر بازگشت و به او گفت: ای مادر! آیا از من راضی شدی؟ مادر وهب پاسخ داد: از تو راضی نمی‌شوم تا این که در حمایت و دفاع از فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت برسی. پس از شهادت وهب، مادرش به بالین فرزند آمد و شروع کرد خون‌های چهره او را پاک کند. شمر که ناظر این صحنه بود به غلامش دستور داد با عمود ضربه‌ای بر سر مادر وهب وارد کند. بر اثر آن ضربه، سر مادر وهب شکافته شد و در کنار بدن فرزند به شهادت رسید. این

۱. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۴۵۲ و فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۱۷۸.

نخستین زنی بود که در قیام امام حسین علیه السلام به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

در عصر غیبت که نقش زنان در امور فردی و اجتماعی نقش مهم و سرنوشت‌ساز است، زنان منتظر دو مسئولیت دارند: تقویت حضور فردی و مشارکت شخصی در صحنه‌های اجتماعی تقویت و نیز زمینه‌سازی مشارکت جدی مردان، اعم از همسران و فرزندان خود در صحنه‌های اجتماعی اعم از فرهنگی، سیاسی و نظامی و در واقع، در برابر دشمنان اسلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به تقویت روحیه مبارزاتی خود و مردان همت کنند؛ زیرا:

زیرا نشستن و تسلیم شدن و کناره‌گیری کردن و تماشاگر صحنه‌های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن؛ هرگز در اسلام جایز نیست و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی‌باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و فلسفه انتظار موافقت ندارد.<sup>۲</sup>

### ۳. رعایت حجاب

بحث حجاب و پاکدامنی، مسئولیت همه مسلمانان اعم از مردان و زنان است؛ چنان‌که خداوند متعال در قرآن خطاب به مردان می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾؛ به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند.<sup>۳</sup> و خطاب به زنان می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾؛ و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند.<sup>۴</sup>

در عصر غیبت، حجاب و عفاف، مهم‌تر و تأثیرگذارتر است و منتظران در زمینه‌سازی ظهور باید در این خصوص دقت و مواظبت بیشتری داشته باشند. در واقع، رعایت پوشش و عفاف برای همه باورمندان اسلامی، اعم از زن و مرد لازم و ضروری است؛ اما در مورد زنان سفارش

۱. ابن طاووس، لهوف، ص ۶۳.

۲. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۱.

۳. نور: ۳۰.

۴. همان: ۳۱.

بیش تری شده است؛ زیرا زنان مظهر جمال و زیبایی هستند و مردان مظهر شیفتگی و دلدادگی می‌باشند. بر این اساس، در اسلام بر حجاب و عفاف زنان تأکید فراوانی شده است.

واژه حجاب با واژه «ستر» (پوشیدن، پوشش، حائل، پرده، حجاب و مانع) مترادف است. در نگرش فقهی، واژه «ستر» به معنای پوشش به کار رفته است؛ اما استفاده از واژه حجاب در مورد پوشش زن، مفهوم نسبتاً جدیدی است. براساس آن چه در متون اسلامی با رویکرد قرآنی و روایی آمده، معنای پوشش اسلامی آن است که زن در مواجهه و تعامل با افراد نامحرم بدن خود را بپوشاند و خودنمایی نکند. بنابراین، حجاب به معنای پوشش اسلامی دارای دو بعد «ایجابی» و «سلبی» است. در بعد ایجابی پوشش اسلامی ضرورت دارد و در بعد سلبی اجتناب از خودنمایی بدنی لازم است.

بر این اساس، بر زنان مسلمان، بالاخص زن زمینه ساز ظهور لازم است که در جهت رعایت حجاب کامل که همان حجاب اسلامی است، به هر دو بعد حجاب توجه کرده و هر دو بعد را در کنار یکدیگر به درستی اجرا کنند.

شایان ذکر است که در نگرش اسلامی، حجاب از احکام ضروری اسلام است که عموم مسلمانان در رعایت آن اتفاق نظر و کتاب، سنت، فقه و سیره اسلامی بر آن صراحت دارند.

اصل وجوب حجاب فی الجمله، از ضروریات اسلام است، و دلیل آن قرآن کریم و روایات شریفه و اجماع علمای اسلام است، و حکمت آن واضح است، و مفسده بی‌حجابی و یا بدحجابی بر هر عاقلی روشن است.<sup>۱</sup>

بی شک با رعایت حجاب کامل اسلامی، زمینه احیای مولفه‌های دیگری نظیر تقوا، عفت، حیا، نجابت، وقار، پاکي، ظرافت، فضیلت، صلابت، سلامت جسمی و روانی و متانت فراهم می‌شود و با فراهم آوری این شاخص‌ها زمینه آمادگی، شایستگی و بایستگی ظهور در جامعه مهیا می‌شود.

در زمینه عفت و حجاب زن، آنچه از تعالیم اسلام استفاده می‌شود، پوشش زن مثل چادر و عبا

۱. صافی گلپایگانی، معارف دین، ج ۳، ص ۳۹۹.

مناسب است و نیز هر چه فراگیرتر و مانع از نمایش حجم اعضا و مفاتن بدن باشد و تنگ و اندام‌نما نباشد. چنین حجابی در بین بانوان مسلمان متعارف شد و بانوان به آن متعهد شدند.<sup>۱</sup> آیت‌الله صافی گلپایگانی در جهت توجیه حکمت حجاب و مفسد بی حجابی با مستندات قرآنی می‌فرماید:

«اگر اهل بصیرت با دقت و تعمق در جمله اخباریه قرآنیّه «ذَلِكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِمْ» که بعد از جمله انشائیّه «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ وَّرَاءَ حِجَابٍ» است؛ نظر نمایند؛ بخش مهمی از حکمت‌های حجاب و مفسد اختلاط زنان با مردان بیگانه و جلسات و مجامع و مدارس و دانشگاه‌های مختلف معلوم می‌شود و به نقطه نظر شارع مقدّس - که صیانت جامعه از فساد و بی‌عفتی و فحشا است، آگاه می‌گردند.<sup>۲</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲. همان، ص ۲۵۰.

## نتیجه‌گیری

در عصر غیبت، منتظران اعم از مردان و زنان، همگی در مسیر زمینه‌سازی ظهور باید نقش ایفا کنند و با نقش‌آفرینی همه منتظران، جامعه به طرف آمادگی پیش خواهد رفت و با آمادگی، مردم به لیاقت و شایستگی لازم و در نهایت به بایسته‌های ظهور می‌رسند. در میان منتظران، زنان که نیمی از جمعیت منتظران را به خود اختصاص داده‌اند، دارای نقش مهم و تأثرگذاری هستند. این نقش‌آفرینی در دو بعد فردی و اجتماعی با دو رویکرد «خوداندیشی» و «دیگران‌دیشی» در جامعه منتظران اجرایی و عملیاتی می‌شود. در بعد فردی، ابتدا جامعه زنان منتظر با خوداندیشی به اصلاح و خودسازی می‌پردازند و با پایبندی به تقوای الهی، ایمان به خدا، ولایت‌پذیری، معرفت به امام، دین‌مداری و زیست اسلامی؛ زمینه ورود به اصلاحات اجتماعی با رویکرد دیگران‌دیشی در قالب مؤلفه‌هایی نظیر پرورش و تربیت نسل منتظر، حضور در صحنه و تشویق مردان، به منظور مشارکت در امور اجتماعی، رعایت حجاب و عفاف، آموزش محبت‌ورزی و علاقه‌مندی به امام، به سوی زمینه‌سازی ظهور به پیش می‌روند.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن طاووس، لهوف، *انوار الهدی*، قم، بی تا.
۲. امام خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، دفتر حفظ و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۰.
۳. جمعی از نویسندگان، *کتاب شناخت اخلاق اسلامی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵.
۴. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایت الاثر*، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۱.
۶. \_\_\_\_\_، *معارف دین*، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۷۹.
۷. صدوق، محمد، *خصال*، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
۸. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، *روضه الواعظین*، رضی، قم، بی تا.
۹. مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۳۰.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک* (تاریخ الطبری)، دارالتراث، بیروت، ۱۹۶۷م.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.
۱۲. مفید، محمد، ارشاد، *کنگره شیخ مفید*، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۳. نعمانی، محمد، *غیبت نعمانی*، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۱۴. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۵. ورام، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، بنیاد پژوهش های اسلامی آستانه قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وفضلنا من علمه على ترويضنا  
پژوهشنامه موعود

مجلة دراسات الموعود - فصليتان علميتان  
السنة الثالثة - العدد ٦ - خريف وشتاء ١٤٠٠

تم وبناءً على الرسالة المرقمة ١٥٧٢٨ والصادرة بتاريخ ٢٧ / ٢ / ١٤٠١ من قبل شورى إصدار ومنح التراخيص العلمية للحوزة العلمية ترقية مجلة دراسات الموعود الفصليتين من العدد الأول وجعلها في مصاف المجلات العلمية - الترويجية . ووفقاً للمادة الأولى من الاجتماع المرقم ٦٢٥ للمجلس الأعلى للثورة الثقافية والمنعقد بتاريخ ٢١ / ٣ / ١٣٨٧ ، تتمتع المجلات ذات الامتياز والطابع الحوزوي بنفس الامتياز والطابع الذي تتمتع به المجلات الصادرة عن وزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا .

#### هيئة التحرير (حسب الحروف):

**الهي نجاد، حسين** (أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية).  
**بهروزي لك، غلام رضا** (أستاذ في جامعة باقر العلوم في قم).  
**سليماني بهبهاني، عبد الرحيم** (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).  
**شاكري زواردهي، روح الله** (معيد في جامعة طهران برديس فارابي).  
**صفري فروشاني، نعمة الله** (أستاذ في جامعة المصطفى العالمية).  
**عرفان، أمير محسن** (أستاذ مساعد في كلية العلوم والمعارف الإسلامية في قم).  
**كلباسي، مجتبی** (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).  
**مروجي طبسي، نجم الدين** (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).  
**يوسفیان، مهدي** (فاضل حوزوي، مدير معهد الدراسات والبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء).

#### صاحب الإمتياز :

معهد الدراسات والبحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء .

مركز المهدوية التخصصي التابع للحوزة العلمية في قم .

#### المدير المسؤول:

حجة الإسلام والمسلمين مجتبی الكلباسي

#### رئيس التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين مهدي يوسفیان

المدير الإجرائي والتنفيذي وسكرتير التحرير:

حجة الإسلام والمسلمين السيد علي الكاظمي

#### المحرر:

ابوالفضل عليدوست

#### مترجم اللغة الإنجليزية:

حجة الإسلام والمسلمين حميد سعادت

#### مترجم اللغة العربية:

ضياء الزهاوي



عنوان مكتب المجلة: شارع الشهداء(صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصي، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا. رقم الهاتف: ٠٢٥٣٧٨٤١٤١٠؛ رقم الفاكس: ٣٧١٣٥١١٩؛ الصندوق البريدي: ١٢٥٣٧٣٧١٦٠  
البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com  
الموقع المجلة: www.mouoodmag.ir  
قناة افتراضية: @mahdaviatmag  
الشابا: ٠٢٤١-٢٧١٧  
سعر المجلة: ٢,١٠٠,٠٠٠ ريال



## القرآن وبحث أصالة المهدوية في رؤية وفكر آية الله الصافي الكلبايكاني

عيسى عيسى زاده<sup>١</sup>

تعتبر " الاصالة المهدوية " من المواضيع الأساسية ذات الصلة والعلاقة بمسألة الإمامة والذي يلعب برهان ذلك دوراً حاسماً في منح الأمل والثقة لمن ينتظر المهدي الموعود عَلَيْهِ السَّلَام. وقد حظيه هذا الموضوع ونتيجة أهميته القصوى بإهتمام الباحثين والمحققين والعلماء الأعلام وصبوا جل إهتمامهم بالبحث والدراسة فيه. ومن جملة العلماء والمفسرين المعاصرين الذين قاموا بالتحقيق والبحث في هذا الجانب ومن جهات مختلفة منها العقلية والقرآنية والروائية والفطرية والتوحيدية والكرامية والإجتماعية هو المرحوم آية الله الصافي الكلبايكاني. وتسعى المقالة التي بين أيدينا ومن خلال الإعتماد على الآيات القرآنية والإستفادة من المصادر المكتوبة والبرمجة الموجودة البحث في الاصالة المهدوية التي تستند على القرآن الكريم وذلك من خلال التأكيد على رؤية وفكر هذا المفسر والفقير الشيعي الكبير عبر الكتابة بالإسلوب الوصفي - التحليلي. ويمكن أن تشير هذه الدراسة وبواسطة الإستفادة من آيات القرآن الكريم والروايات التفسيرية وكذلك الإستعانة من آراء ونظريات المرحوم آية الله الصافي الكلبايكاني الى نتيجة مفادها: هي إن إثبات الاصالة المهدوية يكون من جهات عدّة ومختلفة من قبيل إنتصار حزب الله ونصرة جيشه ونصرة الأنبياء والمؤمنين، الثبات على الحق، وزوال الكفر ومحقه، دعم ونصرة وإمامة المستضعفين، خلافة ووراثة الصالحين، إنتشار الدين الإسلامي الحنيف في جميع بقاع المعمورة والنصرة على جميع الأديان، إحقاق الحق وإزهاق الباطل، وإندفاع القوة وحصولها لدى الإمام المهدي الموعود عَلَيْهِ السَّلَام وأعوانه وأنصاره.

المصطلحات المحورية: الاصالة المهدوية، القرآن، آية الله الصافي الكلبايكاني.

١. أستاذ مساعد وعضو في الهيئة العلمية في معهد البحوث الثقافية والتعليم، مركز بحوث العلوم والثقافة الإسلامية، المرحلة الرابعة قسم الكلام الإسلامي التخصصي.

## تأثير الإعتقاد بالمهدوية والانتظار في معرفة النفس والله تعالى والإمام من منظار آية الله الصافي

طاهرة حاجي رحيمي<sup>١</sup> / محمد علي محيبي اردكان<sup>٢</sup>

لاشك ولاريب فإن العقيدة المهدوية وعملية الإنتظار هي عقيدة إسلامية من ورائها وتدعمها أدلة وبراهين عقلية ونقلية قوية، ونظراً الى أهمية هذا الموضوع وتأثيره على عقيدة ورؤية الإنسان فقد أخذت هذه المقالة على عاتقها مسؤولية البحث في كيفية الإعتقاد على معرفة النفس ومعرفة البارئ عز وجل والإمام وذلك من خلال إعمال الأسلوب الوصفي - التحليلي. وقد أظهرت النتائج الحاصلة من هذه الدراسة بأن عملية الإعتقاد والإيمان بالقضية المهدوية والإنتظار يولد معرفة الإنسان بالله تبارك وتعالى، وبالطبع فإن مستوى المعرفة الدينية يزداد وذلك عبر النظرة العامة الأكثر شمولاً. وبطبيعة الحال فإن هذا الإعتقاد والإيمان في مجال معرفة الإمام بدوره يؤدي الى زيادة المعرفة أيضاً وبالتبعية يسبب الى زيادة الحب والولع بالإمام، ومن خلال معرفة الإمام تحصل المعرفة بالنسبة الى الهدف الغائي والمنشود والمعرفة بالحكومة الحقة والأصيلة والقبول بولاية الفقيه وهذا الإعتقاد تكون نتيجته هي معرفة النفس وتشخيص الوظائف الفردية والاجتماعية الملقاة على كاهل الإنسان في مجال المهدوية والإنتظار، ومن هذا المنطلق فإن هناك علاقة متقابلة بين معرفة الله تعالى ومعرفة الإمام ومعرفة النفس، وإن كل واحدة منها يترك تأثيراتها بشكل من الأشكال على الأخرى.

المصطلحات المحورية: المهدوية، الإنتظار، الوظيفة، معرفة الله، الأنتروبولوجيا، معرفة النفس، آية الله الصافي.

١. طالبة في المرحلة الرابعة في مؤسسة الزهراء عليها السلام للتعليم العالي، ميبد.

٢. عضو في الهيئة العلمية لقسم الفلسفة في مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام للتعليم والأبحاث.

## الوظائف والتطبيقات الاجتماعية لعقيدة الإنتظار في مجال تحقيق الظهور من منظار آية الله الصافي الكلبايكاني

فاطمة الياسري<sup>١</sup>

إن " الإنتظار " هي ظاهرة لها دور فعال وعملي في الحياة الإنسانية وهي على تقاطع مع الرؤية المنتشرة والرايحية والتي تبني على ان عملية الإنتظار هي امر مذموم وغير مطلوب. ولأشك فإن الشخص المنتظر ومع استمرارية الغيبة يتمتع بنعمة الإنتظار وذلك من أجل تكامل نفسه وبالتالي إيجاد الأساس الاجتماعي للظهور وطلب العون لتحقيق الحكومة العالمية. ولعل بيان رؤية آية الله الصافي الكلبايكاني وهو احد مراجع التقليد العظام للشيععة وصاحب نظرة ثابتة في مجال المهدوية في خصوص الوظائف والمسؤوليات والتطبيقات الاجتماعية للإنتظار تحظى بإهمية مضاعفة. وطبقاً لرؤية سماحته فإن الإنتظار هو الضامن والداعم لبقاء وديمومة المجتمع الشيعي والمهد لتحقيق الحكومة العالمية العادلة وقد تم كتابة هذه الدراسة في جانب تحليل الوظائف الاجتماعية للإنتظار في فكر ورؤية آية الله الصافي الكلبايكاني. ومن جملة النتائج المهمة التي استخلصتها الدراسة هذه هي: إن بعض التطبيقات والوظائف الاجتماعية التي تترتب على الإنتظار تكون من قبيل تحقق العدالة الاجتماعية في المجتمع، ومنع أي تراجع وقهقري نحو الثقافة الجاهلية، والمقاومة والإستقامة في مقابل القيادة الفاسدة والجهد والنضال مع أشكال الإنحرافات. وتم إستعمال منهج الجمع المكتبي واستعمال الاسلوب الوصفي - التحليلي في المنهجية الفكرية.

المصطلحات المحورية: الوظائف والتطبيقات الاجتماعية، الإنتظار، الظهور، آية الله الصافي الكلبايكاني.

پژوهشنامه موعود

سال چهارم / شماره ۷ / بهار و تابستان ۱۴۰۱

١. خريجة المقطع الثالث في جامعة الزهراء عليها السلام لدورة تربية المدرس في جامعة الزهراء، قم.

## دور الإعتقاد والإيمان بالمهدوية في الثقافة الدينية للأسرة في المصادر الإسلامية من خلال التأكيد على رؤية وفكر آية الله الصافي الكلبايكاني

حكيمة الأحساني<sup>١</sup> / فاطمة ابراهيم بور بائي<sup>٢</sup>

من الطبيعي القول بأن دور الإعتقاد والإيمان بالمهدوية والتي تعتمد على الثقافة المهدوية لها القابلية لبيان الآراء والنظريات وتقديم الحلول الإستراتيجية في مجال الجوانب الإنسانية والإجتماعية المختلفة. ويبرز ويتجلى تأثير هذا الإعتقاد على الثقافة الدينية الأسرية في جميع الجوانب الحياتية السياسية - الإجتماعية والفردية بصورة مادية ومعنوية، وتلعب الأسرة المهدوية دور لا يبدل له في النظام المثالي والرباني وذلك بقيادة الإنسان الكامل والخليفة الإلهي وبالتالي تهيئة الأرضية والمناخ المناسب والملائم للظهور كي يعم العدل والحكمة جميع بقاع العالم. وقد جرى تنظيم هذه المقالة والتحقيق على أساس الأسلوب الوصفي - التحليلي ومنهجية جمع البيانات والمعطيات والأسناد والوثائق المكتبية والمصادر التاريخية والحديثية عبر محورية الآثار والمؤلفات التي تركها سماحة آية الله الصافي الكلبايكاني. وتظهر النتائج التي خرجت بها هذه الدراسة إن الإعتقاد والإيمان بالمهدوية وبلحاظ الجانب المادي والمعنوي لها آثار على الثقافة الدينية للأسرة إذ يمكن لها أن تجمع أعضاء الأسرة الواحدة حول محورها وتجعلهم صفاً واحداً وتمنحهم الهوية والصبغة الدينية الواحدة واما بلحاظ الوظائف الإيمانية بالمهدوية فهي تتجلى، في إيجاد الفضاء الخلاق والمناسب للجيل المستقبلي، والإنموذج التربوي والتربية الأخلاقية الفاضلة، والعدالة، وتعزيز روح الأمل، وتقوية العلاقات الأسرية، وتسمية الأبناء، وإعطاء الصدقات، وتعزيز القيم المهدوية في مساحات التعليم في نمط الحياة لمنتظري المهدوية.

المصطلحات المحورية: الإسلام، المهدوية، الثقافة الدينية، الأسرة المهدوية، آية الله الصافي الكلبايكاني.

بیتنا  
شهرنامه  
مهرمورد

سال چهارم / شماره ٧ / بهار و تابستان ١٤٠١

١. طالبة في مرحلة الدكتوراه في قسم تاريخ الإسلام والأديان والمذاهب الإسلامية، ماجستير في الثقافة والعلاقات جامعة باقر العلوم ع.

٢. طالبة في المرحلة الثانية في الحوزة العلمية النسوية، قم المقدسة.

## دور المرأة المنتظرة في تربية وإعداد الجيل المنتظر من خلال التأكيد على رؤية آية الله الصافي الكلبايكاني

فاطمة الهاشمي<sup>١</sup>

لقد كان سماحة آية الله الصافي الكلبايكاني عالماً مضطرباً وواعياً بالظروف الزمانية وما يجري في موضوع الإنتظار ولهذا فإن رؤيته في ميدان الأوضاع الحالية يمكن ان تكون خارطة طريق مناسبة , ومن هذا المنطلق فإن المقالة التي بين أيدينا ناظرة وتهدف الى دراسة دور المرأة المنتظرة وعملها في تربية الجيل الصاعد المنتظر من وجهة نظر سماحته. وقد تم كتابتها بالإسلوب الوصفي - التحليلي والإستعانة من المصادر المكتبية لاسيما الآثار التي كتبها آية الله الصافي الكلبايكاني. وتظهر النتائج الحاصلة من هذه الدراسة إن المرأة التي تنتظر ظهور الإمام عَلَيْهِ السَّلَام يمكن لها في الجانب الفردي ومن خلال التفاني والتضحية في الأبعاد المعرفية والعاطفية والسلوكية وفي مقام الأمومة وعبر السعي في توفير وتأمين الصحة الجسدية - النفسية والنمو الفكري والتكامل المعرفي والتربية الحماسية وزيادة محبة أبنائها بالنسبة الى الإمام صاحب العصر والزمان عَلَيْهِ السَّلَام وترويج طريقة الحياة المنتظرة في وسط الأسرة ان تأخذ على عاتقها مسؤولية تربية الجيل المنتظر وكذلك يمكن أن تلعب وبواسطة حضورها الفعال في أوساط المجتمع ومواقع التواصل الإجتماعي ورعاية حدود العفاف والحجاب وبيان مكانة المرأة في الثقافة الإسلامية الغنية وإيجاد الوعي والشوق والأمل في نساء المجتمع بإعتبارهن أمهات لجيل منتظر، وتقوية أواصر الأسرة وبنائها كونها مركزاً لصنع وتربية هذا الجيل دوراً حساساً ومهماً في هذا المضمار.

المصطلحات المحورية: آية الله الصافي الكلبايكاني، المرأة المنتظرة، تربية الجيل المنتظر، المجتمع المنتظر، تنشئة الفرد المنتظر.

پژوهشنامه  
مردم‌مورد

سال چهارم / شماره ۷ / بهار و تابستان ۱۴۰۱

١. طالبة في مرحلة الدكتوراه في قسم فلسفة التعليم والتربية التخصصي، جامعة أصفهان.

## وظائف النساء في تهيئة أرضية الظهور من خلال التركيز على رؤية آية الله الصافي الكلبايكاني

فاطمة زهراء ستار<sup>١</sup>

لاشك فإن " الغيبة " تنقسم الى قسمين وهما الغيبة الصغرى والغيبة الكبرى. وفي هذا العصر يحقق ان يطلق على الناس وصف المنتظرين من خلال مقولة الإنتظار. وفي هذه الغيبة الطويلة والتي تعرف بالغيبة الكبرى تطرح العديد من البحوث المختلفة مثل مؤشرات وخصوصيات المنتظرين، مكانة المنتظرين، دور المنتظرين، عمل المنتظرين والوظائف التي تقع عليهم، والمقالة هذه هي بصدد التطرق الى بحث وظائف ومسؤوليات المنتظرين فقط. وعادة تقسم وظائف المنتظرين من حيث الجنس الى قسمين وظائف المجتمع الذكوري ووظائف المجتمع النسوي. وتتناولها هنا الوظائف التي هي بعهدة النساء المنتظرات فقط. ولاشك فإن أصل الوظائف من حيث التنوع فإنها تنقسم الى ثلاثة أقسام: الوظائف التي تختص بالرجال والوظائف التي تختص بالنساء والوظائف المشتركة بين الرجال والنساء. وتأخذ هذه الدراسة على عاتقها البحث في القسمين الأخيرين يعني الوظائف المشتركة والوظائف التي تخص النساء. وبالطبع فإن وظائف النساء المنتظرات في مقام العمل تجري وتطبق في قسمين وهما "التامل الذاتي" و "التفكير الأخر" وتبادر النسوة المنتظرات في منهجية التامل الذاتي بداية الى صناعة وتنمية الشخصية والإصلاحات الإجتماعية بواسطة العملية الإيمانية والأخلاقية والعقدية والثقافية وغيرها. واما في منهجية التفكير الأخر والإصلاحات الإجتماعية فهي تطبق وتجري ومن خلال عملية صناعة الأخر في قالب تربية الجيل المنتظر، وحث الرجال وتحفيزهم للحضور في المشهد، وتعليم المحبة والعشق للإمام صاحب العصر والزمان عجل الله فرجه الشريف، ورعاية الحجاب والعفاف والحشمة والمواضع التي تصب في خاتمة هذه السياقات. ولاشك ونظراً الى ان نصف جموع المنتظرين هم من المجتمع النسوي فمن الضروري بمكان دراسة بحث النساء المنتظرات والوظائف التي يمكن القيام بهن في ظل الغيبة الكبرى بشكل تفصيلي وبالإسلوب الوصفي - التحليلي وبما إن طرح هذا البحث ينبغي ان يكون له التماسك الهيكلي والمنظومة المعرفية لذا فقد تم الإعتماد والإستنباط في قالب هذا البحث بالتركيز على محورية رؤية آية الله الصافي الكلبايكاني في خصوص وظائف النساء في موضوع توطأت أرضية الظهور.

المصطلحات المحورية: وظائف المنتظرين، وظائف النساء، الغيبة الكبرى، التامل الذاتي، الفكر الأخر، الصافي الكلبايكاني.

١. طالبة جامعية في مرحلة الماجستير في قسم الفقه والأسس والقواعد الحقوقية في جامعة القرآن والحديث، قم.

## The duties of women in paving the way for the Appearance; With an emphasis on the thought of Ayatollah Šāfi Golpāyegāni

*Fāṭimah-Zahra Sattār<sup>1</sup>*

"The Occultation" is divided into the Minor and Major occultation. At the present time, people are waiting for the appearance of Imam Mahdi. In long-term disappearance, which is known as "the major occultation", there are various topics such as the indicators of the expectant people, the position of the expectant ones, the role of the expectants, the function of the expectants and the duties, which is only discussed at this paper. In terms of gender, the duties of the expectant people are divided into two categories: the duties of the men's society and the duties of the women's society, which is only discussed here. There are three main types of tasks in terms of diversity: tasks for men, tasks for women, and common tasks between expectant men and women. The duties of expectant women are implemented and operationalized with two methods of "self-thinking" and "other-thinking". In the way of self-thinking, first of all, the expectant women undertake self-improvement and personal reforms with the approach of faith, moral, ideological, cultural, etc. In the way of other-thinking and social reforms, with the approach of othering in the form of educating the expectant generation, encouraging men to come to front, and to love Imam Mahdi, and to observe Hġjāb and chastity, and so on. Undoubtedly, considering that half of the expectant population is made up of women, it is necessary to discuss and analyze the duties of this group during the Major Occultation, with a descriptive and analytic approach. And since the discussion plan must have structural coherence and epistemological order, the format and framework of this discussion is based on the thought of Ayatollah Šāfi Golpāyegāni regarding the duties of women in paving the way for the Imam's appearance.

**Keywords:** duties of expectant people, duties of women, the major occultation, Self-thinking, Other-thinking, Safi Golpayegani.

---

1 Master student of Jurisprudence and Fundamentals of Law at the Quran and Hadith University, Qom

## The role of expectant women in the upbringing of expectant generation; With an emphasis on the thought of Ayatollah Şāfi Golpāyegāni

*Fāṭimah Hāshemi<sup>1</sup>*

Ayatollah Şāfi Golpāyegāni was a thoughtful thinker and aware of his own time, and was a trendsetter in the field of Intizār. Therefore, his thought in the current situation of the society can be a guide for worthy actions. So, this article aims to investigate the role of the expectant women in the education of the expectant generation from his viewpoint, with a descriptive-analytic approach and using library sources specially from the works of Ayatollah Şāfi Golpāyegāni. The findings show that an expectant woman waits in the personal field with self-improvement in cognitive, emotional and behavioral dimensions as a mother can educate the next generation with efforts to ensure physical-psychological health, intellectual growth, cognitive development, epic upbringing, increasing children's love for the Imam of the Age, and promoting a Waiting-oriented Islamic lifestyle in the context of the family. Also, by actively participating in the context of society and virtual space, while respecting the boundaries of chastity and Hijāb, she practically, will be able to clarify the state of women in the rich culture of Islam, and to create awareness, enthusiasm, and hope in the women of the society as the expectant mothers and strengthening the foundation of the family as the center of raising the next generation.

**Keywords:** Ayatollah Şāfi Golpāyegāni, expectant woman, training the expectant generation, expectant society, upbringing the expectant people.

---

1 PhD student in Philosophy of Education major at Isfahan University; Taha313110313@gmail.com



## The function of believing in Mahdism on the religious culture of families in Islamic sources; With the emphasis on the thoughts of Ayatollah Šāfi Golpāyegāni

*Hakimeh Ehsāni<sup>1</sup>*

*Fāṭimah Ibrāhīm-pour Bā'i<sup>2</sup>*

The role of belief in Mahdism is based on Mahdavi culture, it has the ability to express views and provide strategic solutions in different human and social fields. The influence of this belief on the religious culture of the family manifests itself in all aspects of political-social and individual life, materially and spiritually. In fact, the Mahdavi family plays an irreplaceable role in the ideal and divine system, under the leadership of a perfect human being and the divine caliph for justice and wisdom to cover the whole world through the appearance of the Imam. The research methodology used in this essay is Library-based method with a descriptive-analytic approach based on historical and Hadith sources, focusing on the works of Ayatollah Šāfi Golpāyegāni. This research shows that the belief in Mahdism, materially and spiritually, has some effects on the religious culture of the families, which can gather the family members around its axis and integrate them and give them a single religious identity. In terms of the functions of believing in Mahdism, the following items make sense in the life style of those awaiting Mahdism: creating a suitable context for the future generation, educational and moral model, justice, fostering the spirit of hope, strengthening family relationship, naming children properly, giving charity, strengthening Mahdavi values in the education spaces.

**Keywords:** Islam, Mahdism, religious culture, Mahdavi family, Ayatollah Šāfi Golpāyegāni.

---

1 PhD student in the history of Islam at the University of Religions and Denominations; M.A in Culture and Communication at Bāqir al-'Ulūm university; H.Ehsani94@gmail.COM

2 Graduate student of level 2 from the women religious school at the Seminary of Qom

## Social functions of believing in Intizār to realize the Imam's advent from the viewpoint of Ayatollah Ṣāfi Golpāyegāni

*Fāṭimah Alyāseri<sup>1</sup>*

"Intizār" (Awaiting the advent of Imam Mahdi) is a phenomenon with a functional and active role in human life. Contrary to the current view that considers Intizār as a reprehensible and undesirable thing, the Muntazir one, who is expectant and prepared for the advent of Imam Mahdi, during the continuation of the Imam's occultation, seeks help from the blessing of Intizār for self-refinement and, accordingly, the social foundation of the appearance of the Imam until the realization of world government. To clarify the view of Ayatollah Ṣāfi Golpāyegāni, as one of the religious authorities of Shia and one of the best experts in the field of Mahdism and social functions of Intizār, is of double importance. According to him, Intizār is the guarantor of the survival of the Shiite society and the realization of the rule of global justice. This article is written to analyze the social functions of waiting in the thoughts of Ayatollah Ṣāfi Golpāyegāni. Some of the important results of this research about the social functions of Intizār, are as follows: realizing social justice in the society, preventing any regression towards the culture of Ignorance, resistance and stability against corrupt leadership, and fighting against all kinds of deviations. This article has been compiled in a library method and written in a descriptive-analytical way.

**Keywords:** social functions, Intizār, advent of the Imam, Ayatollah Ṣāfi Golpāyegāni.

---

1 A graduate student of level 3 and graduated of Education Teacher course (Tarbiat Modarres) at Jāmi'at al-Zahra (the women religious school), fatemeh\_ysr@yahoo

## The effect of believing in Mahdism and Intizār (Awaiting the advent of Imam Mahdi) in knowing oneself, God, and the Imam from Ayatollah Şāfi's point of view

*Tāhireh Hāji-Rahīmi*<sup>1</sup>  
*Muhammad-Ali Muḥīṭi Ardakān*<sup>2</sup>

Believing in Mahdism and Intizār is an Islamic belief with a solid support of intellectual arguments and narrated evidences. Considering the importance of this issue and its effect on human insight, the present research has investigated the effect of this belief on self-inspection, taking the cognition of God, and the Imam, using the descriptive-analytical method. The results of the research show that believing in Mahdism and Intizār causes people to know God and, with a more general view, knowledge about religion. This belief in the field of Imamology, in turn, increases knowledge and consequently causes more love for the Imam. By knowing the Imam and taking cognizance of the ultimate goal, the rule of right governance, and acceptance of Wilāyat al-Faqīh is obtained. This belief will increase self-knowledge and personal and social duties in the field of Mahdism and Intizār. Therefore, there are reciprocal relationships between taking cognizance of God, the Imam and self-knowledge, in a way that each of them influences the other.

**Keywords:** Mahdism, Intizār, duty, theology, anthropology, self-knowledge, Ayatollah Şāfi Golpāyegāni.

---

1 A student of level 4 at Ḥazrat Zahra Higher Education Institute in Meybod; t.hajirahimi.71@gmail.com

2 The faculty member of philosophy group at Imam Khomeini Educational and Research Institute; hekmatquestion@gmail.com

## Qur'an and the analysis of the authenticity of Mahdism in Ayatollah Şāfi Golpāyegāni's thought

Īsā 'Īsā-Zādeh<sup>1</sup>

"Authenticity of Mahdism" is one of the fundamental issues of Imamate, the proof of which plays a decisive role in giving hope to those who are awaiting the promised Mahdi. This issue has always been discussed among scholars due to its importance. The late Ayatollah Şāfi Golpāyegāni is one of the contemporary Shiite scholars and commentators, who have analyzed and investigated this issue from various intellectual, Qur'anic, narrative, natural, monotheistic, dignified and consensus aspects. In the present research, emphasizing the point of view of this great Shia commentator and jurist in a descriptive-analytical way, an attempt has been made to analyze the authenticity of Mahdism based on the Qur'an by referring to the verses of the Qur'an and using the written and software sources.

The following research, by using the Qur'anic verses and interpretative narrations, as well as by relying on the views of the late Ayatollah Şāfi Golpāyegāni, results that the authenticity of Mahdism can be seen in various aspects such as the victory of Hizb Allah (the partisan of God) and the victory of God's army, the support of the prophets and believers, the stability of the right and the decline of disbelief, the leadership and authority of the oppressed and righteous people, the spread of Islam throughout the world and its overall victory over all religions, the coming of truth and the destruction of falsehood, and the gaining of power by Imam Mahdi and his companions.

**Keywords:** authenticity of Mahdism, the Quran, Ayatollah Şāfi Golpāyegāni.

---

1 Assistant professor and faculty member of the Research Center of Culture and Teachings of Islamic Sciences and Culture Institute, Level 4 of Islamic Theology; e.eisazadeh@isca.ac.ir

Pursuant to letter No. 15728 dated May 17, 2022, issued by “Licensing and Scientific Ranking Council of the seminary of Qom”, the semi-annual Journal Research on the Promised was promoted from number one to the scholarly-promotional rank.

According to the legislation of “Supreme Council for Cultural Revolution” No. 625 dated June 10, 2008, ranking seminary journals have the same validity as the journals of the “Ministry of Science Research and Technology.”

**In the Name of Allah, the Most  
Beneficent, the Most Merciful**



**Two-Quarterly Scientific-Promotional Journal of Mahdism**

**THIRD YEAR, NO. 6, AUTUMN/ WINTER 2021-2022**

**Magazine Owner:**

Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya (Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

**Managing Editor:**

Clergy of Islam Mojtaba Kalbasi **Editor in Chief:**

Clergy of Islam Mahdi Yousefian

**Internal Manager and Editorial Staff:**

Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi

**Editor:**

Mohammad Reza Mojiri

**English Translator:**

Hujjat al-Islam Hamid sa'adat

**Arabic Translator:**

Ze'ya az-zahavi

**Editorial Board (Alphabetically Ordered):**

**Elahinezhad, Hussein** (Associate Professor of Islamic Sciences and Culture Research Center)

**Behrouzi Lak, Gholamreza** (Professor at Baqir al-Ulum University)

**Solaymani Behbahani, Abdul-Rahim** (Professor at Qom Seminary)

**Shakeri Zavardehi, Rouhollah** (Assistant Professor at Tehran University)

**Safari Foroushani, Nematollah** (Professor at Al-Mustafa International University)

**Erfan, Amir Mohsen** (Assistant Professor at Islamic Maaref University)

**Kalbasi, Mojtaba** (Professor at University and Seminary)

**Moravejji Tabasi, Najm al-Din** (Professor at Qom Seminary)

**Yousefian, Mahdi** (Seminary Scholar, Assistant Professor Al-Mustafa International University)



**Address:** Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St. (Safaeeyeh), Qom. Tel: 025-37841410, Fax: 025-37737160, P.O.B: 37135119

Website: <http://mouoodmag.ir>

Email: [mouoodmag@gmail.com](mailto:mouoodmag@gmail.com)

Social network channel Address: @mahdaviatmag

ISSN: 2717-0241

**Price: 2.100.000 Rials**